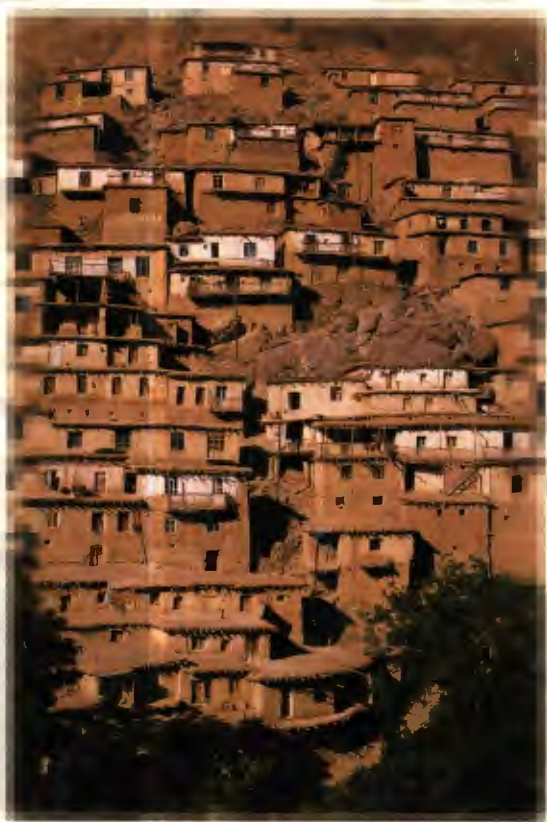




کردستان

و توسعه ایرانگردی و جهانگردی

مجموعه مقالات ارائه شده در
نخستین سمینار بررسی و شناخت
جاذبه‌های جهانگردی استان کردستان

مهرماه ۱۳۷۴



اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان







کرمانشاه

استان کردستان

جاذبه‌های

شناخت و بررسی

برسینار

در نخستین

مجموعه مقالات ارائه شده

مجموعه مقالات ارائه شده

مجموعه مقالات ارائه شده

کرمانشاه و توسعه ایرانگردی و جهانگردی



۶۹۸۸۵

کردستان و

توسعه ایرانگردی و جهانگردی



مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین سمینار بررسی و شناخت

جاذبه‌های جهانگردی استان کردستان

مهر ماه ۷۴

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان

۵۴۸۹۶

- ❖ نام کتاب: کردستان و توسعه ایرانگردی و جهانگردی
- ❖ حروفچینی: اندیشه (سنندج)
- ❖ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- ❖ تهیه و تنظیم: اداره امور سیاحتی
- ❖ ناشر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان
- ❖ چاپ و صحافی:

فهرست

فصل اول

● مقدمه

۵

● افتتاحیه

- | | | |
|----|--|-----------------------------------|
| ۹ | (استاندار کردستان) | سخنرانی آقای محمد رضا رحیمی |
| ۱۵ | (مشاور وزیر و مدیر کل دفتر مطالعات سیاحتی) | سخنرانی آقای سید حمید کلانتری |
| ۲۱ | (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان) | سخنرانی آقای سید یدالله سبجانی |
| ۲۷ | (ایران شناس و گردششناس چک) | سخنرانی خانم پرفسور آدلا کریکاووا |

فصل دوم

● مقالات و سخنرانی‌ها

- | | | |
|----|------------------|--|
| ۳۳ | دکتر اسعد اردلان | - موانع و محدودیتهای جهانگردی در استان کردستان |
| ۴۳ | عزیزاله محمودی | - نقش جهانگردی در توسعه اقتصادی - اجتماعی استان کردستان |
| ۵۹ | علی عدالتی | - جاذبه‌های سیاحتی - مذهبی شهر سنندج |
| ۶۵ | مسعود حاج رسولی | - استعدادهای بالقوه توسعه توریسم در کردستان |
| ۷۳ | خالد توکلی | - روستا به عنوان کانون توریسم در کردستان، تأثیر توریسم و توسعه روستایی |
| ۸۵ | نامیق صفی‌زاده | - زمینه‌های اقتصادی کردستان و نقش آن در جاذبه‌های سیاحتی استان |

۱۰۹	رضا رحیم پور	- موانع و محدودیت‌های جهانگردی در استان کردستان
۱۲۱	عبدالخالق عبادی	- تأثیر و تأثر فرهنگی جهانگردی در استان کردستان
۱۲۹	پوران‌دخت اعتمادیه	- جایگاه جهانگردی در استان کردستان
۱۴۱	عبدالخالق سجادی	- بررسی جاذبه‌های سیاحتی مریوان
۱۴۹	علی اشراقی	- استعدادها و مشکلات جلب سیاحان در کردستان
۱۵۳	محمد عای موظف رستمی	- توریسم، تعامل یا تقابل فرهنگی در کردستان

پیش‌گفتار

استان کردستان از جمله مناطق زیبا و بکر کشور است که دارای مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی بسیار زیباست. آب و هوای معتدل و مطبوع، کوه‌ها، دره‌ها، رودها، جنگل‌ها و از همه مهمتر دریاچه آب شیرین زیروار مریوان و فرهنگ غنی و آداب و رسوم منطقه و آثار باستانی و تاریخی ارزشمند آن هریک می‌تواند به تنهایی انگیزه‌ای باشد برای تبدیل استان به یک قطب توریستی، که خوشبختانه با اقدامات عمرانی و زیباسازی شهر که هم‌اینک در سراسر استان آغاز گردیده است و با تلاش همه جانبه مردم و مسئولین در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد شکوفایی صنعت توریسم در استان کردستان خواهیم بود و در این ارتباط برگزاری اولین نشست راهبردهای توسعه و سیر و سیاحت که در مهر ماه ۷۴ در سنندج برگزار شد فرصتی مغتنم بود تا دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان در ارتباط با توانمندیهای صنعت ایرانگردی و جهانگردی در این منطقه بررسی گردد. کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که در نشست مذکور ارائه گردید و انشاء... انتشار آن طلیعه یک حرکت جدید برای معرفی استان و تشویق هموطنان برای دیدار از این خطه باشد. در این جا وظیفه خود می‌دانیم از استاندار معزز کردستان، هیئت علمی سمینار، مرکز مطالعات سیاحتی، دانشگاه کردستان، مدیریت صنایع دستی استان که ما را در برپایی این سمینار یاری دادند و نیز از صاحب‌نظران و اساتیدی که با ارسال مقاله به پربار شدن این نشست کمک نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نمائیم.

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان

افتتاحیه

سخنرانی جناب آقای حاج محمدرضا رحیمی

(استاندار استان کردستان)

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد ﷺ وعلى آله الطيبين الطاهرين. ابتدا تقارن این سمینار را با هفته دفاع مقدس تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و یاد عزیزان و شهیدان و ایثارگرانی که در این دفاع مقدس یا خون دادند و به شهادت رسیدند، یا بخشی از سلامت خودشان را تقدیم تمامیت کشور اسلامیمان کردند، گرامی می‌دارم و به روح بزرگ شهیدانمان درود می‌فرستم و همچنین به روح طیب و طاهر و بزرگ امام شهیدان. براساس تقسیمی که از وقت به عمل آمده برای رعایت آن بنده هم ۱۵ دقیقه وقت مقرر کرده‌اند و علی القاعده در این ۱۵ دقیقه یکی از اساسی‌ترین و محوری‌ترین بحثهای مربوط به کردستان را واقعاً نمی‌شود مطرح کرد، بهر حال هرچقدر که توان داشتم در همین مدت کم تقدیم می‌کنم.

قبل از هرچیز خوش آمد می‌گویم خدمت عزیزانی که در این مجلس حضور دارند خصوصاً کسانی که از راههای دور تشریف آورده و زحمت کشیدند و مقالاتی به این سمینار تقدیم کردند. سرکار خانم آدلا، ظاهراً همان عاقله خودمان باید باشد که هم اسلام شناس هستند و هم کردشناس، به استان کردستان تشریف آوردند، جناب آقای مهندس کلاتری مشاور محترم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده محترم سنندج، همه عزیزانی که افتخار دادند و این سمینار ما را رونق بخشیدند.

من بحث اجمالی را می‌پسندم، آقای سبحانی در یک کلمه فرمودند جاذبه، برای اینکه توریست جذب شود. اصل همین یک کلمه است. معمولاً توریست کسی است که دنبال سیر و سفر هست، به جایی می‌رود که یک جاذبه‌ای وجود داشته باشد، جایی که جاذبه ندارد کسی پول خرج نمی‌کند. استان کردستان زمینه برای جذب توریسم فراوان

دارد ولی با موانعی مواجه است که ما مردم استان کردستان باید این موانع را بر داریم. مخصوصاً در خدمت برادران و خواهران دانشجو هستیم و بیشترین کمک را هم از این عزیزان باید بگیریم. واقعیت اینست که یک سلسله مسائل با هم ارتباط دارند و تا اینها با هم جفت و جور نشوند سیاحت اتفاق نمی افتد. ما زمینه طبیعی سیر و سیاحت را داریم، می خواهیم بینیم سیر و سیاحت چه حاصلی برای ما دارد. آقای سبحانی اشاره کردند فرانسه را مثال زدند، آمریکا را مثال زدند. صنعت توریسم یک صنعتی است که الان در دنیا مطرح است و بالاتر از هر صنعت دیگری، کشورهای متمدن جهان روی پولهایی که از توریسم در می آید می چرخند. اسپانیا را مثال زدند، اسپانیا را بنده رفته ام و دیده ام. گفتند سه برابر نفت ما از توریسم دلار در می آورند، نفت هم یکی از منابعی است که کشور ما تا به امروز تمام امیدش به آن بوده است، کاش در کشور نبود، یعنی کشور ما را واقعاً نفت بیچاره کرد. اگر ما نفت نمی داشتیم و از سایر مواهب الهی استفاده می کردیم جلوتر بودیم، من چند روز گذشته یک سفری کوتاه به آن طرف دنیا داشتم با یکی از وزرای محترم، من آفریقای جنوبی را دیدم ما را بردند ۳۵۰۰ متر زیر زمین، یک شهری آنجا ساخته اند و دارند طلا در می آورند. دومین تولید کننده طلای جهان هستند و یک بهشتی درست کرده اند. خلاصه، و آنجا یک نظم و انضباطی بوجود آورده اند در انتهای آن سوی دنیا، اما سنگهای ما خود بخود غلت خورده از کوه آمده لب جاده اینها را حمل نمی کنیم. سنگ گرانیت را در کنار جاده باشماق مریوان ببینید ۶۰ تنی، ۵۰ تنی، ۳۰ تنی غلت خورده آمده کنار جاده آماده برای حمل است و بهر حال در همین استان طلا هم داریم. در همین استان انواع معادن و منابع داریم مانده زیر خاک، هیچکس حاضر نیست پُف بکند کمی گرد و خاک از روی سنگها کنار برود بهر حال کمی دارم از مطلب دور می شوم عرضم اینست که الان آمریکایی ها، فرانسوی ها، انگلیسی ها و همه کشورها، ضعیف ترینشان کشوری است که ۱۶ میلیارد دلار درآمد از ناحیه صنعت توریسم دارد ما فعلاً اندر خم یک کوچه ایم. ما چهار تا پارک کوچک در گوشه و کنار خیابان ساخته ایم همانقدر که برای ساختن آنها زحمت می کشیم همانقدر زحمت می کشیم برای پاسخگویی به اراجیفی که گفته می شود، بخدا قسم همانقدر وقت دارد صرف می شود،

یکی می‌آید می‌گوید اینجا دو میلیارد خرج شده مردم از گرسنگی دارند می‌میرند او عقل ندارد یکی می‌گوید این را بدهید دو تا کارخانه اصلاً دارد زمینه سؤال می‌شود برای یکی از نمایندگان مجلس، البته زمینه سؤال برای نماینده مجلس بشود جالب است وقتی می‌خواهیم دست به یک چیز بزنیم که آن موانع برای سیر و سفر را برداریم که راه را باز کنیم جیبهای مردم پر از پول بشود یک عده داد و بیدادشان بلند می‌شود البته من دلخور نیستم اینها واقعاً به جهت جهل است، مرض نیست، حالا کسانی هم هستند مرض دارند جهل است نادانی است باید روششان بکنیم. ما دو تا مانع داریم یکی تنگ‌نظری‌هاست و یکی حضور مردم و بخش خصوصی است، دولت به تنهایی قادر نیست همه جاذبه‌ها را درست کند و یا گرد و غبار آنها را بردارد ما باید یک جاده‌ای مثلاً به بیساران بزنیم، مسافرین بیایند آبشارها و مناظر زیبای آنها ببینند، این جاده را ما باید بزنیم اما اگر قرار باشد یک میهمانسرای آنجا برای میهمانان بسازیم ما نمی‌توانیم باید بخش خصوصی بیاید. امسال شما دیدید از کاشان، شیراز، اصفهان و بهرحال شهرهای جنوبی ما مسافر داشتیم و بعضی‌هایشان در خیابان پاسداران در پارک کنار خیابانها خوابیدند. پس هم دولت باید کمک کند برای اینکه سفرکننده و سیاحت‌کننده داشته باشیم توریسم داشته باشیم و هم مردم باید سرمایه‌گذاری کنند سودش را هم دولت می‌برد و هم مردم. الان آقای سجادی شهردار محترم مریوان اینجا هستند مریوان را ما داریم تلاش می‌کنیم زیبایش کنیم برای اینکه زیباترین دریاچه دنیا را آنجا ما داریم دریاچه‌ای که از ۵۰ چشمه جوشیده باشد و بالا بیاید و آبش شیرین باشد و طبیعت زیبایی داشته باشد با پرندگان زیبا کمتر در جاهای دیگری وجود دارد و بقول جناب آقای رئیس‌جمهور زیباترین دریاچه دنیا است. کسی که به کردستان می‌آید حالا از هموطنان عزیز خودمان یا خارجی بهرحال پول می‌آورد خرج می‌کند هوا که نمی‌خورد، هم باید خرج کند بخورد، هم باید استراحت کند، هم هدیه باید بخرد ببرد، یک چیزهایی باید ببرد، بهرحال به راحتی هرکس که امروز به کردستان بیاید باید یک بیست

یا سی هزار تومانی خرج کند حالا حساب کنید که ما یک میلیون نفر به کردستان مسافر داشته باشیم یک میلیون سی هزار تومان چقدر می شود؟ می شود سه میلیارد تومان، یک سوم بودجه استان کردستان در بخش عمران می شود. سه میلیارد پول کمی نیست یک سوم بودجه جاری کل استان می شود به جای یک میلیون اگر سه میلیون بیاید برابر می کند با کل بودجه استان و ببینید چه اتفاقی می افتد پولها را کی می برد؟ یک قسمتش را دولت بعنوان مالیات می برد، بقیه سرازیر می شود به جیب مردم استان کردستان، آنکس که گیوه بافته، آنکس که سجاده بافته، آنکس که قالی بافته، آن فروشنده ای که جنسی را آماده کرده بود و آن کسی که غذا و محل خوابی را آماده کرده بوده، به جیب اینها می رود. وقتی درآمد مردم خوب شد دیگر ساختمانها به این شکل در نمی آید، این به عنوان یکی از مناظر زیبای کردستان اینجا نقاشی شده است. شما فرض کنید اگر این با آجر قرمز، قهوه ای سقف شیبدار ساخته می شد کوچه هایش را هم سنگفرش و آسفالت می کردی آیا جاذبه این تابلو صد برابر نمی شد؟ حتماً می شد ما که این جاذبه ها را نمی توانیم بسازیم باید زمینه ای بسازیم که درآمد نسبی مردم را بالا ببرد، وقتی که درآمد مردم بالا رفت خانه های قشنگ می سازند یک قسمت از زیبایی شهرمان خانه هاست، ما هرچقدر بلوار و پارک بسازیم، اگر نمای خانه ها زیبا نباشد، شهر هرگز جلوه ای پیدا نخواهد کرد. پس جاذبه های یک استان و معرفی جاذبه های یک استان برای این هست که میهمان به استان بیاید. فرانسه از یک موزه اش هفت میلیارد دلار در سال پول درمی آورد نصف قیمت نفت ما، هفت و نیم میلیارد هم آب می فروشد، پس از یک موزه به اضافه مقدار آبی که می فروشد برابر است با کل صادرات نفت ما، آبی که ما داریم خوب است یا مال فرانسه، حتماً آب خودمان آلودگیش کمتر است، زلاتر است بهداشتی تر است همه این محاسن را دارد. ما یک بشکه نفت می دهیم ۱۵ دلار آنها یک بشکه آب می دهند ۳۵۰ دلار، می ریزند داخل بطریهای کوچک و قیمتش را شما بهتر از من می دانید. من بحثم اینست که البته من در ۱۵ دقیقه نمی توانم همه اینها را با هم باز کنم و بعد جفت و جور

کنم و بعد نتیجه بگیرم امکان این وجود ندارد. مگر که فرصت دیگری چون الان بحث براین هست. و اگر من زودتر می دانستم به آقای سبحانی عرض می کردم وقت را طوری تنظیم کند من کمی با عزیزانی که امروز در خدمتشان هستیم بیشتر صحبت کنم. خلاصه جاذبه در کردستان وجود دارد که گرد و غبار روی آنرا گرفته و یک بخشی از آن امنیتی است. چهار تا آدم آن طرف کوه ایستاده اند، تا آنها بخواهند خودمختاری بگیرند، جمهوری اسلامی صد سال جلو می رود و به همان نسبت ما به عقب می رویم و این هم فراهم نیست. من روز اول عرض کردم که همه قدرتها جمع شدند نتوانستند پشت جمهوری اسلامی را به زمین بیاورند، چهار تا آدم قطعاً نمی توانند. پس اینها برای تورسم مزاحم هستند، مزاحم هستند برای مردم به حضرت عباس قسم برای همه ما مزاحم هستند و برای خودشان هم، باید بروند کنار و راه را باز کنند تا استان را که یکی از غنی ترین استانهای کشور است بسازیم ما خرج نصفی از کشور را می توانیم بدهیم، دام و دامپروری و آب و دریا و دریاچه و سد و کوه و دشت و بیابان همه اش طلاست. ما دعوت کردیم از کارشناسان آفریقایی بیایند برای استخراج طلا، قراردادی بستیم همه جا طلاست انصافاً سنگش طلاست، آبش طلاست، خاکش طلاست و ما استانی هستیم که علاوه بر اینکه می توانیم ثروتمندترین استانها باشیم می توانیم استانهای همجوارمان را هم تقویت کنیم، الان در وضعیتی گیر کرده ایم که دانشجویمان مشکل دارد، دانش آموزمان مشکل دارد، کارمندان مشکل دارد، کاسبان مشکل دارد اصلاً ما امکانات قابلی نداریم و این همه جاذبه. خدا شاهد است یک منظره از بیساران به هزار اروپا می ارزد، خدا شاهد است یک منظره در اطراف سنندج و همین مسیر آن طرف روستای نشور و دیرمولی را شما نگاه کنید این چشمه های زیبا که از درون کوهها جوشان است به هزار اروپا می ارزد، کسی که اینها را نمی شناسد، ما این جاذبه های را باید معرفی کنیم. بنده هم به عنوان نماینده دولت همه امکانات را بسیج می کنم هرچقدر به من انتقاد کنند من بیشتر کار می کنم، هرچقدر بگویند نسااز من بیشتر می سازم، هرچقدر بگویند

کوه آبیدر درست نکن کوه آریابا را هم در بانه درست می‌کنم، کوههای اطراف مریوان را هم درست می‌کنم حالا آنطرف آبیدر هم دارم می‌روم یک تپه نخواهم گذاشت که جنگل نشود، یک جای خالی نخواهم گذاشت که زیاله در آن بریزند همه را باید با همکاران و دوستانم، همکاران اداریم و علاقمندان تبدیل به یک گلستان بکنم. من منتظر هستم، جناب آقای سبحانی، جناب آقای کلاتتری انشاءالله بزودی یک میلیون مسافر در کردستان داشته باشیم.

و صلی الله سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

سخنرانی جناب آقای سید حمید کلانتری

(مشاور وزیر و مدیر کل مرکز تحقیقات و مطالعات سیاحتی)

﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

برگزاری این نشست مبارک و میمون را در هفته گرامیداشت دفاع مقدس خدمت همه حضار و شرکت کنندگان عزیز تبریک می‌گویم. حسن تقارن این نشست را با هفته دفاع مقدس به فال نیک می‌گیرم و شاید بهترین پیام این است که کردستان شرایطش برای بازدید جهانگردان مهیا شد و این آمادگی و مهیا شدن را مرهون پایداری انسان‌هایی می‌دانم که بزرگوارانه و مردانه در اینجا ایستادند و در مقابل دشمنان خدا و خلق و میهن اسلامی مقاومت کردند و این امنیت را برای اینجا به ارمغان آوردند.

صحبت از توریسم مترادف است با امنیت، یعنی جایی دنبال توسعه جهانگردی می‌رود که شرایط اولیه را که امنیت است فراهم بکند و جهانگرد جایی سفر می‌کند که امنیت برقرار باشد. این که الان در هفته دفاع مقدس این سمینار برگزار می‌شود می‌توانیم این امید را داشته باشیم که شرایط و موقعیت و امکانات استان برای جلب میهمانان فراهم شود. من بعد از سه سال دیشب که وارد سنندج شدم واقعاً احساس کردم یک تحول بسیار جدی و چشمگیر در بُعد آماده‌سازی مجموعه شهر سنندج دیده می‌شود و تلاش همه کسانی که در ایجاد این دگرگونی زحمت کشیده‌اند قابل تقدیر است.

امروز صبح هم که فرصت کوتاهی فراهم شد تا از خود شهر بازدید بکنیم، پارک جنگلی وسیعی با تلاش زیاد و برنامه‌ریزی بسیار اصولی در دست ساخت بود، این‌ها پیام‌آور این مطلب است که نگاه کشور را و نگاه مردم بیرونی را نسبت به کردستان تغییر بدهد و من همان‌طور که آقای رحیمی استاندار محترم اشاره کردند بطور قاطع عرض

می‌کنم که برخلاف برخی از برداشت‌های سطحی نگر که به موضوع توریسم و جهانگردی هست اگر ما اصولی و اساسی و همه جانبه به موضوع جهانگردی نگاه کنیم، جهانگردی هم پیامدهای فرهنگی مثبت دارد، هم پیامدهای اقتصادی ارزنده و یکی از راهبردهای اصولی و پایدار برای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی هر جامعه‌ای، توسعه جهانگردی می‌تواند باشد، ولیکن متأسفانه به خاطر پیشینه نامطلوبی که جهانگردی در کشور ما داشته است و بعد هم به خاطر شرایط خاصی که بعد از انقلاب اسلامی داشتیم و پیدایش جنگ، امکان توسعه جهانگردی بصورت مطلوب و اصولیش فراهم نشد و حالا همه در تلاشیم تا این امکان را فراهم آوریم که جهانگردی در کشور ما براساس اصول و موازین اسلامی و فرهنگی موردنظرمان توسعه پیدا بکند.

نکته دوم فردا پنجم مهر روز جهانگردی است، بیست و سوم سپتامبر بعنوان روز جهانگردی تعیین شده که با برگزاری این سمینار می‌تواند این هماهنگی را داشته باشد که در سالروز جهانگردی منطقه کردستان برای فکر کردن، اندیشیدن و آماده شدن برای توسعه جهانگردی اعلام آمادگی می‌کند.

چند سالی بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۵ جهانگردی حرکت روبه رشد خود را در دنیا آغاز می‌کند به گونه‌ای که بعد از چهل سال که شاهد هستیم رشد و توسعه جهانگردی بیش از بیست برابر افزایش پیدا کرده و جمعیت توریست ۲۵ میلیون نفری سال ۱۹۵۵ هم اکنون به بیش از ۵۳۰ میلیون نفر رسیده و درآمد بسیار قلیلی که کمتر از ده میلیارد دلار بوده و مشخصاً دو میلیارد دلار در سال ۱۹۵۵ بوده در سال ۹۴ و ۹۳ این درآمد به رقمی بالغ بر ۳۳۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد و درآمد جهانگردی هم از مجموعه سفرهای داخلی و خارجی ده برابر این رقم است یعنی ۳/۵ تریلیون دلار، در اقتصاد جهانی، اولین سهم را جهانگردی در اقتصاد جهانی دارد. حال با این نگاه می‌فهمیم که از بُعد اقتصادی موقعیت بسیار بالایی دارد، از بُعد فرهنگی، جهانگردی ایجاد روح همبستگی، وحدت ملی، تفاهم بین‌المللی، نزدیک شدن اقوام، نزدیک شدن ملتها، صلح و امنیت، رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و از این قبیل دارد.

یکی از نمونه‌های عدالت اجتماعی می‌تواند توزیع عادلانه ثروت باشد، وقتی که در یک منطقه محرومی برای جهانگردی سرمایه‌گذاری می‌شود باعث حضور مردم مناطق دیگر می‌شود و حضور مردم مناطق دیگر امکانات اقتصادی و توسعه اقتصادی را به همراه می‌آورد، به گونه‌ای که امروزه از هر شش شغلی که در دنیا هست یک موردش مربوط به جهانگردی است یعنی ۲۲۰ میلیون نفر از مجموعه جمعیت شاغل دنیا در این بخش مشغول بکارند و این نشان می‌دهد که جهانگردی چه جایگاه بالایی دارد.

لذا توسعه جهانگردی برای ما امروزه یک اصل اساسی است که باید به آن توجه کنیم، صحبت‌هایی در این اجلاس شد و لیکن ما بایستی توجه داشته باشیم که در کشوری که شرایط بالقوه برای جهانگردیش بسیار بالاست در ابتدای راه هستیم، از نظر موقعیت تاریخی ایران جزوده کشور دنیاست، از این سرمایه می‌توانیم برای جذب جهانگردان فرهنگی حداکثر استفاده را بکنیم. از بُعد ایرانگردی و حتی جهانگردی طبیعت و اکوسیستم، شرایط بسیار مناسبی داریم به گونه‌ای که بندرت دیده می‌شود در کشورهای دنیا همزمان در یک فصل دو نوع آب و هوای کاملاً متفاوت داشته باشند، آب و هوای قابل اسکی و آب و هوای قابل شنا، ما در ایران این موقعیت را داریم، چشمه‌سارها، آبشارها، طبیعت زیبا، دریاچه‌های فراوان، کوهسارها، آب‌های گرم، آب‌های سرد و مجموعه اینها یک طبیعت متنوع چهار فصلی را فراهم می‌کند که می‌تواند شرایط را برای جلب جهانگرد فراهم کند.

من احساس خودم این است که کردستان محور توسعه توریستش را روی طبیعت بگذارد و اکوسیستم در واقع یکی از بهترین جایگاهش در ایران با توجه به مجموع اطلاعاتی که در مقالات مطرح شد مانند دریاچه زریوار مریوان، جنگل‌ها و مراتع، محیط زیست زیبا، پرندگان و طبیعت بکر منطقه کردستان است.

محور دوم توسعه جهانگردی فرهنگ مردم است، یکی از جاذبه‌هایی که برای جهانگردان مطرح است آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم و سنن قوم‌های مختلف است که ما در کردستان محوریت قوم کرد را با فرهنگ خاص خودشان داریم که این فرهنگ،

اصالت‌ها و ارزش‌های خودش را باید حفظ بکند و شرایطی را فراهم کند که مردم سایر مناطق ایران و مردم دنیا بیایند و با زبان، فرهنگ، آداب و رسوم این قوم آشنا بشوند. اما برای توسعه، به دو سه محور اصلی و اقدام اصلی نیاز هست. محور اول مطالعه و تحقیق است و این سمینار برای شروع کار است بخاطر اینکه همایشی است از علاقمندان به توسعه جهانگردی، از علاقمندان به توسعه کردستان، همه اینجا آمده شده‌ایم برای فکر کردن و اندیشیدن که چه باید کرد؟ پژوهشگران، صاحب نظران، اندیشمندان قلم بزنند، کاوش بکنند، تحقیق بکنند تا اولویت‌های سرمایه‌گذاری و اولویت اقدامات را در بیاورند.

بعد از اینکه بحث اولویت‌ها مطرح شد، بحث سرمایه‌گذاری مطرح خواهد شد که سرمایه‌گذاری را در چه زمینه‌هایی و در کجاها باید بکنیم، ساخت و سازمان به چه صورت باشد، بناها و امکانات جهانگردی را چگونه مهیا بکنیم، تأسیسات اقامتی، هتل، کمپینگ و چیزهای دیگر را به چه صورت فراهم کنیم، محل اقامت صرفاً هتل پنج ستاره و چهار ستاره نیست بلکه در دامنه زیبای طبیعت کردستان اردوگاه‌های طبیعی و کمپینگ‌هایی که الان در دنیا از آن استقبال می‌شود می‌تواند جاذب مسافر باشد. مسافر داخلی و حتی توریست‌های خارجی بعضی‌شان سطح درآمد بالایی ندارند، خانواده‌شان را راه انداخته‌اند بروند و هم دوست دارند به اصطلاح سفر بکنند و هم از طبیعت استفاده کنند در ضمن امکانات اقتصادی‌شان را هم مراعات بکنند، کمپینگ‌ها می‌تواند موقعیت خوبی داشته باشد، جاهای مختلف این استان هم برای اینکار مساعد است و توجه سرمایه‌گذاران را می‌توانیم برای این کار جلب بکنیم.

بعد از محور سرمایه‌گذاری بحث تبلیغات و معرفی است، الان ذهنیت حتی خرد جامعه ایران به کردستان ذهنیتی نیست که در این نشست هست ما باید خودمان را و مردمان را به کردستان دعوت بکنیم، من پیشنهادی خدمت آقای رحیمی استاندار محترم دادم و گفتم روی این موضوع فکر بکنید آیا می‌توانید سالی را مثلاً سال آینده را یا دو سال آینده را با بسیج همه امکانات اعلام بکنیم سال بازدید از کردستان و همه جای کشور را دعوت کنیم، شرایط بازدید را فراهم کنیم، شرایط اقامتی را فراهم کنیم که نقطه

عطفی باشد در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی استان و توسعه جهانگردی در کردستان. نکته دیگری هم که در اینجا بعنوان تذکر یادآوری می‌کنم، کردستان جایی بوده که پیام‌آور سال‌ها مقاومت و رشادت و از خودگذشتگی برای حفاظت کردستان و کشور بوده، برای زدودن توطئه‌های دشمنان بوده. حتماً بناهای یادبودی در جای جای نقاطی که این ارزشها را آفریده‌اند بایستی طراحی کنیم و نکته آخری که دوست عزیز مجری هم اشاره فرمودند توسعه جهانگردی نیاز به یک حرکت جدی و همگانی دارد، امکان ندارد فرض کنیم و یا مثلاً بگوییم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فقط جهانگردی را توسعه بدهد، الان شورای عالی جهانگردی به ریاست معاون اول رئیس جمهور و شش وزیر که مؤثرتر هستند و نقش اساسی دارند تشکیل شده، ولی وزرا و بقیه بخش خصوصی و دولتی و ارگانهای مختلف هم بایستی آماده بشوند تا جهانگردی توسعه پیدا بکند، درست مشابه به اینکه اعلام کنند فردا یا ماه آینده در محله‌تان یک مراسم دارید، فرزند، پدر و مادر و خواهر و برادر، همه دست به دست هم می‌دهند که وقتی مهمان می‌خواهد بیاید خانه‌مان و امکاناتمان مهیا باشد، غذایمان خوب باشد، فرش‌مان مرتب باشد، یک آب و جارویی که باعث شود میهمانان یاد نیکویی از ما و از این جشنمان بخاطرشان بسپارند، توسعه جهانگردی هم مثل یک مهمان‌نوازی و آماده شدن برای مهمان‌نوازی منطقه‌ای، استانی و کشوری است.

اگر می‌خواهیم کار بشود همانگونه که در اینجا بخوبی شروع شده ما در شرایطی هستیم که باید همه دست به دست هم بدهند و فکر کنند که اگر این موضوع در استان توسعه پیدا کند، باعث رونق کلی استان است و وضع خودشان هم بهبود پیدا می‌کند.

چون اشاره کردند که وقت بسیار کوتاه است من بیشتر از این مصدع نمی‌شوم اگر در پایان اجلاس که پیش‌بینی شده است میزگردی یا فرصتی باشد برای گفت و شنود و فقط به جمع‌بندی اکتفا نشود در خدمتان هستم تا از بحث و نظرات حضار هم که شاید فرصتی برای ارائه دادن مقاله نداشتند استفاده شود. از همه شما تشکر می‌کنم.

سخنرانی آقای سید یدا... سبحانی

(مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان)

در ایام مبارک هفته بزرگداشت هشت سال دفاع مقدس هستیم جا دارد که به ارواح طیب و طاهر شهدا درود و سلام و تحیات الهی را نثار کنیم از زحمات طاقت فرسای عزیزان آزاده و رنج زندان و شکنجه آنها در چنگ دژخیمان، تکریم و تجلیل بعمل آوریم، همچنین در مقابل خانواده‌های معظم و معزز شهدا بخاطر صبری که در تحمل مصائب داشتند سر تعظیم فرود بیاوریم و درود و تحیات الهی را به روح مطهر امام و شهیدان نثار کنیم، ابتدا خیرمقدم عرض می‌کنم خدمت برادر عزیز و ارجمند حاج آقا رحیمی استاندار محترم کردستان که به مسائل فرهنگ و بویژه بحث سیر و سیاحت علاقمند هستند و انشاء... با تلاش بی نظیر قصد دارند با همکاری مدیران، استان را آماده پذیرایی از میهمانان و علاقمندان به سیر و سیاحت بنمایند. خدمت آقای کلاتری مشاور محترم وزیر و مدیرکل دفتر تحقیقات ایرانگردی و جهانگردی و همراهانشان، روحانیون محترم، اساتید دانشگاه و دانشجویان عزیز، مدیران کل محترم، حضار گرامی و خانم آدلا کریکاوا از مؤسسه اسلام شناسی پراگ - ایران شناس و گردششناس که در سمینار حضور دارند خیرمقدم عرض می‌کنم، همچنین از همکاری دانشگاه کردستان و ادارات میراث فرهنگی، محیط زیست، صنایع دستی که ما را در برگزاری این سمینار و نمایشگاه جاذبه‌های سیاحتی استان یاری دادند تقدیر و تشکر می‌نمایم، بطوریکه استحضار دارید در مباحث اعتقادی ما در آیات قرآن و در روایات برای پخته شدن، پرورده شدن، عالم شدن، مطلع شدن و اهل فکر و تحقیق شدن تأکید فوق‌العاده‌ای به سیر و سفر و سیاحت شده (قل سیروا فی الارض) این آیه در دو جا با همین مضمون تکرار شده است. آیات دیگری در بحث شناخت پروردگار آمده که آفاق و انفس و تأکید و تأکید و تأکید که سیر در آفاق و انفس کنید که انفس خودشناسی است و شناخت نفس انسان

این موجود پیچیده در آفاق هم که گردش در طبیعت و شناخت هستی است که این می‌توانست موضوع یک مقاله باشد که بنده می‌نوشتم و خدمتتان ارائه می‌کردم که انشاء... در فرصت‌های بعدی در خدمتتان خواهم بود. بنابراین حتی در بحث تعلیم علم هم تأکید بر این شده که بلند شوید و بروید بدنبال علم دیارتان را ترک کنید ولو اینکه برای طلب دانش به چین بروید. استحضار دارید که استان از جمله استانهای دیدنی، بکر و بسیار مورد توجه است شاید آنهایی که شیراز و اصفهان و مناطق شمال کشور را دیده‌اند قطعاً یک نوع شور و نشاط و اشتیاق برای دیدن جاذبه‌های استان کردستان دارند که لازم است ما با حل مشکلات و فراهم نمودن مقدمات شرایطی را بوجود آوریم که انشاء... سیل توریست و ایرانگرد سرازیر شود. بر بُعد اقتصادی صنعت توریسم بسیار تأکید می‌شود که من هم در این رابطه چند یادداشت برداشته‌ام ولی بطور قطع و یقین بحث فرهنگی مسأله سیر و سیاحت در استان ما در اولویت درجه یک است یعنی برای نزدیک شدن دلها به یکدیگر، برای یکپارچگی و وحدت ملی، برای زدودن آن ابهام و ابهامی که در اذهان هست یکی از مناسبترین برنامه‌ها، برنامه سیر و سیاحت است و این باید دو طرفه باشد یعنی ما به استانهای دیگر برویم و متقابلاً آنها بیایند و انشاء... از زیباییهای طبیعی و زیبایهایی که دست ساخت بشر است استفاده ببرند و متنعم شوند، در ارتباط با بُعد اقتصادی توریسم با توجه به ضیق وقت خیلی خلاصه عرض می‌کنم که این صنعت در حال حاضر ده درصد اشتغال دنیا را به خودش اختصاص داده است و حدود پانصد و پنجاه میلیون نفر در سال رفت و آمد می‌کنند و چیزی حدود سیصد و پنجاه میلیارد دلار درآمد ارزی از این طریق نصیب کشورهای می‌شود که آمادگی پذیرش توریسم را دارند. با کمال تأسف در این مورد وضعیت مناسب را کشورهای غربی دارند بترتیب فرانسه، آمریکا، اسپانیا، آلمان، ایتالیا، انگلیس در رتبه اول هستند و در یک گزارشی که چندی پیش خواندم اسپانیا درآمدش از محل توریسم به سه برابر درآمد ما از محل فروش نفت رسیده است. از طرفی تا سال ۲۰۰۰ و یا ۲۰۰۵ پیش‌بینی شده است آن پانصد و پنجاه میلیون به یک میلیارد نفر مسافر تغییر پیدا بکند و درآمدش به حدود ششصد میلیارد دلار برسد و ۱۵۰ میلیون نفر دیگر هم به دویست میلیون نفر شاغل

فعلی این بخش اضافه خواهد شد، در این ارتباط ارقام و آمار زیاد است که صرفنظر می‌کنم. یکی از موانعی که بر سر راه این صنعت در استان خودمان هست عدم سرمایه‌گذاری در زمینه احداث واحدهای اقامتی و پذیرایی مانند مهمانسرا، هتل، متل، رستوران بین‌راهی و نظایر آن است که بخش خصوصی رغبت چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارد و البته این صنعت، صنعت نوپایی است، نوپا که چه عرض کنم هنوز راه نیفتاده بنابراین جرأت و جسارت می‌خواهد و حمایت دولت را هم می‌طلبد. این نکته را هم عرض کنم که انصافاً کار تورسم مربوط به یک دستگاه بخصوص نیست مثلاً اداره کل ارشاد یا میراث فرهنگی، سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی، صنایع دستی و یا سایر دستگاهها هیچکدام به تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. یک مجموعه هماهنگ، همفکر و هم رأی را می‌طلبد که سیاستگزاری را برای جلب توجه توسعه این صنعت انجام بدهند. مثلاً شهرداری به تنهایی نمی‌تواند ولی باید سیاستهایش همگام باشد. بهداشت و درمان باید همگانی باشد فرض کنید اگر جاده مناسب داریم خط‌کشی مناسب هم می‌خواهد که وظیفه اداره راه است، تقریباً همه دستگاهها و نهادهای یک استان را می‌طلبد که در کنار هم و همفکر و هماهنگ عمل کنند که انشاء... صنعت تورسم رونق گیرد. هدف از برگزاری این سمینار استان شناسی و توسعه تورسم داخلی در استان کردستان است از سه ماه پیش حول ۴ محور فراخوان مقاله داده‌ایم که عزیزان در این موارد مقاله ارسال نمایند، ۲۴ مقاله به دبیرخانه ارسال شده اغلبشان قابل توجه‌اند و نشان دهنده روح علمی و فضای تحقیق و تفکر، وضعیتمان از استانهای دیگر مطلوبتر بود. هشت مقاله انتخاب شده و انشاء... مجموعه مقالات را منتشر خواهیم کرد. خلاصه‌ای هم از مقالات که امروز ارائه شده خدمت عزیزان ارائه شده. از هیئت علمی که زحمت بخش علمی سمینار به عهده‌شان بوده است تشکر و تقدیر می‌کنم.

در نگارخانه ارشاد هم نمایشگاهی از صنایع دستی، حیات وحش استان، آداب و رسوم و مردم شناسی دایر است که انشاء... از آن هم دیدن فرمایید تذکری که لازم است خدمت مدیران هتلها و مهمانپذیرها عرض کنم اینست که با کمال تأسف یک مقدار سطح خدمات پایین است و خدمات از نظر کیفیت و کمیت همان خدماتی است که ۱۵ یا

۲۰ سال پیش ارائه شده است و این قطعاً اثرات سوء خواهد داشت و جا دارد عزیزان توجه بیشتری بکنند و مشتری را یک روزه و یک شبه نپندارند و سطح خدمات خود را بالا ببرند اگر کسی برای اولین بار و یا آخرین بار به یک استانی وارد شود یقین بدانید بهترین تریبون تبلیغی است، او برخورد گشت و خواهد گفت آنجا چه خبر است و سیل جمعیت را روانه خواهد کرد و یا در جهت منفی قضیه صحبت خواهد کرد و خود به خود مسافر چنان حضوری نخواهد داشت. عرض کردم مجموعه‌ای هماهنگ را می‌طلبید شاید برخورد کسبه اولین تابلویی است که به چشم بازدید کننده و سیاح خواهد آمد و طبیعی است که این اقشار و اصناف مختلف که بعداً هم خیر و برکت شامل حال خودشان خواهد شد مهمترین نقش را خواهند داشت.

واحد‌های میان راهی ما وضعیت مطلوبی ندارند گاهی آدم رغبت نمی‌کند صبحانه و حتی یک استکان چای بخورد. وظیفه ادارات بهداشت و سایر دستگاه‌های دیگر اینست که نظارت و کنترل بیشتری بکنند البته حرکت و سرمایه‌گذاری از جانب خود بخش خصوصی لازم است، در اینجا لازم می‌دانم از بهداشت محیط استان، اداره اماکن نیروی انتظامی، دفتر امور اجتماعی استانداری که در جهت سرو سامان دادن به اماکن اقامتی و پذیرایی بیشترین همکاری را با ما داشته‌اند تشکر کنم، از سازمان ایرانگردی و جهانگردی نیز بخاطر فعالیت چشمگیرشان در این استان و راه‌اندازی پلاژ مریوان که انصافاً نقطه قوتی در کنار دریاچه زیبای زریوار می‌باشد تشکر کنم که بحمد... یک واحد اقامتی آبرومند دایر شده که پذیرای میهمانان است و امسال وضعیت مناسبی داشت، ضمناً لازم است از استانداری محترم کردستان، سازمان برنامه و بودجه و سایر نهادهایی که در امر بازسازی تأسیسات جهانگردی مریوان ما را یاری نمودند تشکر کنم.

نکته دیگری هم در باب وضعیت هتلها عرض کنم و انشاء... رفع مزاحمت خواهم کرد. تعداد هتلها و میهمانسراهای استان در ده سال گذشته ثابت بوده تقریباً ظرفیت تخت و جمعیت‌پذیری تأسیسات افزایش چندانی پیدا نکرده است. شاخص تخت در سال ۶۵ برای هر ده هزار نفر ۱۳ تخت بوده که در سال ۷۱ به ۱۲ تخت برای هر ده هزار نفر رسیده که حاکی از عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌باشد. نسبت اشغال تخت

میهمانخانه‌ها در همین دوره یعنی در سال ۶۵ چهل و هشت درصد بود ولی در سال ۷۱ به هشتاد درصد رسیده است. وضعیت رستورانها و چایخانه‌های بین راهی طی یک دوره هفت ساله تغییر محسوسی نداشته، در دو سال اخیر تعدادی واحد پذیرایی با کمک وام‌هایی که داده شده است. با ضوابط فنی در مسیرهای مختلف احداث گردیده که مدیون بازدیدها و نظارتهای مستمر عزیزانی است که عرض کردم.

انشاء... این سمینار نقطه آغاز و فتح بابی باشد برای معرفی استان بعنوان یکی از قطبهای مهم توریستی من امیدوارم و سخت به این مطلب دلبسته‌ام که قطعاً در آینده‌ای نه چندان دور این استان یکی از مناطق مورد توجه علاقمندان به سیر و سفر خواهد بود، عرض کردم قضیه کاملاً دو طرفه است اینجا استعداد دارد بیرون از استان هم علاقه به دیدن هست و اگر این دو موضوع را کنار هم بگذاریم مطمئناً وضعیت مطلوبتر خواهد شد. در درجه اول نیاز به معرفی استان است که انشاء... سمینار این کار را خواهد کرد رسانه‌های گروهی، صدا و سیما امیدوار هستیم که مرتب بزرگواری و محبتشان شامل فعالیتهای فرهنگی بوده در انعکاس اخبار این سمینار و انعکاس به شبکه سراسری همکاری بفرمایند مسلماً در راستای اهدافی که عرض کردم بسیار مؤثر خواهد بود.

والسلام.

سخنرانی خانم پرفسور آدلا کریکاوا

(ایران شناس و گردشاس چک)

مقدمه

پرفسور کریکاوا ۳۳ سال است در حوزه اسلام، ایران شناسی و گردشاسی کار می‌کنند ولی اولین بار است که به ایران عزیز قدم می‌گذارد و به دیدار ایران می‌آیند. همان ایرانی که عمری را در راه او خدمت کرده‌اند و مطالعه کرده‌اند. یک زمینه کلی اگر بخواهیم از جمهوری چک داشته باشیم می‌دانیم که جمهوری چک با اسلواکی که قبلاً یک جمهوری را تشکیل می‌دادند این‌ها منظومه‌های جدا شده‌ای از حکومت عثمانی هستند. بنابراین قرن‌هاست که رابطه خیلی نزدیکی بین این مردم که در این جمهوری‌های اروپای شرقی عمدتاً ساکن هستند با فرهنگ عثمانی که آمیخته‌ای از فرهنگ فارسی، ترکی و اسلامی بوده‌اند، آشنا هستند. خود ایشان می‌فرمایند که پدرشان در کتابخانه خودش به مطالعه ترکی و عربی علاقمند بوده و مجموعه‌ای از کتب را داشته و ایشان هم از این طریق در واقع با فرهنگ ایران و اسلام آشنا شده‌اند. در پراگ که مرکز جمهوری چک هست مطالعات ایران شناسی از زمانی که پرفسور (یان ریپکا) حضور داشتند قوت گرفت و بقول خود پرفسور کریکاوا بنیان‌گذار ایران شناسی در پراگ پرفسور یان ریپکا بوده‌اند که اکنون در گذشته‌اند. یادآوری می‌کنم که تاریخ ادبیات فارسی یان ریپکا یکی از مهمترین تاریخ‌های ادبیات فارسی ما هست که خوشبختانه به دو ترجمه هم در کشور در دسترس هست.

بطور کلی تخصص خانم کریکاوا در خصوص هنر اسلامی، مردمان‌گرد در کردستان و قفقاز، عراق و ایران است. ایشان نزدیک به دو ماه در میان‌گردهای گرجستان، قفقاز و عراق گذرانده‌اند و از نزدیک با فرهنگ کردستان و مردمان‌گرد آشنا هستند. در حال

حاضر ایشان در مؤسسه خاورشناسی پراگ مشغول به کار و تحقیق هستند و در دانشگاه چارلز پراگ که مثل دانشگاه تهران در کشور ما هست و دانشگاه معتبری است، هر زمان که دانشجوی ادبیات فارسی آنجا وجود داشته باشد تدریس متون فارسی می‌کنند. دوستانی که در جلسه سخنرانی ایشان در شب پیش بودند بخوبی در جریان کارهایشان قرار گرفتند. مقالات علمی متعددی از ایشان به چاپ رسیده است. اخیراً هم در سال ۱۹۹۰ حدود سه سال یا پنج سال پیش کتابی دربارهٔ اسلام نشر کرده‌اند که با تیراژ ده‌هزاری خودش اکنون در پراگ در واقع نایابست و این زمینه علاقه مردم چک را به طریق خیلی صمیمانه و مملوس در شناخت اسلام بدست می‌دهد. خود ایشان یکی از کسانی هستند که علیه هجوم‌های فرهنگی اسلام و جمهوری اسلامی مطلب نوشته‌اند. از جمله اگر خاطرتان باشد در چند سال گذشته کتابی از بتی محمودی چاپ شد بنام «بدون دخترم هرگز» که سر و صدای فراوانی در اروپا و آمریکا براه انداخت، ایشان به همراه همکاران دانشگاهیشان مقالات متعددی در رد این کتاب در جمهوری چک منتشر کرده‌اند.

بطورکلی جمهوری چک با توجه به گرایشهای مردمی که در سیستم فرهنگی و حکومتی‌اش هست نتیجه تحقیقات امثال خانم پرفسور کریکاوا را برای آموزش عمومی استفاده می‌کند و این یکی از جهات خیلی جالب کار ایشان هست که صرفاً در دانشگاه و اطاقهای بسته بکار نخواهد آمد. ایشان متولد ۱۹۳۸ میلادی هستند.

سخنرانی خانم کریکاوا:

احساسات من برای بیان آنچه که در ایران و در کردستان دیده‌ام کافی نیست و نمی‌توانم احساسات خودم را بیان کنم و همانطور که کارهای من در پایان تحصیلات دانشگاهیم نشان می‌دهد در دو مطلب تحقیقاتی پراگ یکی مؤسسه علوم و دیگری هم آکادمی علوم پراگ هست. کار اصلی که من دارم در اصل تحقیقات هست و تدریس در جنبه دوم قرار دارد بعد از اینکه کار خودم را در آکادمی علوم پراگ شروع کردم با گروه بزرگی که آقای پرفسور یان ریپکا با همکاری با ایشان و عضویت در گروه ایشان درآمدم.

ایشان دانشجویان زیادی را تربیت کردند و کتابهای فراوانی را نوشتند به زبانهای مختلف و همچنین زبان فارسی و برخی ترجمه شده هست. در پراگ کسی نبود که با زبان کردی آشنایی داشته باشد و من وقتی که کارم را در آکادمی علوم شروع کردم هدف اصلی ام این بود که زبان و تاریخ و فرهنگ کردی را مورد مطالعه قرار بدهم. برخی مطالب از حدود ۶۰ سال پیش درباره کردستان مطرح بوده است و این مطالب ظاهراً با واقعیتها منطبق نبوده و من سعی کردم که آنها را دسته‌بندی کنم. برای این منظور و برای دستیابی به اطلاعات، به چند کشور مختلف سفر کردم از جمله به پاریس، لندن، مسکو، وین، سن‌پترزبورگ که قبلاً نامش لنینگراد بوده، پایتخت گرجستان در بین‌گورها بسر برده‌ام. در ارمنستان و آذربایجان نیز بوده‌ام. در پایتخت گرجستان گورها گرچه مذاهب مختلف دارند ولی به لهجه کرمانجی صحبت می‌کنند و حضور من در این کشور به من کمک زیادی کرد. ولی مسأله‌ای که مطرح بوده من در بین مردم گردنشین نبوده‌ام و خیلی کمتر بوده‌ام بجز دو کشوری که قبلاً اشاره کرده‌ام. مقالاتی که در این کشورها در آن پایتخت‌هایی که قبلاً اشاره کردم مثل پاریس، لندن و مسکو و وین این مقالات در کتابخانه‌های بسیار قلیلی که آنجا داشتند به من کمک زیادی کرد. در مورد گورها بتوانم مطالعه کنم بخصوص در مورد تاریخ مردم کردستان، من این مقالات را برای چاپ در مجلات و یا در مطبوعات و روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون و غیره احتیاج داشتم بتوانم چاپ کنم تا بشود تصویر دقیق‌تری در مورد گورها ارائه کرد. در جمهوری چک قرار هست در مورد یک دایرةالمعارفی که به گورها مربوط می‌شود بخش مربوط به کردستان را من تکمیل نمایم. شاید هم به زبان انگلیسی و هم به زبان چک انتشار پیدا کند.

حضور من در این کشورها باعث شد که نظر جدیدی درباره اسلام شناسی پیدا کنم و جاهای مختلفی که سفر کردم سرزمین ما و بخصوص تأکید من روی مسأله گورها بود و نحوه زندگی مردم بود و من در این تحقیق خودم می‌خواستم دریابم که مردم اصلاً چگونه فکر می‌کنند. الان با توجه به سفرهایی که کرده‌ام به نظر می‌رسد که برخی سوء تفاهات هم راجع به گورها و هم راجع به ایرانیان وجود دارد و من در بازگشت خود به کشور چک سعی خواهم کرد که این طرز تلقی‌های نادرست را اصلاح کنم. بنظر من

برخی از مسائل به سوء تفاهم بین طرز تلقی یا از رابطه بین انسان و طبیعت برمی گردد. من فکر می کنم که تفکر اسلام در مورد طبیعت و رابطه انسان با طبیعت بسیار جالب هست و اهمیت زیادی دین اسلام به رابطه بین انسان و طبیعت می دهد و ما باید سوء تفاهمات را کنار بگذاریم، مطالعات من در مورد باغها یا طبیعت گیاهی منطقه است و بخصوص رابطه انسان با این نوع طبیعت را می خواهم در خاور میانه، خاور دور و اروپا مورد بحث و بررسی قرار بدهم.

از اینکه به صحبت های من گوش کردید متشکر هستم. الان من به عنوان توریست وارد ایران شده ام و این سمینار برای من خیلی جالب بود چون خود من هم یک توریست بودم و این منطقه بسیار زیباست.

از همه شما متشکرم

مقالات و سخنرانیها

موانع و محدودیت‌های جهانگردی در استان کردستان

آقای دکتر اسعد اردلان

با سپاس از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بخاطر این فرصت ارزشمند و گرانبها همانطوریکه در بروشور خلاصه مقاله آورده شده است عنوان مقاله‌ای که من قصد داشتم خدمتان تقدیم کنم و بعداً به تفصیل خدمت مقامات خواهم فرستاد، موانع و مشکلاتی است که بر سر راه توسعه توریسم در کردستان وجود دارد. در واقع موانع و محدودیت‌های جهانگردی را در استان کردستان بررسی کنیم. اشاره کردم در خلاصه، این لفظی است که حدود بیست و پنج سال پیش شنیدم که به جهانگردی صنعت بدون دودکش لقب داده‌اند یعنی صنعتی که به اندازه کشورهای صنعتی ارزآور است و درآمد دارد. در راه توسعه و ترقی تعالی گام برمی‌دارد و دودش در واقع پیدا نیست. این صنعت بدون دودکش را ما در طی سالهای اخیر همانطور که در مقالات گذشته اشاره شد خیلی پیشرفته‌تر، قابل توجه‌تر و با خدمات بهتری در سطوح مختلف دنیا مشاهده می‌کنیم. مسائلی که از نظر توریسم قابل توجه هست از نظر این مقاله‌ای که من ارائه می‌دهم نه در بُعد کلی اینست که چه عواملی می‌تواند توریسم را توسعه بدهد و چه عواملی می‌تواند مانع توسعه توریسم شود و چه کارهایی کشورها، سیاست‌گزاران و مدیران حکومتی می‌توانند بکنند که آن عوامل دافعه را از بین ببرند و به عوامل جاذبه تبدیل کنند، یعنی

توریسم بتواند بیاید و مملکتی را ببیند من خاطرم نیست که در سالهایی که آشنا با این واژه هستم ما رضایت کاملی از صنعت توریسم در ایران داشته باشیم گرچه در سالهای متفاوت توریستهایی با اختلاف در تهران وارد شدند اما هیچگاه رضایت مسئولین امر را جلب نکرده و همیشه سیاستها بر مدار جذب توریست بوده است. گزارشهای منتشر شده و بخصوص آمارهایی که جناب آقای کلاتری مشاور محترم وزیر ارائه دادند که دقیقترین آمارهایی هست شاید از آمارهایی که بنده در طول صحبتم ارائه خواهم داد. خیلی به روزتر هست نشان می دهد که دنیا با این پدیده چگونه برخورد می کند و کشورها چه انتظاری از درآمدهای ارزی ناشی از توسعه توریسم و تبادل و مبادله فرهنگی بین ملتها هست این کار تنها مسأله ارزی ندارد. فرهنگها خودشان را نشان می دهند کسی وقتی به کشوری می رود در موردش مقاله می نویسد و تعریف می کند بنابراین فرهنگها را نشان می دهد بعد فرهنگی طبیعتاً برای ما ارزشمند است که دیگران بدانند، در کجای تاریخ و فرهنگ و جهان قرار داریم و بعد ارزی آنهم مشخص است که چگونه است. قسمت چهارمی که من اشاره می کنم سیاستهای ملی و استانی و زمینه های جذب توریست است دلیل اینکه که من کمتر به مبحث کردستان اشاره کردم احساسم این هست که دوستان دانشمند من و همکاران گرانقدرم به اندازه کافی راجع به این قضیه صحبت خواهند کرد و این قابل تصور بود به اضافه اینکه حضور مشاور محترم وزیر ارشاد که مسئول تحقیقات هم هست این فرصت را می دهد که مسائل توریست را کمی بی پرده تر بیان کنیم حالا ممکن است این با واقعیت نعل بالنعل مطابقت نداشته باشد اما آنچه که می گوئیم براساس آمار و گزارشهایی است که دست اندرکاران و صاحب نظران ارائه داده اند. در مورد عواملی که به جذب توریست کمک می کند همانطور که اشاره فرمودند ما دو عامل داریم یکی عامل بالقوه است یعنی اینکه مملکتی دارای زمینه های جذب توریست باشد که اشاره فرمودند، سازمان جهانی یونسکو، ایران را در عداد ده کشور طراز اول از لحاظ داشتن آثار باستانی قرار داده، این بسیار لازم است، اما اصلاً کافی نیست برای اینکه عوامل بالفعل جذب توریست برای ما حائز اهمیت است، وزارت ارشاد بهتر از بنده می داند خدمات توریستی مثل هتل کمپینگ، حمل و نقل که

عبارت باشد از جاده‌ها، اتومبیل، هواپیما و سرویس‌های درون شهری بسیار در جذب توریست مؤثر است یعنی اگر توریستی بخواهد برود شگفت‌انگیزترین پدیده جهانی را مشاهده کند، در صف اتوبوس بنشیند و کنار خیابان بخوابد و برای تهیه بلیط یک ماه معطل شود، عطای این دیدار را به لقایش خواهد بخشید. اینست که ما نمی‌توانیم آکروپولیس دیگری بسازیم، نمی‌توانیم تخت جمشید دیگری بسازیم، نمی‌توانیم در کردستان پل خواجه و بند امیر را بسازیم اما می‌توانیم خدمات بهتری را ایجاد کنیم که برای دیدن همین دریاچه زیبای زریوار و سایر نقاطی را که دوستان به آن اشاره کردند آدمها را جذب کنیم هم به معنای شناخت فرهنگی و هم به معنای بالا بردن زندگی اقتصادی مردم و دولت، یکی دیگر از عوامل بالفعل توریسم درجه مهمان نوازی مردم است که الحمدلله اینجا کم و کسر نداریم. یعنی هرکسی که می‌آید با خاطره خوشی از لحاظ برخورد با مردم از اینجا خارج می‌شود و این زمینه با قدرت و با شرایط کم ماندنی در دنیا اینجا حضور دارد.

یکی دیگر از عوامل، هزینه پائین سفر و اقامت است، توریست وقتی می‌خواهد برود بگردد و یک محاسبه اقتصادی هم می‌کند همانطوریکه ما روی آمدن او حساب می‌کنیم او هم روی رفتنش حساب می‌کند که من ۱۰۰۰ دلار، ۲۰۰۰ دلار، ۵۰۰ دلار دارم کجا را بروم بینم با این پول که بتوانم دوران مرخصیم را تمام کنم. اگر قرار باشد که ما از او انتظار داشته باشیم شبی دویست دلار پول هتل بدهد او اصلاً به فکر این قضیه نخواهد بود، مگر اینکه در کنار این هتل دویست دلاری یک کمپینگی را که اشاره فرمودند با ده دلار، ۲۰ دلار بتواند پیدا کند و در داخل آن هم بتواند آسایش و آرامش داشته باشد.

عامل دیگر تبلیغات مناسبی هست که متناسب با روحیه و فرهنگ مردم و توریست‌ها باید انجام شود. توریست ژاپنی دنبال چیست؟ توریست اروپایی دنبال چیست؟ توریست آفریقایی دنبال چیست؟ آنرا تبلیغ کنیم و متأسفانه من گاهی می‌بینم تبلیغات توریستی ما با روحیه آن شنونده جور در نمی‌آید. من در اول بحثم اشارات دیگری به این مسأله خواهم کرد. عنوان دوم عواملی هستند که مانع گسترش جهانگردی هست. اینجا از صبح همه‌اش از جاذبه‌ها صحبت کردند اما از دافعه‌ها حرف نزدند. اینجا

بحث من سر دافعه‌ها نیست که برای توریست وجود دارد و ما در ایران هم متأسفانه با آن روبرو هستیم، یکی نارسایی خدمات هست یعنی خدماتیکه به توریست داده می‌شود از بدو ورود در فرودگاه تا روزی که در فرودگاه بدرقه‌اش می‌کنیم، از مرز ورودی چه با کشتی و چه با اتومبیل، تا روزی که از اینجا عازم می‌شود، کمبود جا در هتلها، من یک آماری در یکی از روزنامه‌ها می‌خواندم که ما سی و پنج هزار تخت بیشتر برای پذیرایی توریست‌ها نداریم انتظار مسافر میلیونی با ۳۵۰۰۰ تخت کمی مناسب نیست. بعضی از هتل‌های ما مناسب وضع توریست‌ها نیستند. مدیریت داخلی هتلها اشکال دارد، ایراد پیدا می‌کند بدلیل اینکه درآمد کافی را احتمالاً در طول زمان از هتل ندارند سعی می‌کنند هزینه‌هایشان را کاهش دهند، پاره‌ای از هزینه‌ها قابل کاهش دادن نیست اما بعضی از هزینه‌ها مثل خدمات را کاهش می‌دهند بنابراین این از کیفیت کار خواهد کاست و نتیجتاً هتلی را که توریست می‌رود مطلوبش نخواهد بود.

اختلال یا فقدان سیستم حمل و نقل امر بسیار مهمی است. بعضی از توریست‌ها دنبال آژانس و ماشین شخصی نیستند، می‌آیند با اتوبوس‌ها می‌روند همان کاری که ممکن است ما در کشور خارجی بکنیم. اگر قرار باشد زیر سرما یا در آفتاب در ایستگاه اتوبوس بایستیم که اتوبوس شرکت واحد بیاید مثلاً ما را به یک نقطه برساند، بجای اینکه توریست استراحت بکند کاری کرده‌ایم که به اصطلاح خود توریست او را دکورازه کرده‌ایم و در واقع با آن خصوصیات مهمان‌نوازی که من عرض کردم منافات دارد و بسیاری از جنبه‌های مثبت را از خاطرش خواهد زدود. چند سال پیش یکی از رؤسای بنگاه‌های توریستی گزارش می‌داد در یکی از رادیوها راجع به اینکه دلیل اینکه توریسم به ایران کم می‌آید یکی هزینه‌های بالای توریسم در ایران مانع این کار می‌شود، یعنی اینکه هتل گران است، بلیط هواپیما گران است و توریسم نمی‌آید راه دوری را طی کند بازافه اینکه هزینه گرانی را بدهد، بنابراین ما می‌توانیم فکر کنیم با امکانات ارزان و رفتن به سمت خدماتی که کمک می‌کند به توریسم آنها را جذب کنیم. کار خیلی زیبایی را حالا چون خانم کریکاواوا تشریف دارند و نماینده چک و اروپای شرقی هستند، کار زیبایی را اروپای شرقی‌ها کرده بودند. این بود هتل را به مسافر می‌دادند شبی نود دلار،

اگر من با تور می آمدم هتل می شد شبی ۱۵ دلار یعنی یک بنگاه در داخل کشور با یک بنگاه در سوئیس، در آلمان، در کشورهای توریست زیست قرارداد بسته بود که با ۷۰٪ تخفیف، من توریست شما را می برم و آن جاهایی را که می خواهید می گردانم و برمی گردانم این کمک می کند که آن هزینه های بالا را بیاورم پایین. هتلی که نصفش خالی باشد طبیعتاً باید اطاقش را به بهای اعلام شده بدهد که هزینه هایش را بتواند بالانس کند ولی اگر ما بتوانیم برای او توریست را بصورت مداوم بدهیم، می توانیم از او تخفیف مطلوب را بگیریم و آنرا ارائه کنیم.

مشکل دیگری که هست نقص سیستم ارتباطات بین المللی است برای توریست ها، همواره توریست ها عادت دارند به اولین جایی که می رسند یک کارت می فرستند برای خانواده شان. این را من اکثراً دیده ام در فرودگاه ها این کارت را می فرستند. من از توریست ها چنین گله ای را نشنیده ام اما خود من وقتی یک بار به یک سفر رفتم کارت تبریکی را به ایران فرستادم که سه روز بعد از برگشت خودم به دستم رسید و این چیزی است که توریست ها را عصبی خواهد کرد و او را در واقع ناراحت خواهد کرد و برایش سئوالمهایی را برمی انگیزد، فاکس، پست، تلفن اینها وسایل ارتباطی است باید در اختیار توریست باشد که با هرکس که می خواهد تماس بگیرد. طبیعی است که بهایش را خواهد پرداخت. این بحث را من چون احساس کردم جناب آقای کلاتری تشریف دارد حتماً تأکید می کنم در پاره ای از کشورها پاره ای از سیاستهای تبشیری و ارشاد مانع جذب توریست می شود یعنی شما یک تصویری از یک مملکت یا خودتان می سازید یا برایتان می سازند که توریست کمی وحشت می کند وقتی که به آنجا می رود، باز من چون خانم کریکاوا اینجا هستند مثال می زنم اولین باری که وارد پراگ شدم بجای اینکه با خدمه خوش اخلاق فرودگاه روبرو شوم قیافه عبوس پلیسهای روسی و چکی را دیدم که در قیافه من انگار جاسوس سی ای ا (CIA) را می دیدند آنها به من مظنون، من به آنها مظنون، در تمام طول سفر این احساس ظن تمام وجود من و به ضرس خاطر تمام وجود آنها را پوشانده بود. در میان توریست ها جاسوس هم وجود دارد اما اگر این فرض را بگذاریم که یک میلیون توریست وارد می شود همه آنها جاسوس هستند اصلاً باید در این صنعت

را ببندیم و به فکرش هم نباشیم.

اشاره‌ای فرمودند صبح در مورد احساس عدم امنیت، من می‌خواهم این را توضیح بدهم که احساس عدم امنیت منحصر به جنگ نیست الان در افغانستان جنگ است کمتر توریستی جین این را دارد که برود آنجا و فکر کند که آنجا حتماً گلوله یکی از طرفین مناقشه او را از پای درخواهد آورد. در لبنان چنین حالتی بود، گزارشی وزارت جهانگردی لبنان در دو سه هفته اخیر به رسانه گروهی بین‌المللی داده بود که از وقتی که جنگ تمام شده، سیل توریست آمده و با خودش بلاهایی آورده که این بلاها از جمله ایدز و سایر مسائل دیگر و اشاره می‌کرد. اما در طول جنگ کسی نیامده بود من می‌خواهم این را اضافه کنم که عدم امنیت صرفاً به معنی جنگ نیست اگر ما احساس کنیم که در یک مملکت آزادی رفت و آمدمان بگونه‌ای نیست که آن شرایط استراحتی ما را تکمیل کند و ما باید همه‌اش در فکر این باشیم که کجا برویم، کجا نرویم، چطور برویم، چطور نرویم، یک کمی این خودش احساس عدم امنیت دست می‌دهد. یعنی به عنوان اینکه آن آزادی‌هایی که توریست در ذهنش هست که در یک مسافرت در آن آزادی او را محدود می‌کند و اسمش را نمی‌گذارد محدودیت، او می‌گذارد عدم امنیتی که توریست دارد من چون در طول سفرهایی که به پاره‌ای از کشورهای که در گذشته خودم رفتم و این احساس را خودم داشتم و بعداً با توریست‌های دیگر هم بحث کردم، صحبت کردم و گاهی با توریست‌هایی که به ایران تشریف می‌آوردند به هر بهانه صحبت می‌کنیم یک چنین احساسی را احساس خاص و استثنایی نمی‌بینم، احساسی است که بصورت عام تبلور است در گفته‌ها، و دلیلش هم اینست که وقتی فردی به جهانگردی می‌رود معمولاً زمان استراحتش است او می‌خواهد از وقت و زمان استراحتش استفاده کند و این وقت و زمان بتواند در واقع خستگی مسئولیت‌هایش را کم کند.

با توجه به وقت کمی که دارم اشاره می‌کنم به اینکه چگونه می‌شود عوامل دافعه را به عوامل جاذبه تبدیل کرد. در شرایط بالقوه ما کاری نمی‌توانیم بکنیم اما در پتانسیل‌ها یا عوامل بالفعل می‌توانیم ساختن هتلها، استراحتگاههای مناسب، خدمات شهری اشاره کردند که بخش خصوصی باید اینکار را بکند این یک هماهنگی است بین دولت، جاده

را بخش خصوصی نمی‌تواند بسازد، اما هتل را بخش خصوصی می‌تواند بسازد، کمپینگ کار بخش خصوصی و دولتی است، زمین را دولت در اختیار بگذارد و بخش خصوصی بسازد، سرویس حمل و نقل شهری در دست بخش خصوصی نیست، یا باید بخش خصوصی در هتلها برای توریستها چنین سرویسی را ایجاد کند یا باید دولت اهتمام کند این کار را انجام دهد، در ایران متأسفانه بعلت تداوم ۸ سال جنگ و خاطره‌ای که در رسانه‌ها و اخباری که هر روز در اذهان وجود داشت، هنوز در ذهن بعضی از کسانی که مسائل سیاسی روز دنیا را پیگیری می‌کنند نام ایران مترادف است با جنگ و بمباران و مسائل بحرانی، این لازمه‌اش یک تبلیغات قوی است از سوی متولیان امر وزارت ارشاد که بیانند این چهره جنگ زده و جنگ دیده ایرانی را عوض کنند و یک نمایی از آرامش و صلح بدهند و به تأیید برسانند یعنی توریست را بیاورند و تأیید بگیرند که آنها هم بروند مبلغ برای توریست بشوند.

در این اشاره یک اشاره‌ای به سیاستهای استانی بکنم وقتی ما صحبت از توریسم می‌کنیم یا عکس، گزارشی من دیدم در بعضی از روزنامه‌ها در سال ۷۲ یا ۷۳ در ایران چیزی در حدود ۲۶۷۰۰۰ توریسم در ایران یا کمی بیشتر داشتیم با درآمدی بسیار پائین که من حساب کردم خیلی کم است اگر این آمار درست باشد یعنی هر توریستی مثلاً پنجاه سنت در ایران خرج کرده حالا این تلفیقی است از کسانی که مهمان بودند، از کسانی که آمدند پول خرج کنند و آوردند، من فکر می‌کنم جناب آقای سبحانی به فکر آن باشند از آن سیصد هزار توریست کسی را به استان کردستان بیاورند چون به همان تابلوی ایرانگردی اگر توجه کنند من فکر می‌کنم کار ما یک کمی بهتر می‌شود چون بخشی از یک سیاست عام را در مورد جهانگردی پیگیری می‌کنیم. اما در مورد ایرانگردی می‌توانیم مبلغ و طراح سیاستهای خاص خودمان باشیم یعنی استان می‌تواند یک طرح را ایجاد کند و جذب کند بنابراین از بخش ایرانگردی ما خارج می‌شویم. موانع را هم دوستان ما اشاره کردند. سوء تفاهم‌ها و عدم درک از وضعیت کردستان و الی آخر و من کوتاه می‌کنم این بحث را و اضافه می‌کنم آماری را که جایگاه ما را با جایگاه توریسم در دنیا مشخص می‌کند. کشورهایی را که من انتخاب کرده‌ام به عمد از نقاط

مختلف انتخاب کرده‌ام، تایلند در سال ۹۱- ۹۰ و ۸۹ بین چهار میلیون و هشتصد هزار تا پنج میلیون و چهار صد هزار توریست داشته، در ایتالیا در سال ۹۰ شصت میلیون توریست داشته، مقایسه بفرمائید، مجارستان با یک واقعیت و یک حالت فوق‌العاده با سی و هفت میلیون توریست در سال ۹۰ کشوری که نه میلیون جمعیت داشته، یعنی به ازای هر آدم چهار توریست وارد مملکت شده، این آمار به دلیل اینکه در سال ۹۱ و ۹۲ هم سی و سه میلیون گزارش شده آماری است که از نظر داده‌ها درست است و من همین مورد را وقتی با وابسته سفارت مجارستان چک می‌کردم تأییدش را هم از ایشان می‌گرفتم، دلیلش هم اینست در جایگاهی مجارستان قرار دارد که از شمال و غرب و شرق هرکس بخواهد عبور کند باید سری به آنجا بزند اینست که موقعیت جغرافیایی‌اش هم خیلی مهم است، کشوری مثل ترکیه که همسایه خودمان است گزارش شده که در سالهای ۹۱ و ۹۳ بین ۵ میلیون و ۷ میلیون به تفاوت توریست داشته، پاکستان تعداد خیلی کمی دارد ۴۸۰ هزار نفر، آماری است که من از مسئولین توریست پاکستان گرفتم این تعداد که خود پاکستان هم یک رقم بالایی را در توریست‌های ایران تشکیل داده، گاهی در خیابان‌های تهران برخورد می‌کنید با بچه‌هایی که با زبان خیلی فصیح انگلیسی از شما کمک می‌خواهند که بروند به پدر و مادرشان در مشهد یا زاهدان ملحق شوند و از شما پول بگیرند، بنابراین من چشمم آب نمی‌خورد چیزی از اینها در بیاید، توریست‌هایی هم که از آسیای میانه می‌آیند بیشتر دنبال نخود و لوبیا و برنج و حبوبات هستند که یک مقدار مسائل هم برایمان ایجاد می‌کند. در مورد مراکش آمار دارم در آفریقا بین دو میلیون و نه صد در سال ۹۰ تا سه میلیون در سال ۹۲ توریست داشته در آفریقا، از تانزانیا حرف می‌زنم در آفریقا که دریاچه‌های خوبی دارد محیط قشنگی است اما احتمالاً بدلیل عدم سرویس کافی آمار توریست‌هایش به یکصد و سی هزار می‌رسد. یک گزارشی هم دارم از درآمدهای توریستی، اسپانیا با سی میلیارد دلار، ایتالیا با بیست و هفت میلیارد، یونان با ۱۴ و سوئیس با ده میلیارد دلار. حالا این اضافه شود به آمارهایی که در صبح شنیدید ببینید که کجاست. نکته‌ای که من می‌خواهم اشاره و کمک می‌کند به تدوین سیاست‌های استانی، این است که در گزارش سازمان جهانی توریسم ارائه داده در

سال ۹۲ از چهار صد و پنجاه میلیون توریستی که در دنیا گشته ۹۰٪ آنها توریستهایی بوده که ما آنها را اصطلاحاً توریستهای فرهنگی می‌گوییم یعنی کسانی بودند که برای آشنایی با ملتها، تاریخ، فرهنگ آمده‌اند وقتی صحبت از فرهنگ است صحبت از غار کرفتو تنها نیست، وقتی صحبت از فرهنگ است صحبت از پل خواجه تنها نیست، هتل عباسی اصفهان یک چایخانه درست کرده با یک چای و یک قلیان که وقتی شما آنجا بروید احساس آرامش می‌کنید بیشتر از احساس تحسینی است که به پل خواجه دارید این فرهنگ دوران صفویه را در اصفهان برای شما عرضه می‌کند من تصور می‌کنم مسئولان محترم استان روی کارهای فرهنگی که در کردستان وجود دارد یک کسی به من می‌گفت که من شنیدم که رقص گردی خیلی چیز زیبایی است کجا می‌توانم ببینم، گفتم اگر خودم یک جایی دیدم شما را هم دعوت می‌کنم، من فکر می‌کنم این جاذبه خوبی می‌شود برای ما، و خود جناب یوسف‌زمانی که از موسیقیدانهای بزرگ و استاد بزرگ تئاتر آقای دکتر صادقی، من فکر می‌کنم که بحث توریستی کردستان باید یک آکادمی هنرمانندی داشته باشد که توریست بتواند هم تئاتر محلی، هم از موسیقی محلی و هم بتواند رقص محلی حداقل تا آنجا که در قالب ارزشهای ملی و دینی می‌گنجد استفاده کند. قبل از انقلاب یک وقتی من سرباز بودم در اصفهان، روزهایی که تئاتر ارحام صدر بود یک عده‌ای می‌پریدند و لهجه اصفهانی صحبت می‌کردند وقتی سؤال کردم فهمیدم اینها بازدید اصفهان‌شان یک بازدید مکرر است و می‌گذارند وقتی ارحام صدر تئاتر دارد، می‌بینند چه چیزی می‌توانست اینها را بکشد.

در خاتمه پیشنهاد می‌کنم جناب آقای سبحانی یک کمیته دائمی برای تدوین و اجرای سیاستهای توریستی و گرفتن راهبردها و استراتژی‌هایی که در مناطق مختلف هست در کردستان تشکیل بدهند، کاری هم از دست ما بریاید در خدمت هستیم.

والسلام.

نقش جهانگردی در توسعه اقتصادی اجتماعی استان کردستان

عزیزاله محمودی - مدرس دانشگاه

مقدمه

هرچند توریسم در برنامه پنجاه ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مطرح بود ولی در عمل نتوانسته است جایگاه واقعی خود را در برنامه ریزیهای توسعه باز یابد.

اصولاً توسعه توریسم و جهانگردی از جهت تأثیر آن در تحکیم مبانی وحدت ملی در برنامه های میان مدت مورد توجه بسزایی می باشد. منظور آنست که کوشش گردد میراث فرهنگ تمدن ایران زمین بخوبی شناخته و شناسانده شود و در راه غنی ساختن هرچه بیشتر آن میراث عظیم ملی اهتمام لازم بعمل آید. جهانگردی نه فقط در تلطیف ذوق و تحریک عواطف و ایجاد علائق مشترک و تفاهم در میان گروه های مختلف اجتماعی و پرکردن اوقات فراغت مؤثر است بلکه فوائد اقتصادی زیادی نیز بر آن مترتب می باشد و یکی از منابع اصلی کسب درآمدهای ارزی در جهان است بنابراین در ازدیاد درآمد قشرهایی از مردم و ترویج مصنوعات داخلی و جلب جهانگردان خارجی و

مثلاً در افزایش تولید ملی اثرات نمایان دارد. بنابراین بجاست که با توجه به پتانسیل‌های توریستی بالقوه که در جای جای ایران زمین وجود دارد از این صنعت در برنامه‌ریزیهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کمال استفاده را نمود. اصولاً زندگی صنعتی جدید و افزایش نسبی درآمد مردم موجب شده است که امروزه مسافرت از صورت یک خدمت تجملی که مخصوص تعداد خیلی مردم ثروتمند بوده است خارج شود و به یک سرویس اجتماعی و عمومی مبدل گردد به همین لحاظ دولتها ناچار شده‌اند که برای جوابگویی به نیازهای جمعیت کثیر سیاحان اعتبارات لازم را به این امر اختصاص دهند.

استان کردستان یکی از استانهای کشور است که با وجود محرومیت اقتصادی دارای امکانات و قابلیت‌های بالقوه نسبتاً بالا در زمینه جهانگردی است. در حال حاضر جاذبه‌های طبیعی، میراث تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی و مذهبی استان که در سراسر منطقه پراکنده شده‌اند نیازمند یک برنامه‌ریزی علمی - عملی و چاره‌اندیشی لازم برای استفاده از آنها می‌باشد. علی‌الخصوص که به علت جنگ تحمیلی قسمتی از تأسیسات موجود که با نیازها نیز متناسب نبود با توجه به شرایط موجود جنگی در اختیار سازمانها و نهادهای دیگر قرار گرفت و کاربردهای غیرتوریستی پیدا نمود اولین قدم در راه تعیین نقش جهانگردی در توسعه اقتصادی اجتماعی استان شناخت وضع موجود توریسم و جاذبه‌های جهانگردی است و سپس با توجه به استانداردها و نیازها پیشنهاداتی برای استفاده بهینه از امکانات و قابلیت‌های توریستی استان مطرح گردد و این مقاله درصدد این است که با توجه به وضع موجود و نیازها نقش جهانگردی در توسعه اقتصادی اجتماعی استان را بیان نماید.

۱- بررسی وضع موجود:

هرچند جایگاه جهانگردی استان شامل استعدادها، امکانات و توانائی‌های بالقوه و بالفعل استان خود موضوع مقاله دیگری می‌باشد ولی لازم است که از چند جهت وضع موجود توریسم در استان در اینجا ذکر گردد:

۱-۱- از جهت جاذبه‌های توریستی.

۲-۱- از جهت ارزیابی کم و کیف تأسیسات اقامتی و خدمات توریستی.

۳-۱- از جهت میزان سرمایه‌گذاری.

۴-۱- محدودیتهای زیربنایی و حمل و نقل.

۵-۱- مسائل فرهنگی و سیاسی.

۶-۱- تنگناها و مشکلات.

۱-۱- از جهت جاذبه‌های توریستی:

جاذبه‌های توریستی منطقه را می‌توان به جاذبه‌های طبیعی، جاذبه‌ها و میراث تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی و مذهبی تقسیم نمود. مهمترین جاذبه‌های طبیعی استان عبارتند از: دریاچه آب شیرین مریوان که آب آن از طریق چشمه‌های خودجوش کف دریاچه تأمین می‌شود و با توجه به جنگل‌ها و موقعیت طبیعی آن مکان بسیار مناسبی برای گذراندن اوقات فراغت می‌باشد و تأسیسات احداث شده در جوار آن نیاز به بازسازی مجدد دارد.

ناحیه اورامان تخت یکی دیگر از جاذبه‌های طبیعی منطقه است که بکر و دست نخورده باقی مانده است ولی بعلت عدم وجود راه مناسب و مهمانپذیری تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است. استان کردستان با وجود مواهب سرشار طبیعی از قبیل رودخانه‌ها و پشت سدها که کلاً قابل ماهیگیری هستند، ارتفاعات کوهستانی که غالباً شکارگاه بوده و مناطق حفاظت شده حیات وحش بیجار و قروه و آب و هوای لطیف، می‌تواند یکی از قطب‌های توریستی کشور باشد. آثار باستانی مربوط به تمدن‌های دوران سنگی، مادی، پارتنی، ساسانیان و دوران اسلامی در جای جای نقاط استان وجود دارد و جای بسی تأسف است که بسیاری از آثار ارزنده مربوط به دوران مادی زیویه سقر و چرم نبشته‌های دوران پارتنی اورامان به یغما رفته است و اکنون زینت‌بخش موزه‌های مسکو، اسرائیل و کشورهای اروپایی است.

زیارتگاه و اماکن مذهبی، شیوه معماری، کوهنوردی، شکار، اسب‌سواری از

جاذبه‌هایی هستند که می‌توانند در پرکردن اوقات فراغت و جلب توریست در منطقه مؤثر باشد. بطورکلی آب و هوای مناسب و معتدل بویژه در فصل تابستان، وجود مناظر بکر طبیعی، فرهنگ غنی، آداب و رسوم و صنایع دستی، آثار تاریخی ارزشمند غار کرفتو، قلعه زیویه، تخت سلیمان و کتیبه تنگیور و ... از جاذبه‌های توریستی استان محسوب می‌شوند.

۲-۱- از جهت ارزیابی کم و کیف تأسیسات اقامتی و خدمات توریستی:

در برنامه پنجساله دوم تورسم استان کردستان (مأخذ اداره کل ارشاد اسلامی کردستان) آمده است «تعداد هتل‌ها و مهمانسراهای استان در خلال یک دهه اخیر ثابت بوده و ظرفیت تخت و جمعیت‌پذیری تأسیسات اقامتی افزایش چندانی نداشته است و شاخص تخت به جمعیت از ۱۳ تخت در سال ۱۳۶۵ به ۱۲ تخت در سال ۱۳۷۱ برای هر ده هزار نفر جمعیت کاهش یافته است.

وضعیت تعداد رستورانها و چایخانه‌های بین‌راهی طی یکدوره ۷ ساله تغییر محسوسی نداشته و واحدهایی که در مدت فوق احداث شده در مجموع برای استان ۴ واحد بوده که ۳ واحد دیگر نیز در دست احداث است. ساختمان بقیه اماکن اکثراً از رده خارج و با توجه به وضعیت دشوار مالی، صاحبان این گونه اماکن توانایی نوسازی واحدهای خود را ندارند.

تعداد زیارتگاه‌ها در استان و اشتیاق و علاقه روزافزون مردم به زیارت این اماکن نشأت گرفته گرفته از ایمان و اعتقادات مذهبی در منطقه است که متأسفانه اکثریت این اماکن فاقد امکانات رفاهی مناسب جهت پذیرایی بوده و غالباً فاقد راه و تأسیسات اقامتی است.»

بطورکلی هرچند استان کردستان دارای غنای فرهنگی و آثار متعدد و جاذبه‌های توریستی می‌باشد ولی در جهت معرفی این آثار بعنوان یک جاذبه توریستی و همچنین ایجاد تأسیسات مناسب اقدام چندانی صورت نگرفته است کما اینکه تقاضاهای زیادی از طرف دفاتر خدمات مسافرتی برای اعزام تور به استان کردستان وجود دارد که

متأسفانه بعلت عدم وجود اماکن اقامتی مناسب عملی نبوده است. بعبارت دیگر می‌توان گفت که استان کردستان علیرغم داشتن قابلیت‌های مناسب جهت جذب توریست از لحاظ امکانات توریستی وضعیت مطلوبی ندارد. بطوریکه بعنوان مثال غیر از سنندج و سقز بقیه شهرهای استان فاقد هتل بمعنای واقعی کلمه هستند.

۳- ۱- از جهت میزان سرمایه‌گذاری و اشتغال:

در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بعلت موقعیت استراتژیک و مسائل ناشی از جنگ تحمیلی و عوامل دیگر سرمایه‌گذاری در امر توریسم در استان بسیار محدود بوده است و حتی می‌توان گفت شاخص تخت به جمعیت حاکی از عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه است. نسبت اشتغال تخت مهمانخانه‌ها در دوره ۷۱-۶۵ از ۴۷٪ به ۸۰٪ رسیده است و پائین بودن نسبت اشتغال تخت مهمانخانه‌ها به علت نامناسب بودن وضعیت ساختمانی و بهداشتی است که نیازمند سرمایه‌گذاری مناسب می‌باشد.

در حال حاضر برای احداث یک هتل سه ستاره مناسب، سرمایه‌گذاری ثابتی در حدود ۳ الی ۴ میلیارد ریال مورد نیاز است که با توجه به نرخ بازده سرمایه‌گذاری در این زمینه تمایل عمومی برای سرمایه‌گذاری در تمامی بخشها (دولتی، خصوصی و تعاونی) بسیار کم می‌باشد و تسهیلات اعتباری خاص و ویژه برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بخش توریسم و ایجاد تسهیلات لازم در این امر وجود ندارد. در سال ۱۳۷۲ فقط ۶ پروژه سالن غذاخوری در مسیر سنندج به کامیاران و مریوان با اعتبار ۵۰۵ میلیون ریال و زیربنای ۳۰۰۰ متر مربع و اشتغال‌زایی ۴۲ نفر احداث گردیده است. نیروی انسانی شاغل در بخش ایرانگردی و جهانگردی استان کردستان در طول ۱۰ سال تقریباً ثابت بوده و بیش از ۶۸ نفر نمی‌باشد که در سال ۱۳۷۱ فقط ۳ نفر آنها دیپلم و فوق دیپلم بوده و بقیه پائین‌تر از دیپلم بوده‌اند.

لازم به یادآوری است که سرمایه‌گذاری برای احداث اماکن اقامتی در سطح استان صرفاً هنگامی توجیه‌پذیر است که حجم مراجعه‌کنندگان به آنها در حد مناسبی باشد

وگرنه روند فعلی بصورتی است که هتلداری روبه اضمحلال است بطوریکه در استان کردستان تعدادی از هتل‌ها بنا بدلیل فوق در شرف ورشکستگی و یا به خوابگاه دانشجویی تبدیل شده‌اند که نیازمند برنامه‌ریزی درستی برای جذب توریست می‌باشد.

۴- ۱- از جهت محدودیتهای زیربنایی حمل و نقل:

یکی از محرومیت‌های کردستان فقدان زیربناهای لازم جهت توسعه است که این مسأله رشد صنعت توریسم در استان را تحت تأثیر سوء خود قرار داده است. دارا بودن برنامه‌های پرواز در قالب خطوط هوایی منظم و وجود فرودگاههای بزرگ و جاده‌های مناسب و آسفالت و خطوط آهن و ... در رشد و توسعه صنعت توریسم در هر منطقه نقش بسزایی بعهدہ دارند که استان کردستان در حال حاضر فاقد این نوع زیربناهای لازم می‌باشد بطوریکه غیر از یک سری جاذبه‌های سیاحتی که در داخل شهرهای استان وجود دارند. اغلب قابلیت‌های جهانگردی استان از قبیل غار کرفتو و تپه زیویه و... دارای راه مناسبی نیستند.

۵- ۱- مسائل فرهنگی سیاسی:

یکی از مسائلی که در زمینه توریسم و جهانگردی در استان کردستان باید در برنامه‌ریزیهای توسعه توریسم مورد توجه قرار گیرد ذهنیت نامناسبی است که هم از نظر برداشتی که مردم دیگر نقاط ایران از مردم کردستان بر اثر بهره‌برداریهای فرهنگی دارند و هم از جهت این امر که گفته شود در منطقه عدم امنیت وجود دارد، قابل بررسی است. واقعیت این است که در طول سالیان گذشته دستان خبیثی بصورت پنهان و آشکار مردم کردستان را در اذهان دیگر مردم ایران و جهان بصورت دیگری غیر از آنچه که هست جلوه دادند، نگارنده این مقاله که خود هنگام بررسی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رژیم گذشته که توسط مهندسین مشاور رستیران در مورد کردستان گردیده بود مشاهده نمودم که در این مطالعات چنین آمده است: «کردستان منطقه‌ای وحشی، توسعه نیافته، با آب و هوای سخت و بد مردم آن دارای سستهای جنگجویانه هستند، مذهب آن متفاوت است و ...»

بنابراین یکی از اهداف توسعه توریسم در استان باید زدودن این زنگارها از رخسار مردم باشد. مسأله بعد؛ در مورد امنیت کردستان این مسأله حائز اهمیت است که هرچند دستانی پیدا و پنهان همیشه می خواهند کردستان را ناامن جلوه دهند اما به رغم این سیاستها که همیشه از جانب بیگانگان ترویج می شود در حال حاضر در سراسر استان امنیت چشمگیری وجود دارد، که می توان در رشد و توسعه صنعت توریسم منطقه نقش بسیار مؤثری ایفا نماید.

۶- ۱- تنگناها و مشکلات و موانع:

هرچند این بخش نیز جداگانه موضوع یک مقاله می باشد بجهت اهمیت آن در اینجا بطور خلاصه مورد بررسی قرار می گیرد اصولاً برای اینکه توریسم بتواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان ایفا کند مهمترین اقدام رفع تنگناها و مشکلات این بخش است که در استان کردستان بصورت حادی جلوه گر شده است. در برنامه پنجساله دوم توریسم استان کردستان که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان ارائه شده است موانع صنعت توریسم استان بصورت زیر بیان شده است:

- عدم سرمایه گذاری در زمینه احداث واحدهای اقامتی.
- ذهنیت نامناسب در مورد عدم امنیت در منطقه.
- اشغال مهمانسراهای استان توسط نهادها و ارگانهای دیگر.
- عدم وجود راههای مناسب برای دستیابی به آثار تاریخی.
- عدم تبلیغات کافی رسانه های گروهی برای معرفی جاذبه های کردستان.
- مشکلات اعتباری و عدم امکانات لازم برای انجام تحقیقات و مطالعات برای کشف جاذبه های سیاحتی.
- فقدان منابع اعتباری برای کمک به بخش خصوصی جهت احداث تأسیسات اقامتی و پذیرایی.
- عدم امکان استفاده از کادر آموزش دیده بخش توریسم در مهمانخانه ها و تأسیسات

پذیرایی استان و فقدان مرکزی برای آموزش در استان.

- عدم وجود فرودگاه مناسب جهت پرواز هواپیماهای بزرگ مسافربری.

علاوه بر موارد فوق می‌توان از تنگناهایی نام برد که بعد فرا استانی داشته و مربوط به برنامه‌ریزیهای کلان توسعه است که توسط دستگاه برنامه‌ریزی کشور تهیه و تدوین می‌گردد متأسفانه علیرغم گذشت ۱۷ سال از انقلاب اسلامی هنوز برنامه خاصی که بتواند نقش توریسم در برنامه‌های توسعه را بطور عملی مشخص نماید، تدوین نگردیده است.

۲- نقش توسعه‌ای توریسم:

در این قسمت ضمن برشمردن ابعاد اقتصادی و اجتماعی توریسم، اهداف توسعه‌بخش، برنامه‌های مشخص، خط مشی‌های اجرایی و ترغیبی به تجزیه و تحلیل برنامه پنجساله دوم توسعه توریسم در استان کردستان پرداخته می‌شود. عبارت دیگر ابتدا بطور اجمالی مسائل کلان توسعه بخش توریسم مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس با توجه به برنامه‌های پنجساله دوم توسعه توریسم استان کردستان پرداخته می‌شود. عبارت دیگر ابتدا بطور اجمالی مسائل کلات توسعه بخش توریسم مورد بررسی قرار می‌گیرد سپس با توجه به برنامه‌های پنجساله دوم توسعه توریسم استان به نقش آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان خواهیم پرداخت.

۱- ۲- ابعاد اجتماعی توریسم:

الف- در بعد اقتصادی شامل:

- افزایش درآمد بعضی از اقشار مردم.

- تشویق فعالیتهای ساختمانی بر اثر احداث هتل، مهمانپذیر و مراکز جهانگردی.

- توسعه حمل و نقل.

- عرضه کالاهای مورد نیاز جهانگردان و توسعه صنایع دستی و سنتی.

- افزایش سطح اشتغال.

ب- در بعد اجتماعی شامل:

- آشنایی مردم با سایر فرهنگها، مآلاً موجب توسعه افق فکری آنها می شود.
- ممکن است، باعث شود که مسافرتهاى تفننى و تفریحى به خارج از کشور کاهش یابد.
- موجب رابطه آشنایی و دوستی مردم نواحى مختلف کشور با یکدیگر می شود.
- و بالاخره موجبات وحدت ملی را فراهم می نماید.

۲-۲- اهداف توسعه بخش توریسم:

اهداف توسعه بخش را می توان به اهداف کیفی و اهداف کمی تقسیم نمود. در بعد کیفی شناسائی و معرفی جاذبه های توریستی بمنظور جذب توریسم، حفاظت از آثار تاریخی و بالاخره تلاش برای تبدیل منطقه به یک قطب توریستی و در بعد کمی، افزایش دادن تعداد سیاحان از طریق افزایش تعداد هتل ها و مراکز جهانگردی و بازسازی و نوسازی آنها، طولانی تر کردن مدت اقامت و تجهیز مناطق و مسیرهای مورد توجه مسافران مورد نظر خواهد بود.

۲-۳- برنامه های مشخص:

منظور از برنامه های مشخص این است که هنگامی توریسم می تواند نقش خود را در توسعه اقتصادی - اجتماعی به عهده بگیرد که یک سری برنامه های مشخص، منسجم و هماهنگ بمرحله اجرا درآیند سرمایه گذاری برای تأسیسات، ایجاد تسهیلات، تبلیغات، آموزش و تشکیلات از جمله این برنامه های مشخص می باشند.

۲-۴- سیاستها و خط مشی های اجرایی و ترغیبی:

- حتى المقدور جریان جهانگردی به مسیرهایی که در آنجا زیربنای اقتصادی ساخته شده سوق داده شود.
- سرمایه گذاری در نقاطی صورت گیرد که دارای استعداد بالقوه جهانگردی باشد.
- ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری از طریق اعطای وام.

- هماهنگی بین دستگاههای ذیربط (شهرداری، نیروی انتظامی، ارشاد اسلامی و ...).

- چاپ نقشه، بروشور، پوستر، عکس و اسلاید از جاذبههای سیاحتی.

- تهیه فیلم، تشکیل نمایشگاهها.

- نظارت، ارشاد و هدایت واحدهای پذیرایی.

- تأسیس دفاتر خدمات مسافرتی.

۵-۲- تجزیه و تحلیل برنامه‌های پنجساله دوم توسعه توریسم در استان کردستان:

با توجه به عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی کردستان در مقایسه با روند توسعه در سطح کشور برای اینکه توریسم و جهانگردی بتوانند نقشی در توسعه استان بعهده بگیرد اقدامات بسیار اساسی و بنیانی لازم است که عبارتند از:

آموزش، تبلیغات، افزایش ظرفیت مراکز اقامتی، نوسازی و تجهیز تأسیسات موجود، گسترش زیربناها، شناسایی و کشف جاذبه‌های توریستی، حفاظت و بهره‌برداری از میراث طبیعی و تاریخی، مشارکت و سرمایه‌گذاری، فراهم آوردن مکانیسمی که بخش خصوصی بتواند در زمینه توریسم فعال گردد و بالاخره تلاش برای تبدیل شدن استان به یک قطب توریستی.

هرچند در اهداف و کیفی برنامه پنجساله دوم استان به اکثر اقدامات فوق اشاره شده ولی در طرح‌های اجرایی توسعه در طول برنامه فقط به سرمایه‌گذاری جهت بازسازی و تکمیل واحداث مراکز اقامتی پرداخته شده است که جمع سرمایه‌گذاری به ۱۲ میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال می‌رسد که برای احداث ۲۵۱۰۰ مترمربع زیربنا و اشتغال‌زایی ۱۰۶ نفر در طول زمان اجرا و ۳۶۷ نفر در زمان بهره‌برداری پیشنهاد شده است که ۳۵ درصد میزان سرمایه‌گذاری دولتی و ۶۵ درصد بقیه در بخش خصوصی صورت خواهد گرفت که با اجرای طرحهای مذکور کم و کیف وضعیت کنونی

شاخص‌های بخش توریسم در سال‌های برنامه به شرح زیر متحول خواهد شد:

- تعداد جهانگردان خارجی از ۱۵۰ نفر در سال ۷۲ به ۶۰۰ نفر در سال ۷۷.
 - تعداد هتل‌های درجه‌بندی شده از ۸ باب در سال ۷۲ به ۱۵ باب در سال ۷۷.
 - ظرفیت مسافرپذیری هتل‌های درجه‌بندی شده از ۲۵۰/۰۰۰ نفر در سال ۷۲ به ۴۳۲۰۰۰ نفر در سال ۷۷.
 - تعداد هتل‌ها و مهمانسراهای بخش دولتی از ۱ باب در سال ۷۲ به ۴ باب در سال ۷۷.
 - ظرفیت سالانه هتل‌ها و مهمانسراهای دولتی از ۲۷۰۰۰ نفر در سال ۷۲ به ۸۱۰۰۰ نفر در سال ۷۷.
 - تعداد رستوران‌ها و چایخانه‌های بخش دولتی از ۱ باب در سال ۷۲ به ۱ باب در سال ۷۷ (بدون تغییر).
 - تعداد مسافرخانه‌ها از ۴۰ باب در سال ۷۲ به ۴۸ باب در سال ۷۷.
- و پیش‌بینی شده است که درآمد ارزی استان در پایان برنامه دوم پنجساله از محل ورود مسافران خارجی بالغ بر ۶۰ هزار دلار شود.
- با نگاهی اجمالی به طرح‌های توسعه بخش توریسم در برنامه دوم پنجساله استان ملاحظه می‌شود که هرچند میزان سرمایه‌گذاری در احداث مراکز اقامتی و جهانگردی قابل توجه است اما با توجه به پتانسیل‌های توریستی منطقه و نیاز به اقدامات جانبی از قبیل: تبلیغات، آموزش گسترش زیربنای و شناسایی و کشف جاذبه‌های توریستی و ... این برنامه جوابگوی نیازهای بخش توریسم در منطقه نیست و در نتیجه طرح‌های جهانگردی کردستان در برنامه دوم نمی‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی - اجتماعی استان بعهدہ بگیرد.
- برای اینکه استعداد‌های بالقوه توریستی منطقه بالفعل شود و نقش جهانگردی در توسعه استان نمایان گردد به ترتیب اقدامات زیر باید صورت گیرد:
- کاوش‌های باستانشناسی در منطقه.
 - مرمت و آسفالت راه‌های دسترسی به اماکن توریستی.
 - شناسایی و معرفی جاذبه‌های توریستی از طریق تبلیغات (فیلم، بروشور، عکس،

اسلاید).

- زدودن آثار منفی برداشتهای مردم از منطقه از طرق مختلف.
- سرمایه گذاری در تأسیسات اقامتی و پذیرایی در اماکن توریستی.
- ارائه و معرفی صنایع دستی و سنتی استان و ایجاد نمایشگاهها و فروشگاههای صنایع دستی در مراکز اقامتی.
- تشکیل کلاسهای آموزشی به منظور ارتقاء خدمات، پذیرایی در هتل ها و واحدهای توریستی.
- تشکیل دفاتر خدمات مسافرتی.
- و به همین منظور باید اعتبارات لازم برای انجام اقدامات فوق در برنامه تأمین گردد بطورکلی نتایج اجرای طرحهای جهانگردی در توسعه استان را می توان به شرح زیر برشمرد:
- ۱ - با اجرای طرحهای توریستی در منطقه از سایر نقاط کشور مردم برای دیدار از جاذبه های جهانگردی مشتاق خواهند شد و پیش بینی می شود که تعداد سیاحان از ۷۰/۰۰۰ نفر وضع موجود به ۱۳۰/۰۰۰ نفر بالغ گردند.
- ۲ - با بهره برداری از دریاچه زریوار و سد قشلاق اکوسیستم فضای پیرامون آن حفظ خواهد شد.
- ۳ - موجبات بهبود وضعیت ارتباطی جاده های دسترسی به اماکن توریستی فراهم خواهد گردید.
- ۴ - بازارچه های مرزی رونق خواهد گرفت.
- ۵ - تورهای سیاحتی از یک تا چندروزه در سطح استان معمول خواهد شد.
- ۶ - چون صنایع دستی یکی از مظاهر فرهنگی و هنری هر منطقه محسوب می شود، لذا توسعه آن می تواند از عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن منطقه و موجبی برای جلب توریست به شمار آید.

۷- با توجه به معضل بیکاری در استان اجرای طرحهای جهانگردی موجبات اشتغال جدید را فراهم خواهد ساخت.

۸- براساس یک برآورد کارشناسی درآمد حاصل از مسافران داخلی به استان در پایان برنامه دوم به ۱۵۰ میلیون تومان خواهد رسید.

۹- با درآمدزایی صنعت توریسم بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این بخش تشویق خواهد شد.

۱۰- از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرات بسیار مناسبی به بار خواهد آورد.

جمع‌بندی مطالب گفته شده:

امروزه توریسم در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است و فعالیت جهانگردی در مجموعه مبادلات بین‌المللی رقم‌بزرگی را تشکیل داده است. جهانگردی نه فقط در تلطیف ذوق و ایجاد علائق مشترک و تفاهم در میان گروه‌های مختلف اجتماعی مؤثر است بلکه دارای فوائد اقتصادی بسیار می‌باشد و یکی از منابع کسب درآمدهای ارزی در جهان است. امروزه مسافرت از صورت یک خدمت تجملی خارج گردیده و به یک خدمت اجتماعی و عمومی تبدیل گردیده است.

کشور ما به اقتضای موقعیت تاریخی و جغرافیایی خود از دیرباز محل رفت و آمد خارجیان بوده است. استان کردستان با وجود محرومیت اقتصادی یکی از استانهای کشور است که با داشتن فرهنگ غنی و آثار باستانی و طبیعت زیبا می‌تواند بعنوان یک استان توریستی مطرح باشد. اما پتانسیل‌های توریستی استان چنانکه باید شناسایی نشده و چاره‌اندیشی‌های لازم برای استفاده از راه‌حل‌های روشن نمودن نقش جهانگردی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کردستان است که موضوع این مقاله می‌باشد. این رشته شامل سه قسمت است:

۱- بررسی وضع موجود.

۲- نقش توسعه‌ای توریسم.

۳- تجزیه و تحلیل برنامه‌های پنجساله دوم توسعه توریسم در استان کردستان.

۱- بررسی وضع موجود:

توسعه به یک معنی رسیدن به وضع مطلوب است و برای رسیدن به وضع مطلوب بررسی وضع موجود حائز کمال اهمیت است. در این بررسی ابتدا جاذبه‌های توریستی (طبیعی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی) شامل دریاچه آب شیرین مریوان که آب آن از طریق چشمه‌های خودجوش کف دریاچه تأمین می‌شود، ناحیه اورامان تخت که بکر و دست نخورده باقی مانده است و سد قشلاق، زیارتگاهها و اماکن مذهبی و آثار باستانی بررسی گردیده است و سپس کم و کیف تأسیسات اقامتی ذکر شده و آمده است که تعداد هتل‌ها و مهمانسراهای استان در خلال یک دهه اخیر ثابت مانده و تعداد رستورانها و چایخانه‌های بین راهی طی یکدوره ۷ ساله تغییر محسوسی نداشته و ساختمان بقیه اماکن از رده خارج است. اکثر اماکن مذهبی فاقد امکانات رفاهی مناسب جهت پذیرایی بوده در نتیجه تقاضاهای زیادی از طرف دفاتر خدمات مسافرتی برای اعزام تور به کردستان عملی نشده است.

یعنی استان علیرغم داشتن قابلیت‌های مناسب جهت جذب توریست از لحاظ امکانات توریستی وضع مناسبی ندارد. در مورد سرمایه‌گذاری و اشتغال باید گفت سرمایه‌گذاری در امر جهانگردی در استان بسیار محدود بوده است و یکی از علل آن هزینه بسیار زیاد احداث تأسیسات مخصوصاً هتل‌ها می‌باشد و تسهیلات اعتباری ویژه برای تشویق به سرمایه‌گذاری در این زمینه وجود ندارد نیروی انسانی شاغل در بخش ایرانگردی و جهانگردی استان در طول ۱۰ سال تقریباً ثابت مانده است. فقدان زیربنای لازم رشد صنعت توریسم در استان را تحت تأثیر خود قرار داده است بطوریکه اغلب قابلیت‌های جهانگردی استان از قبیل غار کرفتو و تپه زیویه و... دارای راه مناسب دسترسی نیستند.

مسائل سیاسی و فرهنگی گذشته بگونه‌ای عمل کرده‌اند که بصورت مانعی در راه

جذب توریست به استان درآمده‌اند یکی برداشت نامناسبی که مردم دیگر نقاط ایران از مردم کردستان دارند و دیگری مسأله امنیت در کردستان است، عدم تبلیغات کافی رسانه‌های گروهی برای معرفی جاذبه‌های کردستان، مشکلات اعتباری، عدم امکان استفاده از کادر آموزش دیده، عدم وجود فرودگاه مناسب جهت پرواز هواپیماهای بزرگ مسافربری از تنگناها و مشکلات توسعه توریسم در استان می‌باشد.

۲- نقش توسعه‌ای توریسم:

ابعاد اقتصادی اجتماعی توریسم:

الف- در بعد اقتصادی:

- افزایش درآمد بعضی از اقشار مردم.
- تشویق فعالیتهای ساختمانی.
- توسعه حمل و نقل.
- عرضه کالاهای مورد نیاز جهانگردان.
- افزایش سطح اشتغال.

ب- در بعد اجتماعی:

- توسعه افق فکری مردم.
- کاهش مسافرتهاى تفننى به خارج کشور.
- ایجاد رابطه آشنایی با سایر نواحی.
- فراهم آمدن موجبات وحدت ملی.

هدف کیفی توسعه توریسم تلاش برای تبدیل منطقه به یک قطب توریستی و در بعد کمی افزایش تعداد سیاحان و افزایش تأسیسات و طولانی‌تر کردن مدت اقامت مسافران می‌باشد.

در اینجا باید گفت هنگامی توریسم می‌تواند به اهداف خود برسد که یک سری

برنامه‌های مشخص و هماهنگ بمرحله اجرا درآیند. هماهنگی بین دستگاه‌های ذیربط، چاپ نقشه، برشور و پوستر از جاذبه‌های توریستی، تشکیل نمایشگاه‌ها، نظارت ارشاد برواحدهای پذیرایی و بالاخره تأسیس دفاتر خدمات مسافرتی از جمله سیاستها و خط مشی‌های اجرائی و ترغیبی در توسعه توریسم در استان کردستان خواهد بود.

۳- تجزیه و تحلیل برنامه‌های پنجساله دوم توسعه توریسم در استان کردستان:

برای اینکه توریسم بتواند نقشی در توسعه استان ایفا نماید اقدامات اساسی زیر لازم است:

آموزش، تبلیغات، افزایش ظرفیت مراکز اقامتی، نوسازی و تجهیز تأسیسات موجود، گسترش زیربناها، شناسایی و کشف جاذبه‌های توریستی، حفاظت و بهره‌برداری از میراث طبیعی و تاریخی مشارکت و سرمایه‌گذاری، فراهم آوردن مکانیسمی که بخش خصوصی بتواند در زمینه توریسم فعال گردد و بالاخره تلاش برای تبدیل شدن استان به یک قطب توریستی.

با نگاهی اجمالی به طرح‌های توسعه بخش توریسم در برنامه دوم پنجساله استان ملاحظه می‌شود که هرچند میزان سرمایه‌گذاری در احداث مراکز اقامتی و جهانگردی قابل توجه است اما با توجه به پتانسیل‌های توریستی و نیاز به اقدامات اساسی که فوقاً به آنها اشاره شد این برنامه جوابگوی نیازهای بخش توریسم در منطقه نیست و در نتیجه طرح‌های جهانگردی کردستان در برنامه پنجساله دوم نمی‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی - اجتماعی استان داشته باشد و نیازمند تلاش ویژه‌ای است. در پایان مقاله اقداماتی که در این زمینه لازم است به تشریح گفته شد و نهایتاً نتایج حاصل از این اقدامات در ۱۰ مورد بررسی گردیده است.

والسلام.

جاذبه‌های سیاحتی، مذهبی سنندج

علی عدالتی

﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة في القربى

سوره شوری آیه هشتم

با یاد حضرت امام و شهدا و آرزوی سلامتی مقام معظم رهبری؛

جاذبه‌های سیاحتی - مذهبی در هر استان و یا شهری، یکی از مراکز اساسی جذب توریست و بهره‌وری چند جانبه است.

بنده معتقدم که این مهم، در سنندج مورد کم توجهی و احیاناً بی خبری و بی مهری قرار گرفته، زیرا در همین نشست مهم و سازنده که اساس آن آگاهی بخشیدن جامعه در زمینه صنعت روبه گسترش توریسم است، متأسفانه بجز یکی دو اشاره گذری، آنهم به یکی از اماکن زیارتی سنندج، هیچ سخنی از این موضوع مهم به میان نیامد!

گذشته از اینکه در سطح استان کردستان چند مزار مهم و مکان زیارتی موجود است، تنها در شهر سنندج چهار زیارتگاه جذاب، تاریخی، فرهنگی و مذهبی وجود دارد که در نوع خود در منطقه گردنشین غرب کشور منحصر بفرد است. در اینجا ناگزیر از ذکر مقدمه‌ای هستم که با عرض پوزش به استحضار می‌رساند: توجه دارید که حتی در

شهرهای زیارتی - سیاحتی بزرگ و معروف همانند مشهد مقدس و قم مقدسه نیز زیارتگاههای درجه دوم مثل امامزاده گان، مورد توجه زائران و مسافران است و همواره بازدید کنندگان و زیارت کنندگان فراوانی را بخود جذب کرده است.

باید به این نکته توجه کنیم که اصولاً ایران کشور امامزاده گان اهل بیت و عصمت و طهارت علیهم السلام و خانه آل محمد ﷺ است.

عنایت دارید که بجز حضرت امام رضا ﷺ که از اوصیاء معصوم پیامبر خاتم ﷺ هستند، بقیه بقاع متبرکه در قم، شیراز، شهرری و غیره، همه و همه امامزاده هستند و در عین حال شهرتشان جهانی و محل زیارت همگانی است و علت اصلی، همان عشق مردم به ولایت اهل بیت ﷺ است و همین امر یعنی اساسی ترین محور وحدت ملی ایران اسلامی.

بنابراین باید بیشتر به امر مهم زیارتگاهها بها داد و از آنان بهره برداری کرد. و باز تأکید می کنم بقیه امامزاده گان در ایران که رقمی بیش از ۴۸۰۰ بارگاه را شامل می شود، مراکزی خودجوش و طبیعی برای جذب مسافرنده. به عنوان نمونه آشکار توجه شما را به اماکن مذهبی و سیاحتی مشهد مقدس جلب می کنم، در این شهر بزرگ زیارتی - سیاحتی، مردم علاوه بر زیارت امامزاده گان مثل یحیی ابن زید شهید ﷺ در میامی (۱۲ کیلومتری مشهد)، به زیارت غیر امامزاده گان که یا از اصحاب ائمه ﷺ هستند و یا از بزرگان ادب و عرفان بوده اند نیز مانند خواجه ربیع، خواجه اباصلت، خواجه مراد و فردوسی، شیخ بهائی، یادبود غزالی و... می روند.

بنابراین نتیجه می گیریم که در کردستان از این موضوع غفلت شده است.

اینک به استحضار سروان معظمی که از نقاط دیگری آمده اند می رسانم؛ در شهر زیبای سنندج چهار بقیه امامزاده گان که مورد علاقه و محل زیارت عموم مردم اهل سنت و تشیع است وجود دارد:

۱ - حضرت امامزاده ابوعلی عمر بن یحیی مشهور به پیر عمر ﷺ.

خیابان امام خمینی (ره) جنب سپاه پاسداران سنندج.

۲- حضرت امامزاده محمد بن عمر یحیی مشهور به پیر محمد علیه السلام.

میدان نبوت بالای تپه و گورستان پیر محمد.

۳- حضرت امامزاده عبدالله علیه السلام از نوادگان امام هادی علیه السلام.

خیابان صلاح الدین ایوبی - کوچه طاق گوره.

۴- حضرت امامزاده بی بی هاجر بنت موسی ابن جعفر علیه السلام.

خیابان طالقانی - کوچه سرتپوله مسجد هاجره خاتون.

در اینجا اشاره ای گذرا داریم به زندگی نامه، اسناد و وضعیت ساختمانی این زیارتگاهها:

۱- پیر عمر علیه السلام :

پس از امامزاده حضرت عیدالله فرزند امام موسی ابن جعفر علیه السلام مشهور به کوسه هجیع در منطقه پاوه، مشهورترین امامزاده منطقه غرب کشور، امامزاده پیر عمر علیه السلام است و پس از آن، امامزاده مصطفی مشهور به (پیش الله یار) از فرزندان حضرت امام صادق علیه السلام از نسل علی عریضی در منطقه اورامان تخت (به نورالانوار صفحه ۲۳ و ۱۰۳ مراجعه شود).

این امامزاده فرزند یحیی مدفون در موصل (عراق) و یحیی فرزند حسین زودمعه مدفون در حله سیفیه و حسین فرزند شهید (محل دفن ندارد) و زید فرزند برومند حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

ساختمان اصلی و قدیمی این بنا را باید قدیمی ترین بنای تاریخی - مذهبی منطقه نامید زیرا آورده اند که فرزند بزرگوارش در کنار این قبر شریف مسجدی بنا نهاد و نکته جالب اینکه از متون تاریخی چنین بدست می آید: سبب سکونت مردم در دامنه «آبیدر» به برکت وجود بارگاه این امامزاده بوده است.

۲- پیر محمد علیه السلام :

ایشان همان فرزند پیر عمر علیه السلام هستند که شرح حالشان در بالا ذکر شد و از اولین

ساداتی هستند که در منطقه سکونت داشته و زاد و ولد فراوان، که در اطراف ایران پراکنده‌اند.

ساختمان جدید این بارگاه و گنبد مخروطی شکل آن از ورودی همدان در میدان نبوت و همه جای شهر دیده می‌شود و محل زیارت همگان است.

۳- طاق گوره، امامزاده عبدالله علیه السلام :

طبق شجره نامه موجود در کتب تاریخی و نیز حرم امامزاده عبدالله علیه السلام ایشان از نوادگان حضرت امام هادی علیه السلام هستند و از فرزندان ایشان در روستاهای اطراف مدفونند. ساختمان این بقعه، قدیمی و قدری نامناسب و در کوچه‌ای بن بست واقع شده و کمتر کسی به زیارت می‌رود.

۴- هاجره خاتون (س):

در کتب تاریخی مشهور به دختر امام موسی ابن جعفر علیه السلام است، اما سندی دیگر در منابع معتبر بویژه کتب انساب نیافتیم. شایان ذکر است که حقیر در سال ۶۵ جزوه‌ای را حاوی زیارتنامه و معرفی این بارگاه نوشته و دو بار تکثیر و منتشر نمودم و در روزنامه جمهوری اسلامی نیز به چاپ رسید. بهر حال این امامزاده محل نذورات فراوان مردم و زیارتگاه خاص و عام است حتی از شهرهای دیگر و روستاهای اطراف برای زیارت می‌آیند و آئین‌های ویژه‌ای در تاسوعا و عاشورای حسینی توسط مردم اجرا می‌شود.

ساختمان این امامزاده دارای دو صحن مناسب و یک حرم کوچک و مسجدی نسبتاً بزرگ و موقوفات و هیئت امناء و خادم و امام جماعت دارد و هراز چندگاهی معجزه و کرامتی از این امامزاده دهان به دهان نقل می‌شود.

اینک چند پیشنهاد:

۱- اوقاف، میراث فرهنگی و سازمان جهانگردی به این امامزاده گان توجه بیشتر نمایند.

۲- بروشوری مبنی بر معرفی این بزرگواران تهیه و توزیع گردد.

۳- اوقاف یا هیئت امناء این امامزاده گان، کرامات و تاریخچه این بارگاهها را ثبت کنند.

۴- مسئولان محترم، مقامات مملکتی و میهمانانشان را به زیارت این بزرگان دعوت کنند.

۵- اردوهای زیارتی - سیاحتی دانش آموزی و دانشجویی و ... در این اماکن برگزار گردد.

و اقداماتی دیگر هست که می توان بوسیله آنان بهره بردای گسترده ای از این بارگاههای نورانی در جهت ترویج فرهنگ مذهبی و سیاحت و زیارت بعمل آورد.

استعدادهای بالقوه توسعه توریسم در کردستان

مسعود حاج رسولی

سیرو سیاحت یا توریسم را می‌توان در دو بُعد ایرانگردی «بازدید کننده ایرانی» و جهانگردی «بازدید کننده خارجی» بررسی کرد. این دو مقوله علیرغم تشابهات ظاهری فراوان، در پیش نیازها، امکانات و پرسنل مورد لزوم تفاوت‌هایی دارند که به مباحث تخصصی‌تر مربوط می‌شوند.

جاذبه‌های توریستی در ایران و بطریق اولی در استان محرومی چون کردستان منحصر به جاذبه‌های طبیعی و زیارتی بوده و از جاذبه‌های مصنوعی و ساخته دست بشر نظیر برجها، پلها، تونلها و یا مراکز صنعتی پیشرفته خبری نیست، لذا می‌توان این جاذبه‌ها را در گروه‌های ذیل طبقه‌بندی نمود و برای هر نوع جاذبه توریستی در کردستان نمونه‌هایی را که کشف شده و وجود دارند ذکر نمود.

۱- **جاذبه‌های زیارتی:** قرآن خطی و بسیار نفیس «نگل»، کوسه هه جیج در اورامان و بسیاری نقاط زیارتی، اماکن مذهبی و مقابر مشاهیر و شیوخ بویژه مجاهدین صدر اسلام در کردستان.

۲- **جاذبه‌های تاریخی:** تخت سلیمان، زیویه، غار کرفتو و بسیاری نقاط دیگر که

شاید بدلیل حجم کار مسئولین ذیربط بویژه سازمان میراث فرهنگی کردستان بکر و دست نخورده باقی مانده‌اند که در این زمینه‌ها می‌توان دهها نقطه را مشخص و معرفی کرد. «تحویلی جدی در ساختار و نحوه فعالیت سازمان میراث فرهنگی در کردستان راهگشای کشف آثار باستانی بیشتری خواهد شد.»

۳- جاذبه‌های تفریحی: مناطق اورامانات، بازبایی بدیع و کم نظیر و آب و هوای بسیار مناسب کوهستانی، دریاچه سد قشلاق سنندج در صورت سرمایه‌گذاری و احداث پلاژها و امکانات رفاهی بیشتر، دریاچه زریوار مریوان.

۴- جاذبه‌های درمانی: چشمه‌های آب معدنی باباگورگور در ۳۰ کیلومتری شهرستان قروه که تاکنون حتی در مورد تجزیه آب و خواص درمانی آن اقدام جدی صورت نگرفته است، ضمن آنکه منطقه مزبور از نظر تاریخی هم دارای قدمت زیادی بوده و اهالی مدعی وجود آثار باستانی در اطراف هستند.

۵- جاذبه‌های ورزشی: قله مرتفع ئاولان، چهل چشمه و ارتفاعات سلسله جبال زاگرس با طبیعتی زیبا ایجاد پیستهای اسکی و لوژ سواری در صورت سرمایه‌گذاری بخش دولتی در ارتفاعات برفگیر منطقه، ایجاد راه‌اندازی و توسعه ورزشهای آبی اعم از شنا، قایقرانی، اسکی و ماهیگیری در دریاچه‌های سد سنندج، زریوار مریوان و آبگیرهای بزرگ دیگر و ...

تذکر مهم: یک یا چند جاذبه توریستی در یک منطقه و یا یک مسیر مواصلاتی می‌تواند باعث جذب هرچه بیشتر مسافرین و بازدید کنندگان شود و خوشبختانه کردستان دارای چنین استعدادیست. بعنوان مثال آثار تاریخی و چندین هزار ساله تخت سلیمان، غار کرفتو در منطقه بسیار خوش آب و هوا و خوش منظره «کوردوئی» یا مرکز- ساتراپ ماد بزرگ بوده و نیز «قرآن نگل» در مسیر جاده بسیار زیبا و کوهستانی سنندج- مریوان و بر سر راه دریاچه منحصربه‌فرد «زریوار» قرار دارد.

کردستان با بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ مشخص و آثار باستانی، کتیبه‌ها و اماکن تاریخی، آب و هوای معتدل، مردم مهربان و خونگرم و مهمان‌نواز و مناظر طبیعی زیبا،

دریاچه‌ها، کوهساران متعدد می‌تواند و باید که به یکی از نقاط دیدنی و پرجاذبه توریستی جهان تبدیل شود. اما به این نکته توجه شود که پیش نیاز هر نوع سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای در کردستان، رفع سوء تفاهمهای ایجاد شده و تلاش برای دستیابی به یک «تفاهم ملی عمیق» است و سپس تبلیغات وسیعی که بویژه در طی سالهای اول پس از انقلاب و تا کنون در اذهان عمومی هموطنان غیرگردمان از کردستان منطقه‌ای ناامن و ناآرام و از «کرد» چهره‌ای خشن و جنگجو ترسیم نموده، باید جای خود را به تبلیغات دامنهدار و پیگیری در مورد واقعیتهای موجود بدهد بگونه‌ای که مردم ایران عمیقاً بخود بقبولانند که کرد قومی است با فرهنگ و مهربان و باسابقه‌ای طولانی در تاریخ و تمدن جهان بشری.

کرد ایرانی تبار و کردستان خواستگاه واقعی و اولیه نژاد آریا و مردم ایران زمین است. مسلماً دیدن پایگاههای نظامی متعدد و بازرسیهای سخت و مکرر از مسافری در مبادی و راههای ورودی به استان کردستان و سایر مناطق گردنشین در ذهن هموطن عزیزی که به هر دلیل به کردستان آمده، اثری از ناامنی منطقه و عدم آرامش عمومی برجای نهاده و تداوم این وضع با توسعه توریسم در منافات است. شاید بتوان بگونه‌ای بهتر ضمن کنترل مرز و تردد در مناطق مرزی کشور، چهره امن و ملایمی به کردستان و ساکنین آن بخشید و باعث جذب هرچه بیشتر هم میهنان عزیز و سایر بازدیدکنندگان به استان شد و کلام آخر آنکه آغوش کرد برای پذیرش میهمان باز و بر سفره‌های فقیرانه خود با تکه نانی از رنج بازوان، آبی از چشمه مهر و صفا و شقایقی به علامت دوستی پذیرای آنانیم.

و اینک ضمن برشمردن برخی از جاذبه‌های توریستی شناخته شده در استان، پیشنهادهایی را که شاید عمل کردن به آنها بتواند در توسعه توریسم و در عین حال توسعه اقتصادی و نیز توسعه فرهنگی از طریق تبادل فرهنگی بازدیدکنندگان و ساکنین مناطق مورد بازدید مؤثر واقع شود، باستحضار می‌رساند. با این امید که در صورت امکان مورد توجه قرار گیرد.

الف - جاذبه‌های تاریخی:

۱- تخت سلیمان واقع در شمال استان کردستان و از نظر نقشه جغرافیایی جزو استان آذربایجانغربی است اما این منطقه بسیار مهم تاریخی در مسیر و فاصله ۶۰ کیلومتری غار طبیعی «کرفتو» و آثار باستانی ساخته دست بشر و مقابر متعدد پیش از اسلام موجود در این ناحیه بوده و برای اتصال این جاذبه‌های قوی به یکدیگر می‌توان از مسیر سه‌راهی دیواندره - سقز - تکاب جاده شوسه موجود را آسفالت کرد که خوشبختانه بنظر می‌رسد، اینکار توسط جهادسازندگی در دست اقدام است. اما از مسیر دیگری از طریق دو راهی سقز - صاحب با آسفالت جاده شوسه موجود بطول ۳۵ کیلومتر از پل روستای یاپشخان تا روستای میرسید می‌توان به غار کرفتو رسید، این مسیر از جاذبه‌های طبیعی و مناظر زیبا برخوردار بوده و از نزدیکی سد شهید کاظمی سقز، بوکان می‌گذرد. ضمناً با تپه باستانی «زیویه» که هم اکنون در دست اکتشاف و حفاری است هم مسیر بوده و بازدیدکننده می‌تواند با عبور از یک مسیر از جاذبه‌های تاریخی متعدد دیدن نماید، در فاصله ۵ کیلومتری این تپه روستاهای قدیمی «یورتقل» که شاید مُعَرَّب «هرقل» یا هراکلیوس یونانی و نیز سولوکان که می‌تواند تحریف شده «سلوکوس» باشد و کتیبه‌ای با خط یونانی قرار دارد که همگی نشانی از لشکرکشی اسکندر مقدونی به ایران و عبور او از این منطقه است.

در این مناطق کوهستانی چشمه‌های خودجوش آهکی که آب آن سرعت به آهک تبدیل می‌شود، مناظر جالبی را بوجود می‌آورند.

۲- بسیاری از روستاهای منطقه مرزی بانه و دشت زیبای «شلیر» تپه‌ها و آثار باستانی ثبت و حفاری نشده وجود دارد که جاده مریوان - بانه در صورت تکمیل و آسفالت شدن در رونق ایرانگردی در این منطقه مؤثر خواهد بود.

۳- در شمال شرقی استان کردستان شهرستان بیجار «گروس» قرار دارد که دارای آثار تاریخی فراوانی دارد از جمله: «ینکی اَرخ» و «اشقون بابا» واقع در حدود ۶۰ کیلومتری جاده بیجار - زنجان متعلق به دوره سلجوقیان. اکثر این مسیر آسفالت و از حسن آباد

یاسوکند تا محل برجها چند کیلومتر خاکی است.

۴- دژ معروف و تاریخی «قم چقای» در ۴۵ کیلومتری شمال غربی بیجار که بطور کلی فاقد جاده مناسب و امکانات رفاهی بوده و برخی از صاحب نظران آنرا متعلق به دوره ساسانیان دانسته و بعضی دیگر این دژ را یکی از قلعه های اسماعیلیان می دانند.

۵- حمام قدیمی قصلان در ۱۵ کیلومتری شهرستان قروه.

۶- ابنیه تاریخی واقع در شهرستان سنندج و اطراف که معروفترین آنها عبارتند از:

- مسجد جامع سنندج بنام «دارالاحسان» با قدمت و معماری ۲۰۰ ساله.

عمارت خسروآباد با معماری، آب نما و سبک ساختمانی زیبا متعلق به بیش از ۲۰۰ سال پیش، عمارت وکیل مربوط به دوره زندیه و بالاخره قلعه حسن آباد که بعنوان مقر حکومت کردستان، اردلان در دوران صفویه توسط «هه لوخان» حاکم مقتدر گرد ساخته شد و ویرانه های آن در ۵ کیلومتری سنندج موجود است.

۷- در جنوب استان کردستان و در منطقه بسیار زیبا و خوش منظره «اورامانات» و در روستای «تنگیور» کتیبه ای به خط میخی از نوع نامشخص وجود دارد که دارای جاده شوسه روستایی بوده و از جاده اصلی کامیاران - مریوان که فعلاً در حال احداث و آسفالت است، فاصله کوتاهی دارد. این محل فاقد هر نوع وسیله رفاهی برای بازدید کنندگان آینده بوده و در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی کامیاران واقع است، آخرین تحقیقات نشان می دهد که این کتیبه بوسیله «سارگن دوم» پادشاه آشور در قرون ۸ و ۹ قبل از میلاد به یادگار حمله به این سرزمین و پیروزی بر آن بر سینه کوه نقر گردیده است. این کتیبه و روستای مربوطه در مسیر و معبر کوهستانی مهمی بنام «تنگ زینانه» قرار دارد که در سده های اخیر و دوران اسلامی به دلیل اهمیت نظامی قلعه ها و دژهایی برفراز قلعه های آن ساخته شده که مهمترین آنها «قلعه پلنگان» نام دارد که توسط «هه لوخان» ساخته شده است.

۸- در منطقه جنوبی استان کردستان یعنی شهرستان کامیاران و بخشهای توبره ریز، آهنگران، گازرخانی، مروارید و ... تپه ها و آثار تاریخی فراوانی وجود دارد که اکثراً ثبت

نشده و مورد کاوش دقیق قرار نگرفته است که می‌توان وجود این آثار را از سازمان میراث فرهنگی کردستان استعلام نمود.

ب - جاذبه‌های زیارتی استان:

۱ - علاوه بر قبور مشایخ و اهل طریقت، مسجد دومناره سقز با معماری دوران افشاریه - زندیه.

۲ - در روستای آرنندان واقع در ۵ کیلومتری سنندج قبور تعدادی از مجاهدین صدر اسلام قرار دارد که بنام «مراد انصاری» معروف و در گویش محلی «مراساری» خوانده می‌شود.

۳ - قرآن نفیس و بسیار قدیمی «نگل» واقع در روستایی به همین نام که روی پوست آهو با خط کوفی نوشته شده و مورد احترام اهالی است.

پ - جاذبه‌های ورزشی - تفریحی:

۱ - دریاچه‌های سد قشلاق و نیز زیروار مریوان با کمی برنامه‌ریزی و صرف بودجه و احداث اطافکها و پلاژهای خانوادگی و سرویسهای بهداشتی و غذاخوری بیش از حد می‌تواند پذیرای خانواده‌های توریست باشد، ضمن آنکه حوضچه‌های مصنوعی سد سنندج برای پرورش ماهی و نیز موقعیت ساحلی آن برای راه‌اندازی ورزشهای آبی از قبیل: شنا، قایقرانی مسابقه‌ای و تفریحی، اسکی روی آب و ماهیگیری در ایران کم نظیر است، نزدیکی به جاده اصلی و اقدامات انجام شده فعلی یکی دیگر از مزایای این آبگیرهاست.

۲ - اکثر ارتفاعات نزدیک سنندج - سقز و بیجار بدلیل وجود یک قشر ضخیم خاک روی سنگها و برفگیر بودن برای احداث پیستهای اسکی، لوژ سواری و ورزشهای زمستانی بسیار مناسبند که متأسفانه تاکنون در استان سردسیری مثل کردستان ورزش اسکی متولد نشده است.

۳ - وجود قله کوههای مرتفع و خوش منظره و مصفای «ئاوالان»، «چهل چشمه» و

دیگر قلل سلسله جبال زاگرس با کمی امکانات و ایجاد پناهگاههای کوهستانی و تربیت راهنما، مستعد پذیرش کوهنوردان ورزیده می باشد.

ج - جاذبه های درمانی:

۱ - وجود چشمه های آب معدنی «باباگورگور» واقع در ۳۵ کیلومتری شهرستان قروه در شرق استان کردستان و وجود آثار باستانی در همان حول و حوش که متأسفانه تاکنون درمورد تجزیه آب و خواص درمانی آن هیچ اقدامی صورت نگرفته، شاید بتواند «سرعین» دیگری در ایران باشد. آسفالت این جاده و احداث امکانات رفاهی و پذیرایی از مسافرین راهگشا خواهد بود، ضمن آنکه منطقه قروه - سریش آباد و قصلان دارای عظیم ترین معادن سنگهای تزئینی از قبیل مرمر، چینی، کریستال و مرمریت و پوکه های معدنی بوده و بازدید از معادن و نحوه فعالیت معدنی خود می تواند جاذبه دیگری باشد.

۲ - وجود چشمه های آب معدنی در «ظفرآباد» دیواندره و نیز «دربند عزیز» کامیاران جای تحقیق و بررسی دارد.

چ - جاذبه های طبیعی و سیاحتی:

تمامی منطقه کردستان دارای آب و هوا و مناظر طبیعی زیباییست. نحوه زندگی مردم «اورامانات» خانه هایی با معماری مخصوص به سبک ماسوله.

تلاش و کوشش مردم روستایی کوه نشین، صفا و صمیمیت فراوان و مهمان نوازی کم نظیر همه و همه می تواند با رعایت پیش شرط گفته شده یعنی زدودن سوء تفاهمها و ایجاد عشق و عاطفه ملی و تفاهم انسانی در تعامل فرهنگی و رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی گردد و هم وطن غیرگردد مؤثر باشد و این آرزوئیت که با سعه صدر مسئولین و تبلیغاتی پیگیر و منطقی از «آنچه که هست» نه «آنچه که نبوده و نیست» برآورده خواهد شد.

انشاء الله.

روستا بعنوان کانون توریسم در کردستان

تأثیر توریسم و توسعه روستایی

خالد توکلی

طرح مسأله:

امروزه بسیاری از کشورها به صنعت توریسم بعنوان یک منبع درآمد مطمئن و قابل اعتماد می‌نگرند و به اهمیت فوق‌العاده آن در ایجاد درآمد ارزی پی برده‌اند، در حال حاضر کشورهای زیادی در سطح جهان وجود دارد که یا تنها منبع درآمدشان توریسم است و یا یکی از منابع اصلی در آمد آنها را صنعت توریسم تشکیل می‌دهد، کشورهایی مانند ایتالیا، فرانسه، تایلند، تونس، مصر، ترکیه، باهاما و یونان مهمترین منبع درآمد آنها جهانگردی می‌باشد. «هرساله در سطح کره زمین ۱/۷ میلیارد جابجایی جهانگردی صورت می‌گیرد که نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار برای جهانگردان هزینه دارد.»^(۱)

مسئولین امر در ایران به تازگی دریافته‌اند که باید به صنعت توریسم بمثابه یک صنعت درآمدزا انتقال زا و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه بنگرند، لذا در سالهای اخیر سعی شده است که به صنعت توریسم رونق و رواج بیشتری داده شود، که در این راه کارهای مثبتی انجام گرفته است و تا حدودی سهم ایران را در جذب توریسم افزایش

داده است.

استان کردستان که دارای مجموعه متنوعی از جاذبه‌های توریستی است می‌تواند بعنوان یکی از قطبهای توریستی مهم کشور مطرح شود، جاذبه‌های طبیعی مانند غارهای دیدنی، مناظر دل‌انگیز و جالب، آب و هوای مطبوع و خنک در فصل تابستان و بهار، آثار باستانی متعدد و قدیمی مانند غار کرفتو، زیویه، مسجد جامع سنندج و ... و صنایع دستی متنوع می‌تواند تعدادی از جهانگردان و ایرانگردان را به کردستان جذب کند ولی با وجود این جاذبه‌های جهانگردی تا بحال نتوانسته است که در این زمینه موفقیتی داشته باشد، لذا امید است با برنامه‌ریزی مناسب و آینده نگری این استان بتواند جایگاه بر حق خویش را بیابد و از صنعت توریسم در راه رفع مشکلات متعدد خود بهره‌بردار، در این نوشتار سعی بر این است تا این مسأله را مطرح کنم که در استان کردستان روستاها می‌توانند نقش مهمتری را نسبت به شهرها در گسترش و رشد توریسم ایفا نمایند و توسعه توریسم در روستاها می‌تواند از نتایج مثبت قابل قبولی برخوردار باشد و همچنین این مسأله مطرح می‌گردد که در صورت بی‌توجهی و غفلت از روستاها نتیجه‌ای که از توریسم نصیب ما خواهد شد غیر از آنست که مورد انتظار است و به بیکاری، مهاجرت از روستا به شهر و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود که با اهداف توریسم ناهماهنگی و ناهمخوانی دارد.

توریسم و اهداف آن، قبل از هر چیز باید موضوع بحث مشخص و تعریف گردد که توریسم چیست؟ و توریست کیست؟

جهانگردان و توریست‌ها را می‌توان به دو دسته «داخلی» و «خارجی» تقسیم کرد:

۱ - جهانگرد خارجی عمدتاً به کسی گفته می‌شود که از کشور محل سکونت دائمی خویش حداقل به مدت ۲۴ ساعت به کشور دیگری مسافرت نماید و هدف از این مسافرت می‌تواند معالجه، مطالعه، ورزش، تفریح، زیارت، تحقیق و ... باشد. کمیته متخصصین آمار جامعه ملل جهانگرد خارجی را کسی می‌داند که کشور محل سکونت دائمی خود را حداقل به مدت ۲۴ ساعت ترک نماید و در یک کشور دیگر رحل اقامت

بیفکند. (۲)

۲- جهانگرد داخلی به کسانی اطلاق می‌شود که از محل اقامت خود حداقل ۵۰ مایل دور شود و برای اهدافی از قبیل امور کاری، تفریح، امور شخصی یا استراحت در محلی اقامت گزینند. مدت اقامت او می‌تواند کمتر از یک شب یا بیشتر باشد. سفرهای بین محل کار و محل سکونت در این تعریف قرار نمی‌گیرد.

بطور کلی در تعریف جهانگرد می‌توان گفت که جهانگرد به کسی گفته می‌شود که بمنظور تفریح، ورزش، معالجه، مطالعه، تحقیق، زیارت، استراحت و دیدار از دوستان و آشنایان محل سکونت دائمی خویش را ترک می‌گوید و برای مدتی که از یک شبانه‌روز بیشتر است در جایی دیگر که حداقل ۵۰ مایل از محل اقامتش دور باشد سکنی گزیند.

از نظر جامعه‌شناسی توریسم و جهانگردی بعنوان یک پدیده اجتماعی- فرهنگی در روابط بین جوامع و فرهنگها اثرات عمیقی بر جامعه و مردمان آن بجا می‌گذارد و منشأ تغییر و تحولات و الگو برداریهای گوناگونی می‌شود.

بعد از تعریف جهانگرد و جهانگردی به برشمردن اثرات اقتصادی و فرهنگی توریسم می‌پردازم، این اثرات عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از خروج ارز از کشور.
- ۲- کشش ارز از خارج.
- ۳- افزایش نرخ انتقال.
- ۴- تبادل فرهنگی و در نتیجه ارتقاء سطح فرهنگها.
- ۵- افزایش صادرات.
- ۶- صنعت توریسم بعنوان درآمد ملی.

با توجه به اثرات فوق می‌توان گفت که صنعت توریسم با برنامه‌ریزی دقیق و مشخص می‌تواند رشد اقتصادی را تأمین کند اما تا چه حد می‌تواند به توسعه اجتماعی منجر گردد در اینمورد تردید وجود دارد لذا مستلزم برنامه‌ریزی و تأمل بیشتری است. در اینجا لازم است که به تعریف و یقین حدود توسعه اقتصادی- اجتماعی نیز پردازم تا بعد



از حاصل از آن اصل موضوع را مورد بررسی قرار دهم. برای توسعه ویژگیهایی بدین شرح برشمرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.
 - ۲- مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشد که از آن متضرر می‌شوند.
 - ۳- توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی شان یا نیازهای ضروری زندگی شان مطمئن سازد.
 - ۶- توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
 - ۷- توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست طبیعی گردد.
- با توجه به مطالب بالا می‌خواهم به تشریح و توضیح این مسأله بپردازم که چرا و چگونه روستاها می‌توانند نقش مؤثرتری از شهرها در صنعت توریسم ایفا کنند. دلایلی در این زمینه ارائه می‌شود که در دو مقوله «روستا و توریسم» و «روستا و توسعه» مطرح می‌گردد.

الف) روستا و توریسم:

جاذبه‌های توریستی روستاها در کردستان بیشتر از جاذبه‌های توریستی شهری می‌باشد لذا می‌تواند در زمینه جذب جهانگردان بسیار مؤثر واقع گردد، روستاها جاذبه‌های گوناگونی دارند که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱- جاذبه‌های طبیعی:

یکی از عوامل عمده و مؤثر در جذب توریسم به یک منطقه، آب و هوای آن منطقه می‌باشد. جهانگردان برحسب فصول مختلف به نواحی متفاوتی مسافرت می‌کنند. کردستان که از نظر آب و هوایی جزء مناطق خنک ایران محسوب می‌گردد، می‌تواند در فصل بهار و تابستان برای مسافران داخلی و خارجی جذابیت خاصی داشته باشد. از دیگر جاذبه‌های طبیعی کردستان بخصوص در مناطق روستایی می‌توان از غارها، چشم‌اندازها در مناظر جالب و دیدنی در مناطق کوهستانی مریوان، بانه و سقز،

دریاچه زریوار که از زیباترین و طبیعی‌ترین دریاچه‌های جهان می‌باشد، جنگلها و ساختار جغرافیایی و زمین‌شناسی و کوههای سر به فلک کشیده نام برد که این پدیده‌ها و مناظر دیدنی و جذاب اکثراً و عمدتاً در روستاها قرار دارند.

۲- جاذبه‌های تاریخی و آثار باستانی:

در کردستان آثار باستانی مختلفی را می‌توان در روستاها یافت، غار کرفتو و گنجینه زیویه در نزدیکی سقز، قرآن معروف نگل و مولان آباد و ... همگی در روستاها واقع شده‌اند. این آثار باستانی غیر از آثاری است که یا به آنها توجهی نمی‌شود و مورد غفلت واقع می‌گردند یا در جهت کشف آنها تلاشی صورت نمی‌گیرد.

اخیراً در منطقه سارال دیواندره مردم گورستانی را یافته‌اند که عده‌ای از متخصصین می‌گفتند این آثار و گور به احتمال قوی به دوران مهرپرستی تعلق دارد که تا بحال هیچگونه پژوهشی در این مورد انجام نگرفته است و مردم هم با تراکتور و بیل به جان آن افتاده‌اند. این آثار می‌تواند باستانشناسان و پژوهشگران مختلفی را بخود جلب کند در صورتیکه با استفاده از رسانه‌های عمومی به تبلیغ و معرفی این مناطق همت بگمارند.

روستاها و کردستان مملو از آثار باستانی و مناطق قدیمی است و در اکثر خانه‌های روستایی می‌توان سکه‌های قدیمی، ابزارآلات کهنه و مربوط به قرنهای پیشین را مشاهده نمود که برای ارج نهادن به تاریخ این مردم و حفظ میراث‌های فرهنگی لازم است که مسئولین و دست‌اندرکاران نسبت به جمع‌آوری این اشیاء اقدامات لازم را انجام دهند وگرنه سوداگران و سوء استفاده‌کنندگان همچنان به تاراج سرمایه‌های ملی، باگستاخی هر چه تمامتر ادامه می‌دهند. غارت گنجینه زیویه بهترین نمونه در اینمورد است که خسارت جبران ناپذیری بر تاریخ این مرز و بوم وارد کرده است.

۳- صنایع دستی:

اکثر جهانگردان و توریستها بهنگام مراجعت به محل سکونت دائمی خویش از صنایع دستی یا آثار مربوط به کشور مورد بازدید هدایایی می‌خرند و به شهر و دیار خود می‌برند. صنایع دستی از جنبه‌های مختلفی می‌تواند به وضعیت اجتماعی - اقتصادی

منطقه کمک نمایند.

الف) صنایع دستی یک پدیده اشتغال‌زا است و در نتیجه سطح درآمد خانوار را بالا می‌برد و از آنجائیکه بیشتر کسانی که در اینمورد مشغول می‌باشند زن هستند تا حد بسیار زیادی می‌تواند به رفاه و توسعه جامعه کمک نماید.

طبق بررسیهای انجام شده، رقم کل تولیدکنندگان صنایع دستی کشور که بیشتر شامل زنان خانه‌دار می‌باشد در حدود ۵ میلیون نفر برآورد شده است که بیش از ۲/۵ میلیون نفر آنها با استفاده از یک میلیون دارقالی در حدود ۱۵۰ هزار کارگاه قالیبافی بصورت مستقیم فعالیت دارند.^(۷)

ب) صنایع دستی یک امر درآمدزا است، بخش عمده‌ای از هزینه‌های جهانگردان صرف خرید صنایع دستی و سوغاتیهای محل مورد بازدید می‌گردد. همچنین آمار و ارقام متعدد نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین تعداد جهانگردان و درآمد حاصل از آن در کشورهای عمده تولیدکننده صنایع دستی وجود دارد.^(۸)

ج) صنایع دستی آئینه‌ای است که اگر دقیق به آن بنگریم می‌توان دردها، رنجها، شادیه‌ها، خوشیه‌ها، آداب و رسوم، هنر و ذوق پیشینیان را در آن دید. «به اختصار می‌توان گفت که صنعت دستی هر قوم، گوشه‌ای از هویت یک قوم را در گذشته تاریخی‌اش بیان می‌کند و حضورش در دوران معاصر حلقه واسطه و رابط بین حدیث گذشته و هویت کنونی این قوم و عرضه هویت گذشته قوم و یا تاریخ وی به اقوام دیگر است.»^(۹)

در کردستان چه در شهرها و چه در روستاها صنایع دستی فراوانی وجود دارد اما آنچه روستاها را از شهرها متمایز می‌سازد این است که صنایع دستی روستاها حالت سنتی و اصالت خویش را بیشتر حفظ نموده است لذا برای جهانگردان می‌تواند جالب و جذاب باشد.

۴- فرهنگ و ویژه زندگی:

اصولاً یکی از اهداف جهانگردان ارضای حس کنجکاوی و دیدن مناطق ناشناخته می‌باشد. روستاهای کردستان از این لحاظ که از نظر فرهنگی بکر و دست

نخورده باقی مانده‌اند و در ضمن تحقیقات علمی محدودی نیز در مورد آنها انجام یافته است، لذا پژوهشگران رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی در صورت وجود امکانات تمایل زیادی از خود نشان خواهند داد تا از این مناطق دیدن بعمل آورند.

این گروه از جهانگردان هم می‌توانند فرهنگ منطقه را به سایر نقاط جهان معرفی نمایند و در نتیجه بنوعی تبلیغ و ترویج برای بازدید از روستاها و از سوی دیگر به ارتقاء سطح فرهنگ عامه مردم نیز کمک کنند.

۵- فرار از ماشین و دنیای پراضطراب:

هدف بعضی از جهانگردان جدای از اکثریت جهانگردان می‌باشد. عمدتاً توریست‌ها بمنظور تفریح، تجارت، زیارت و ... به مسافرت دست می‌زنند ولی اکنون یک نوع از جهانگردی همزمان با گسترش ماشینیسیم و درد و سر و صدا رواج یافته است که این جهانگردان بدنبال مناطق آرام و دل‌انگیزی هستند تا بتوانند لحظاتی از زندگیشان را دور از درد و آسودگی و دلهره و با خیال راحت سپری کنند که روستاهای کردستان و مناظر دلربا و شورانگیز آن می‌تواند موجبات راحتی جهانگردان را از این لحاظ تأمین نماید و این رانده‌شدگان را چون مادری مهربان در آغوش گیرد و به آنها آرامش و آسایش ببخشد.

۶- روستاها در زمینه جذب مسافرت‌های دورن استانی، می‌توانند نقش عمده‌ای را داشته باشند:

لذا ایجاد قطبهای توریستی و مسافرتی در روستاهای دیدنی، عمده بسیاری از مردم استان را بخود جلب می‌کند.

آنچه تا بحال بر شمردیم جاذبه‌های توریستی روستاها بود اما توریسم بر روستاها چه تأثیری دارد؟

در اینجا به تأثیرات توریسم و نقش آن در توسعه روستا می‌پردازیم.

الف - افزایش نرخ انتقال:

کردستان از نظر نرخ اشتغال از جمله استانهای ایران است که کمترین میزان اشتغال را دارد. بعبارت دیگر میزان بیکاری در سطح بالایی قرار دارد. کارشناسان و متخصصین توریسم معتقدند که صنعت توریسم از مهمترین پدیده‌ها و عواملی است که می‌تواند موجبات بالا رفتن سطح اشتغال را فراهم نماید.

صنعت توریسم اگر در شهرها گسترش یابد چون موجب ایجاد مشاغل جدید می‌گردد طبق مدل «تودارو» بجای اینکه در کل جامعه تأثیر مثبت داشته باشد بعلت مهاجرت روستائیان به شهرها تأثیر مثبت خنثی می‌شود و حتی ممکن است به تأثیر منفی مبدل گردد. در اینجا لازم است بطور اجمالی نظریه مهاجرت تودارو مورد بررسی قرار گیرد.

مدل مهاجرت تودارو چهار خصوصیت زیر را دارا می‌باشد:

۱ - انگیزه مهاجرت اساساً ملاحظات عقلانی - اقتصادی سود و هزینه نسبی است و هرچند که عمدتاً مالی است اما در ضمن روانی نیز می‌باشد.

۲ - تصمیم به مهاجرت بستگی به تفاوت‌های «مورد انتظار» بین مزدهای واقعی در شهر و روستا دارد که تفاوت‌های واقعی بین آنها تفاوت‌های «مورد انتظار» به وسیله تنش متقابل در متغیر یعنی تفاوت‌های واقعی بین مزدهای شهری و روستایی و احتمال کسب موفقیت آمیز شغل در بخش شهری تعیین می‌شود.

۳ - احتمال بدست آوردن شغل در شهر ارتباط معکوس با نرخ بیکاری شهری دارد.

۴ - در صورت وجود اختلاف بسیار در درآمدهای مورد انتظار بین شهر و روستا وجود نرخهای مهاجرت مازاد بر نرخهای رشد امکانات انتقال شهری نه تنها ممکن بلکه منطقی و حتی محتمل است.

تودارو پیش بینی می‌کند که چون سطح مزدها عموماً در شهرها بالاتر از روستاهاست

«لذا هر شغل جدیدی که در شهر ایجاد می شود ممکن است موجب شود که ۳ یا ۴ نفر متقاضی شغل جدید از مناطق روستایی به مناطق شهری مهاجرت کند»^(۱۱) همانطور که می دانیم مهاجرت روزافزون و فزاینده روستائیان به شهرها عامل عمده و اصلی بسیاری مشکلات و مسائل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان کردستان است.

می توان نتیجه گیری کرد که اگر گسترش و رشد توریسم موجب ایجاد مشاغل جدیدی در سطح شهرها شود به احتمال قوی ۳ یا ۴ برابر مشاغل، افرادی از روستاها به شهرها مهاجرت کنند در نتیجه نه تنها توریسم اثرات مثبتی به بار نمی آورد بلکه بر مشکلات می افزاید.

اینجا ما دو راه پیش رو داریم یا بطور همزمان صنعت توریسم هم در شهرها و هم در روستا رونق و گسترش پیدا کند یا اینکه مشاغل روستایی را در سطح وسیعی ایجاد کرد تا سطح درآمد و اشتغال روستائیان بالا رود و تفاوت های «مورد انتظار» درآمدها نیز کاهش یابد.

ب) کاهش میزان نابرابریهای اجتماعی

واولی سیرز، از متخصصین اقتصاد توسعه می گوید که برای بررسی توسعه یافتگی یا توسعه یافتگی یک کشور باید سه سوال مطرح نمود اینکه فقر چه تغییری کرده است؟ بیکاری چه تغییری کرده است؟ و نابرابری چه تغییری کرده است؟^(۱۲)

گسترش توریسم در شهرها	افزایش سطح اشتغال و درآمد در شهرها
مهاجرت روستائیان به شهرها	خالی شدن روستاها از نیروی کار

افزایش نابرابریهای اجتماعی بین شهر و روستا

گسترش توریسم در شهر

برنامه ریزی جهت بالا بردن سطح اشتغال

مهاجرت روستائیان به شهر

افزایش بیکاری در شهر

به نظر من برای رسیدن به یک توسعه همه جانبه نه تنها در امر صنعت توریسم باید به

روستاها توجه شود، بلکه در کلیه زمینه‌ها باید روستاها محور برنامه ریزی قرار گیرند.

والسلام

منابع:

- ۱ - خالدي، شهريار - کاربرد آب و هوا در توسعه جهانگردی در ايران - جهانگردی و توسعه صفحه ۲۵.
- ۲ - الوانی، مهدی - سازماندهی جهانگردی با نگرش نظام گرا - جهانگردی و توسعه صفحه ۱۱۵.
- ۳ - همان صفحه ۱۱۷.
- ۴ - همان صفحه ۱۱۹.
- ۵ - پدريان، مرتضی - اثرات اقتصادی - فرهنگی توریسم - ویژه نامه سمینار اصفهان و جاذبه های ایرانگردی و جهانگردی - اصفهان خرداد ۷۴ - صفحه ۶۵.
- ۶ - دیاس - هیران دی - در ستاد برنامه ریزی توسعه روستایی، ناشر وزارت جهاد سازندگی - چاپ اول ۱۳۶۸ صفحه ۱۹.
- ۷ - شیخ الاسلامی، حسین - تأثیر متقابل صنعت توریسم و صنایع دستی - جهانگردی و توسعه - صفحه ۶۵.
- ۸ - همان صفحه ۵۹.
- ۹ - همان صفحه ۶۲.
- ۱۰ - تودارو، مایکل - توسعه اقتصادی در جهان سوم - ترجمه فرجادی غلامعلی - چاپ پنجم صفحه ۳۹۶.
- ۱۱ - همان صفحه ۳۶۰.
- ۱۲ - همان صفحه ۱۳۴.
- ۱۳ - شاریه، ژان برنار - شهرها و روستاها - ترجمه آقای سیروس - نشر نیکا - چاپ اول ۱۳۷۳ صفحه ۲۸۱.

زمینه‌های اقتصادی کردستان و نقش آن در جاذبه‌های سیاحتی استان (جایگاه جهانگردی استان)

نامیق صفی‌زاده (بوره‌ک‌یی)

﴿به نام یزدان پاک﴾

دیباچه

در کلیه‌ی مناطق روستایی و عشایری کشور پهناور ایران، بنا بر شرایط خاص جغرافیایی و ذوق و سلیقه‌ی خاص مردم هر منطقه، انواعی از هنرهای دستی، بین مردان و زنان روستایی رواج دارد؛ که در عین اینکه، جلوه‌ی زیبایی از روحیات لطیف آنهاست، به عنوان شغل فرعی نیز، در کنار مشاغل اصلی رایج در روستا، یا عشیره، مطرح است. نقش صنایع دستی در زندگی روستائیان و اقتصاد آنان، حائز اهمیت است، چرا که برخی هنگام، برای کسب درآمد، به این کار پرداخته می‌شود.

اصولاً صنایع دستی هر منطقه، ارتباط مستقیمی با مواد اولیه‌ای دارد که به راحتی و با بهای ارزان و حتی به رایگان، به دست صنعتگر و هنرمند روستایی می‌رسد. معمولاً مواد اولیه‌ی صنایع بومی هر منطقه، از تولیدات کشاورزی یا دامی همان منطقه می‌باشد. به عنوان نمونه، در مناطق جنگلی کشور: صنایع چوبی، در مناطق پر آب و

باتلاقی (که نیزار وجود دارد) صنایعی مانند حصیربافی یا سبذبافی، و یا در مناطق کوهستانی و عشایری، که دامداری دارند، صنایع ریسندگی و بافندگی، رواج کاملی دارد. هنر دستی و بومی یک دامدار، که از رسیدن پشم گوسفندان خود، مواد اولیه‌ی مورد نیازش را تولید می‌نماید، بطورکلی این امتیاز را نسبت به صنایع دارد که همواره خودکفا عمل کرده و تولید می‌نماید.

صنایع دستی، میراث ملی هزاران ساله و حاصل زحمات و تجربیات اجداد ما می‌باشد که سینه به سینه برای ما به ودیعه گذاشته‌اند و این رشد و شکوفایی چند هزار ساله، موجب شده است تا کلیه‌ی تکنیک‌ها و روش‌های فنی و ذوقی هنرهای دستی، در انحصار ابداع کنندگان آن قرار گرفته و در دنیای تبلیغات و تقلیدها و رقابتهای تجاری، غیرقابل رقابت باشد. نکات فوق، به روشنی و وضوح در وضعیت فرش کشور، به ویژه فرش گُردستان، برای همگان ملموس و قابل رؤیت می‌باشد. قالیبافان و استادان قالیباف ما، در سطح دنیا در درجه‌ی اول تخصص و هنر بوده و فاصله‌ی کیفی زیادی را با سایر ممالک دارا هستند. با این توضیح، در اینجا پیش از همه به این هنر اصیل و جهانی می‌پردازیم.

۱- هنر فرش بافی:

هنر فرش بافی، یک هنر کاملاً ملی و مردمی، با سابقه‌ی تاریخی بسیار کهن ما است. قدیمی‌ترین قالی‌پُرزدار جهان، که در جنوب روسیه، در منطقه‌ی پازیر کشف شده است و هم اکنون در موزه‌ی آرمیتاژ قرار دارد، به گفته‌ی صاحب‌نظران، فرش‌ی ایرانی است، زیرا نقوش بکار رفته در این قالی، درست همانند نقوشی است که در سنگ نگاشته‌های تخت جمشید، در زمان هخامنشیان به کار رفته است. دانشمندان باستان شناس، قدمت این فرش ایرانی را تا پانصد سال پیش از میلاد تخمین زده‌اند.

گفتیم که هنرهای دستی مردم، در هر منطقه از کشور، ویژگی‌های مخصوص به خود را داراست. صنایع دستی گُردستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. خصوصیات

اصیل مردم گرد، که در شیوه‌ی زندگی و منش و نیز تولید و مصرف ایشان تأثیر به سزایی دارد، بر هنرهای دستی گردستان نیز مؤثر واقع شده است.

برای مثال همگان می‌دانیم که انتخاب پارچه‌هایی با گل‌های ریز و درشت و رنگارنگ، که نمودی از زیبایی‌های خاص طبیعت با صفا و سرسبز گردستان است، برای البسه‌ی زنانه‌ی گردی، چقدر رایج و صاحب شمول است. پس می‌توان گفت همانطور که زندگی در متن طبیعت چنین تأثیری بر سلیقه و انتخاب مردم، در تهیه‌ی لباس دارد، همانگونه هم بر انتخاب نقش و نقوش زیبا و دلکش برای فرش و قالی تأثیر می‌گذارد.

قالی گردستان مجموعه‌ای از تمام زیبایی‌های خلقت خداوندی در دامنه‌ی کوه‌های سر بفلک کشیده و دره‌های سبز و مصفا یا نهرهای جاری و خروشان است.

زنان قالیباف گرد، غالباً بنا بر ذوق سرشار خود، بدون هیچگونه نقشه‌ی مدونی، تنها از حافظه‌ی خود مدد گرفته و از طرحهای حفظ شده و سلیقه‌ی شخصی به هنگام بافتن قالی، حداکثر کمک را می‌گیرند. همین ویژگی خاص، نقشه‌های ابداعی و نیز کیفیت مرغوب پشم و مواد اولیه و همچنین استفاده از رنگهای گیاهی، موقعیت و جایگاه خاصی برای فرش مناطق گردنشین ایران، در بازار جهانی فرش ایجاد کرده است که می‌توان با مختصری اصلاحات لازم، این فرش را به مرور زمان غیر قابل رقابت گردانید.

۱- ۱ نقشه‌های اصلی قالیبافان گردستان:

الف- ۱- ۱- قالی با نقشه‌ی ماهی: در این نقشه، ماهی به طرحی اتلاق می‌شود که شکل یک ماهی خمیده می‌باشد. اکثراً محیط داخلی این طرح، نسبت به محیط بیرونی آن تفاوت رنگ دارد و این خود شاید تمثیلی از رنگ شکم ماهی است که روشنتر از قسمت پشت آن می‌باشد. هر چند این طرح در فرش سایر مناطق کشور هم بصورت محدود و جزئی، از طرح نقشه‌ی کلی استفاده می‌شود؛ لیکن مشخصه‌ای که نقشه‌ی ماهی گردی دارد، استفاده‌ی مکرر و منظم در یک قسمت و یا تمامی کادر اصلی فرش می‌باشد.

این نقشه با وجود سادگی که دارد، با دخل و تصرف هنرمندانه، در کادرها و

تجزیه‌ی شکلها و تبدیل و تکثیر یک رنگ به چند رنگ نما، جلوه‌های خاصی به قالی می‌دهد تا آنجا که در نتیجه‌ی ظرافتهای فوق‌نمای فرش‌گردی که مثلاً در ۲۵ رج بافته شده است، به ۳۵ تا ۴۰ رج جلوه می‌کند. (توضیحاً اینکه تعداد گره یا رج در هفت سانتیمتر قالی نشان‌دهنده‌ی کیفیت بافت آن می‌باشد و هر چه این گره‌ها بیشتر باشد، نقش قالی بیشتر جلوه می‌کند.

ب- ۱- ۱- قالی با نقش ترمه یا بوته جقه‌ای: در اصل این طرح از کرمان به مناطق گردنشین منتقل شده و سپس ذهن خلاق و انگشتان هنرپرداز مردم با ابداعاتی که در آن کرده‌اند، آن را به صورت فعلی درآورده‌اند.

استفاده از این نقشه، به دو صورت متداول است. یکی اینکه بوته‌ها بدون فاصله و واسطه، به صورت مرتب، پشت سر هم قرار می‌گیرند و دیگر اینکه، علاوه بر بوته جقه‌های بزرگ، متن قالی به وسیله‌ی گل میرزا علی (که طرحی مخصوص کردستان است) پر می‌شود و به نقشه‌ی قالی تنوع و زیبایی خاصی می‌دهد.

غیر از طرح و نقشه‌ی خاص، مشخصه‌ی ممتاز دیگری که قالی‌گردی دارد، دوام و کیفیت پشمی است که با آن، قالی را می‌بافند. یعنی اگر اولی قابل تقلید باشد، دومی غیر قابل تقلید است. چندی پیش بعضی کشورهای صادرکننده‌ی فرش، با تقلید از طرحهای ایرانی، قالیهایی را با الیاف مصنوعی بافتند، اما بعد از چندی، خریداران فرش به کیفیت نازل کار آنها پی برده و قالی ایرانی دوباره جایگاه غیر قابل رقابت خود را باز یافت.

به جز طرح و دوام قالی موضوع کیفی دیگری که در صنعت فرش بافی مطرح است، رنگ آن می‌باشد. قالیهای ایرانی به دلیل استفاده از رنگهای سنتی گیاهی، دوام و جلای بیشتری نسبت به قالیهایی دارند که با رنگهای شیمیایی رنگ آمیزی شده‌اند و در نتیجه در مقابل شرایط جوی نامساعد، مقاوم‌ترند.

۱- الف- ۱- ۱- قالی با نقشه ماهی گروس (بیجار): این قالی با قالی‌های ماهی مشابه بافت تبریز، بیرجند و حتی سنندج تفاوت کیفی بسیاری دارد. این قالی به دلیل هنری که

در سبک خاص تنظیم ماهی‌ها، در کنار هم و ترکیب رنگها در آن به کار رفته است و همچنین استفاده از پشم و رنگ طبیعی در بافت آن، مجموعاً اثری با کیفیت بسیار بالا و بی‌نظیر در دنیا به حساب می‌آید. کارشناسان جهانی فرش و استادان هنر برآحتی این برتری فنی و هنری را تشخیص می‌دهند و در میان انواع تقلیدها، همواره بدنال بافت اصیل آن هستند. کشورهایی مانند هند، پاکستان، مصر و ترکیه سعی نموده‌اند که از نقشه و بافت این قالی تقلید کنند و در بین این کشورها، هندی‌ها در ابتدای تقلیدشان، به قدری گسترده و دقیق کار کردند که در کشورهای اروپایی، قالی بیجار ما را به نام (ایندوبیجار) یعنی (بیجار هندی) می‌نامند. اما با تمام این‌ها، به دلیل کیفیت نازل این قالی‌ها، قالی بیجار در بازار جهانی فرش بی‌رقیب است.

این قالی هم اکنون در اغلب کشورهای غربی، زینت بخش موزه‌ها و نمایشگاهها می‌باشد.

ج- ۱- ۱- قالی‌گردی با طرح لچک و ترنج: نقشه‌ی اکثر قالیهایی که در ایران و حتی در آسیا بافته می‌شود، طرح لچک و ترنج است. نقشه‌ی لچک و ترنج به این صورت است که در مرکز قالی، طرح به صورت دایره یا بیضی و حتی لوزی نقش شده که در اصطلاح به آن ترنج می‌گویند. ترنج در قالی‌های گردی، بیشتر به صورت اشکال هندسی با خطوط مستقیم (مانند لوزی و چند ضلعی و غیره) بافته می‌شود. در چهار گوشه‌ی این قالی‌ها نیز، طرحی با شکل تقریبی مثلث بافته شده که با تعویض رنگ از متن بقیه‌ی قالی جدا می‌شود. به این مثلثها نیز اصطلاحاً (لچک) گفته و مجموعاً قالی با ترکیبات فوق را (لچک و ترنج) می‌نامند. در طرح لچک و ترنج گردی، درون کادر قالی و ترنج و لچکها، به جای گل‌های مختلف و نقوش هندسی، اختصاصاً از طرح ماهی استفاده می‌شود که وجه تمایز قالی گردی، با قالی سایر نقاط می‌باشد.

۲- هنر گلیم بافی:

این زیرانداز، همراه با تاریخ، از نشیب و فرازهای گونه‌گون گذر کرده و در دل زندگی ایل‌ها و عشایر ایرانی، در زمینه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

کارشناسان فن با بررسی‌های باستان‌شناسانه، به تشابهی بین نقوش ظروف سفالین دوران هخامنشی و نقوش گلیم‌های عشایر فارس پی برده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که گلیم‌بافی در ایران، از قبل از دوران هخامنشی رواج داشته است.

مضافاً بر اینکه قدیمی‌ترین گلیم موجود در جهان، گلیمی ایرانی با نقش ملکه‌های هخامنشی می‌باشد که اینک در موزه‌های خارج از کشور نگهداری می‌شود.

از سوی دیگر با توجه به بافتی گلیم گونه که در آغاز و انتهای فرش دیده می‌شود، کارشناسان فن، قدمت گلیم ایرانی را از فرش ایرانی بیشتر دانسته‌اند.

پس با وجود دلایل فوق، عمر همزیستی گلیم با جامعه‌ی ایرانی، متجاوز از هزاران سال می‌شود. اما متأسفانه با وجود این تاریخ کهن، قدیمی‌ترین گلیم موجود در موزه‌های ایران، گلیم‌های ابریشمی زمان صفویه می‌باشد که در موزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شود و عمر آنها بیشتر از سه قرن نمی‌باشد.

۱-۲- مواد اولیه‌ی گلیم بافی: هنرمند کُرد، بنا به نوع استفاده از گلیم، مواد مصرفی را تعیین می‌نماید. مثلاً اگر کار، تجارتی باشد، از مخلوط نخ پشمی، نخ پنبه‌ای و حتی کاموا استفاده می‌کند، چرا که قادر است، با این مواد، نقوش متنوع‌تری را ایجاد کند و زحمت کمتری را نیز متحمل شود. اما اگر گلیمی را جهت استفاده‌ی شخصی خود، یا برای فردی آشنا بیافد، فقط از نخ پشمی استفاده می‌نماید. این انتخاب به دلیل دوام و استقامت بیشتر نخ پشمی می‌باشد. دقت نظر در انتخاب نخ چنان است که حتی کیفیت پشم گوسفندان شهرهای مختلف نیز برای آنان مهم می‌باشد. گلیم بافان بومی معتقدند، پشمهای کرمانشاه، مهاباد و همدان به خاطر نوع گوسفند، آب و علف و هوای آن مناطق، از استحکام و ظرافت بیشتری برخوردار است.

امروزه عموماً تارهای گلیم (نخ‌های طولی) از پنبه و پودهای گلیم (نخ‌های افقی و عرضی) از نخ پشمی بافته می‌شود.

اساتید این فن که زنان عشایر و روستاییان می‌باشند، عموماً لبه‌ی حاشیه‌ی اطراف گلیم‌ها را با موی بُز می‌بافند. زیرا به تجربه دریافته‌اند که موی بُز استحکام و

استقامت بیشتری را در مقابل نم و رطوبت دیوارهای اطراف و پاخور درهای ورودی اتاق و همچنین حمله‌ی بیدهای مزاحم دارا می‌باشد.

۲-۲- تقسیم کار گلیم بافی: در ابتدای فصل گرما، مردان ابتدا گوسفندان را شسته و بعد با وسیله‌ای به نام (چَرِه) پشم آنها را می‌چینند و تحویل زنان خانواده می‌دهند. از آن به بعد، کار روی پشم‌ها، تا ارایه‌ی گلیم به بازار، به عهده‌ی زنان خانه‌دار است و مرحله‌ی آخر، یعنی مرحله‌ی فروش نیز، به عهده‌ی مردان خانواده می‌باشد. مراحل مختلف کار، بعد از چیدن پشم‌ها عبارتند از: شستن دوباره‌ی پشم‌ها، زدن و جدا کردن آنها، رسیدن نخ، درست کردن کلاف، رنگ آمیزی کلاف‌ها، سوار کردن روی دستگاه و سرانجام بافتن گلیم، که اکثر قریب به اتفاق این کارها توسط زنان هنرمند انجام می‌گیرد.

۲-۳- طرح و رنگ گلیم‌های کُردی: ظرافت بافت و زیبایی رنگ گلیم‌های کُردی، در دنیا بی‌نظیر است. مخصوصاً گلیم‌های سنندجی از آنچنان ظرافت و دقتی برخوردارند که نمونه‌ی آنرا فقط با گلیم‌های ابریشمی عهد صفویه می‌توان مقایسه نمود. گلیم‌باف در عرصه‌ی انتخاب رنگ و نقش، بنا بر ذوق و سلیقه‌ی فردی، آزادی کاملی دارد و این طرح‌ها را گاه به صورت اشکال هندسی و گاه به صورت نمایی از گل و گیاه، حیوانات و پرندگان و محل زندگی خود انتخاب می‌کند. لذا گاه در میان صدها تخته گلیم غیرتجاری، به ندرت می‌توان چند گلیم شبیه به هم را پیدا کرد. نقوش گلیم‌های کُردی، به صورت سنتی، شامل طرح‌های ماهی، توت فرنگی، گل سرخ و میرزا علی می‌باشد. گاه زنان هنرمند، نقوشی مانند نقوش یک قالی طرح لچک و ترنج را در زمینه‌ی گلیم بکار می‌برند و درون آن را با گلهای فوق پر می‌کنند.

استادی، در گلیم بافی کُردی به جایی رسیده است که گاه در پنج سانتیمتر مربع از گلیم، پنج رنگ مختلف به کار می‌رود و قاعدتاً بایستی ده سرخ از پشت گلیم دیده شود. اما رشد فنی این هنر به نوعی است که هیچ سرخ‌خی (حتی بعد از استفاده در سالهای متمادی) نمایان نمی‌شود. حتی از گلیم می‌توان به صورت فرش دو رویه استفاده کرد و

هیچ تفاوتی از نظر پشت و روی گلیم، برای مصرف کننده، قابل تشخیص نمی باشد. رنگهای گلیم گردی، چنان زنده، پرجلا و تند است که رنگهای شاد طبیعت و کوهستانهای منطقه را در ذهن ها تداعی می کند. دقت در رنگ آمیزی نخ (به ویژه با استفاده ی سنتی از گیاهان رنگی) عامل بسیار مهمی در بالا بردن کیفیت تولیدات است. زیرا که استفاده از گیاهان طبیعی مانند پوست گردو، پوست انار، روناس، برگ مو، قره قروت و ... اگر همراه با دقت کافی باشد، مزایای بسیاری را نسبت به رنگ های شیمیایی دارا می باشد. رنگ های گیاهی دارای جلا و ثبات بیشتری بوده و عمر الیاف پشمی را نیز کم می نمایند.

۳- هنر موج بافی:

رختخواب پیچ یا چادر شب یا کاربافی در واقع نوعی صنعت دستی روستایی و خانگی است. چادر شب در سیرجان در اندازه ی 225×240 به صورت چهارخانه یا پیجازی از نخ پنبه بافته می شود. در گیلان به صورت روتختی، رومیزی، روتاقچه ای، پرده و یا به صورت تکمیلی به اشکال لباس و جلیقه بافته و مورد استفاده قرار می گیرد. در مناطق گردشین، این هنر، با نام «موج» (moj) خوانده می شود که اصطلاحی گردی است و در گردی لری به آن «ماشته» می گویند.

۱- ۳- ویژگی موج بافی سنتی:

۱- ۱- ۳- مصرف کنندگان غالباً همان تولید کنندگان هستند.

۲- ۱- ۳- مواد اولیه چون پشم و رنگ در محل تولید، در دسترس می باشد.

۳- ۱- ۳- مواد اولیه ی مزد بافت.

۴- ۱- ۳- زمان بافت کوتاه است.

۵- ۱- ۳- چون موج در اندازه های باریک و دراز بافته می شود و سپس این قطعه ها از طول به پهلوی هم دوخته می شوند. لذا حجم و فضای بافندگی کمی را اشغال می کند.

۶-۱-۳- نرمی و لطافت خاصی دارد.

۷-۱-۳- سبک و انعطاف پذیر است و به راحتی قابل حمل می باشد.

۸-۱-۳- آماده سازی مواد اولیه، تا شروع مرحله ی بافت، تماماً در اوقات فراغت و بیکاری زنان روستایی تهیه می شود و هزینه ای ندارد.

۹-۱-۳- چنانچه با پشم بافته شود، تمام خواص مربوط به پشم را، از جمله عایق بودن در برابر گرما، سرما، استحکام قابلیت، شستشو و انعطاف پذیری را داراست.

۱۰-۱-۳- در زندگی روستایی و عشایری، علاوه بر جنبه ی تزئینی و مذهبی (جانمازی یا برمال) در مساجد، کاربردهای مختلفی چون رختخواب پیچ، پرده، روانداز در فصل سرما، روگرسی، جاجیم، چادر شب برای اسباب کشی و نقل و انتقال و بچه بندی و لحاف را دارد.

۱۱-۱-۳- متناسب با هر سلیقه ای به راحتی رنگ پذیر و نقش پذیر است.

۱۲-۱-۳- آموزش آن ساده و سریع است.

۱۳-۱-۳- دستگاه بافندگی آن در هر محلی قابل ساخت است.

۱۴-۱-۳- بافت آن اختصاص به فصل ویژه ای ندارد.

۱۵-۱-۳- مراحل بافت آن، تنها توسط یک فرد انجام می گیرد.

۲-۳- مواد اولیه ی موج بافی:

الف-۲-۳- پشم: ماده ی اصلی صنعت موج بافی، پشم است. پشم، الیافی است که مانند مو و کرک از پروتئین مخصوصی به نام «کراتین» تشکیل شده است. وجه تمایز این پروتئین نسبت به سایر پروتئین ها، به خاطر وجود گوگرد در آن است. «کراتین» یا پشم خالص بدون چربی حیوانی و عرق خشک شده و کثافات معدنی و گیاهی، از ۵۰٪ کربن، ۲۳ تا ۲۵٪ اکسیژن، ۶ تا ۱۷٪ ازت، ۷٪ هیدروژن، و ۳ تا ۴٪ گوگرد S ترکیب شده است.

ب-۲-۳- رنگ آمیزی: در گذشته، از مواد گیاهی و معدنی استفاده می شده است که عبارتند از: جفت که از پوست درخت بلوط بدست می آید و مصرف خالص آن، رنگ

شتری می‌دهد و ترکیش با پوست اناررنگ قهوه‌ای سیر می‌دهد. و نیز قرمز دانه که از حشره‌ای بدست می‌آید که روی شاخه‌ی درختان خانواده‌ی انجیر صمغ می‌مکد و زندگی می‌کند. صمغی که از این حشره بدست می‌آید، به مصرف رنگریزی می‌رسد. همچنین از پوست گردو، که به تنهایی به نسبت معین رنگ شتری و قهوه‌ای می‌دهد و ترکیش با زاج سیاه و براده‌ی آهن، رنگ سیاه می‌دهد. و نیز برگ مو که رنگ زرد دارد و پوست انار که رنگ قرمز آجری و قرمز تیره می‌دهد. نیل که آبی رنگ است و اسپرک که رنگ زرد دارد و مخلوط آن با نیل رنگ سبز می‌دهد، استفاده می‌شود.

۳-۳- مراحل مختلف کار:

شتشوی پشم روی تن حیوان، چیدن پشم با قیچی پشم چینی به نام «چره»، حلاجی پشم به وسیله‌ی دو ترکیه‌ی نازک چوب و دست، ریسندگی پشم توسط دوک یا «تشی»، تبدیل الیاف پشم به نخ پشمی، تابیدن رشته‌های ریسیده شده جهت استحکام بخشیدن به نخ پشم، کلاف کردن پشم‌های تابیده شده جهت مراحل بعدی کار، رنگ رزی کلاف‌های پشمی، گلوله کردن نخ پشم‌های رنگ شده با دست صورت می‌گیرد. بافتن که توسط دستگاه نساجی مراحل مختلف کار را تشکیل می‌دهد.

موج، که در واقع نوعی بافته‌ی سنتی است، به وسیله‌ی دستگاههای نساجی سنتی، که کلاً در داخل کشور و در محل تولید ساخته می‌شود، تهیه می‌شود. این نوع ماشین بافت به صورت دو وردی یا چهار وردی است و شانه یا دَف آن نیز از نی خیزران (بامبو) درست می‌شود و میل‌های آن نیز اغلب از نخ یا فلز ساخته می‌شود که نوع نخ‌ی آن بیشتر رواج دارد. از این دستگاه به صورت پاچال استفاده می‌شود. یعنی بافنده به جای اینکه روی چهار پایه یا صندلی بنشیند، پای خود را در چاله‌هایی که پدال و وردهای ماشین بافت در آن جای دارد، قرار می‌دهد و همزمان با حرکت وردها، ماکو به وسیله‌ی دست نخ بود را هدایت می‌کند.

۳-۴- انواع فرآورده‌های موج بافت:

فرآورده‌های موج بافان کُردستان عبارت است از روتختی، روکُرسی، جانمازی

(برمال)، پشتی، بقچه‌بند، بقچه‌ی حمام و شال و غیره. بافت موج در بیشتر مناطق کردستان رایج است و بهترین و ماهرترین استادکاران در این زمینه از صنعت، در سنندج، مریوان، سقز، بیجار، سنقر، مهاباد و اورامانات متمرکزند.

دوام و زیبایی موج‌های بافته شده از پشم رسیده شده‌ی بومی، زینت بخش مساجد مناطق مختلف کردستان است. موج‌های بافته شده در شوشتر، دزفول و همدان، گرچه تشابه بافت و نقش زیادی با بافته‌های کردستان دارد، ولی هیچگاه از نظر ظرافت و زیبایی به موج‌های بافته شده‌ی کردستان نمی‌رسد. موج‌های بختیاری و قشقایی و شاهسونی نیز، گرچه در بعضی موارد، که شیوه‌ی بافت آن با موج این منطقه (کردستان) فرق دارد، در اوج زیبایی و دوام است، اما در مقام مقایسه، موج کردستان ظرافت و کاربرد مخصوص خود را دارد که به طور کلی نشانگر این نکته است که این صنعت بافندگی در کردستان بیشتر ریشه داشته است.

۱-۴-۳- توضیح پاره‌ای اصطلاحات موج بافی:

۱-۱-۴-۳- وردی: قطعه چوب استوانه‌ای شکلی که نخ‌های تار را در طول و عرض معین و کشیدگی یکنواخت، پهلوی هم، روی آن قرار می‌دهند.

۲-۱-۴-۳- شانه یا دَف: آخرین عمل اصلی ماشین بافندگی که بلافاصله پس از پودگذاری انجام می‌شود و طی آن دفتنی که شانه بر روی آن سوار شده و دارای حرکت نوسانی است، نخ پود را به لبه‌ی پارچه زده و نخ‌های تار را از یکدیگر جدا می‌سازد.

۳-۱-۴-۳- میلیمک: وسیله‌ای که نخ‌های تار از میان آن عبور می‌کند.

۴-۱-۴-۳- ماکو: عمل پودگذاری را در لابه‌لای نخ‌های تار انجام می‌دهد.

۴- هنر گیوه بافی:

زندگی و نوع معیشت در مناطق گردنشین، با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، همواره این گونه پاپوش را طلب می‌کند، زیرا راحت، سبک، بادوام و خنک - در فصل گرما

- و در عین حال ارزان می‌باشد. گیوه نیز همچون سایر صنایع دستی دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های خاص می‌باشد، ویژگی‌هایی چون در دسترس بودن مواد اولیه، داشتن ابزار کار ساده و نیز به کارگیری نیروهای فعال در اوقات فراغت. این صنعت بومی، از لحاظ نوع تولیدات، به دو بخش اصلی روستایی و شهری تقسیم می‌شود. گیوه‌ی روستایی شامل آن دسته از تولیدات می‌شود که تخت آن از پارچه بوده و به گیوه زیره‌ای شهرت دارد. این نوع، تنها جنبه‌ی «خود مصرفی» دارد.

۱- ۴- مواد اولیه:

مواد اولیه‌ی مورد مصرف در گیوه‌کشی در داخل و نیز خارج از منطقه تهیه می‌شود.

موادی که در داخل تهیه می‌شوند، عبارتند از:

- ۱- ۱- ۴- پوست گاو، که به صورت نوارهای باریک در کف گیوه به کار می‌رود.
- ۲- ۱- ۴- پیه، که به درفش‌ها یا نوارهای باریک پوست مالیده می‌شود تا اصطکاک را در حین کار از بین ببرد.
- ۳- ۱- ۴- گِلان گاو، برای نصب در نوک و انتهای گیوه، که بعد از خشک شدن موجب استحکام گیوه می‌شود.
- ۴- ۱- ۴- نخ تائیده شده از موی بُز برای بخیه‌کاری روی تخت گیوه که رویه‌ی گیوه به آن دوخته می‌شود.
- موادی که خارج از منطقه تهیه می‌شوند:
- ۵- ۱- ۴- رنگ، برای رنگ کردن پارچه‌های کف گیوه (که معمولاً برای منظور از دو رنگ قرمز و آبی استفاده می‌شود).
- ۶- ۱- ۴- پارچه‌ی نازک نخی برای درست کردن فتیله‌های کف گیوه که از لافه‌ها و البسه‌ی کهنه تهیه می‌شوند.
- ۷- ۱- ۴- کتیرا، برای آهار دادن و منسجم کردن فتیله‌های کف گیوه.

۸- ۱- ۴- نخ تاییده شده (نخ قرقره) برای بافتن رویه‌ی گیوه.

۹- ۱- ۴- تخت چرمی و تخت لاستیکی برای آن دسته از گیوه‌هایی که با طرح جدید تهیه می‌شوند.

۱۰- ۱- ۴- میخ سیاه بنفش، برای کف گیوه.

۱۱- ۱- ۴- پوست دباغی شده‌ی گاو میش یا گاو، برای کف گیوه.

۱۲- ۱- ۴- پاشنه‌های لاستیکی قالبی ساخت کارخانه‌ها.

۱۳- ۱- ۴- کف‌های لاستیکی که قالب آن‌ها از سوی کارخانه‌های کفش‌سازی قالب زده می‌شود و اخیراً در نوع تازه‌ی بافت گیوه، (اسپرتی یا ورزشی) به کار می‌روند.

۱۴- ۱- ۴- چسب مخصوص برای چسباندن کف و پاشنه به تخت گیوه.

بر روی بعضی از مواد اولیه، توسط استادکاران، تغییرات و فعالیت‌های مختلفی صورت می‌گیرد. از آن جمله‌اند:

- پوست، که باید ابتدا خشک و سپس رشته رشته گردد و در پایان با چاقو مو زدایی شود و سپس به آن پیه بمالند.

- پارچه‌ی نخ‌ی که باید ابتدا رنگ شود و سپس به صورت نوارهای باریک بُریده گردد و بعد از آن به صورت فتیله درآید.

- موی بز که باید تاییده شود و سپس به ریسمان‌های نازکی تبدیل گردد.

۲- ۴- کارگران و کارگاه:

کار گیوه‌کشی معمولاً توسط سه نفر که در یک محل جمع می‌شوند به صورت مثلثی یا زنجیره‌ای و با تقسیم کار مشخص، مشغول کار می‌شوند، انجام می‌گیرد. این سه نفر بنا بر مراحل مختلف کار، سه شغل مختلف را به وجود می‌آورند که عبارتند از:

۱- ۲- ۴- «پرونی» = Poruni، که از پارچه‌های رنگ شده، فتیله درست می‌کند و

نسبت به دو نفر دیگر، تجربه‌ی کمتری دارد.

۲-۲-۴- پی کنه گیر = Peykonegir = که دارای تخصص و تجربه است و به مرحله‌ی استادی نزدیک می‌باشد. کار وی اتصال فتیله‌ها به یکدیگر برای تخت گیوه است.

۳-۲-۴- کلاشگر = Kelasger، که استاد و معمولاً صاحب کارگاه می‌باشد. کار او برش، پرداخت و تکمیل تخت گیوه است که باید از ظرافت و دقت خاصی برخوردار باشد. به غیر از مراحل اشاره شده، مرحله‌ای از کار وجود دارد که حد فاصل بین گیوه کشی و گیوه چینی است و مربوط به تعیین خط اتصال رویه‌ی گیوه به تخت آن است. این کار را که با موی بُر انجام می‌گیرد، «پرگامارونی Pergama _ runi» و عامل یا کننده کار را «پرگاماگیر» می‌نامند. مرحله‌ی آخر کار که همان گیوه چینی است، معمولاً در اوقات فراغت زنان و مردان صورت می‌گیرد.

۳-۴- ابزارها:

در کار گیوه کشی، ابزارهای کار فراوانی وجود دارد که به طور کلی از سه نیروی فشاری، کششی و ضربه‌ای بهره می‌گیرند. این ابزارها عبارتند از: «سندان چوبی» یا «کوته» و «مُشته» - انواع درفش به نامهای: کوره درفش یا وژاره درفش «ناوکش» - درفش «پرگاماسم» - «کوره درفش پی کنه» - سوزن مخصوص رد کردن تسمه از بین فتیله‌ها - «چنی پرگاما» یا سوزنهای بخیه دوزی - «چوسا» و یا «سوهان» - «گازن» (یا «گزن») برای برش - «گیره پی کنه» برای فشردن فتیله‌ها و...

۴-۴- مراحل کار:

پس از یک سلسه کارهای مقدماتی مثل شستشو، پارچه‌های رنگ شده را به صورت نوازه‌های باریک چندلا در می‌آورند و در کنار هم ردیف می‌کنند. این کارها توسط شاگرد یا «پارونی» انجام می‌شود. سپس «پی کنه گیر» فتیله‌ها را سوراخ می‌کند و آنها را به درفش «پی کنه» می‌کشد. طول فتیله‌های ردیف شده در کنار هم می‌بایست یک وجب و سه انگشت باشد. (برای یک گیوه‌ی معمولی). پس از مدتی که فتیله‌ها خشک شدند، آنها را به طور منظم به دو قسمت می‌کنند، از میله‌ی پی کنه خارج می‌نمایند، کنار

هم قرار می دهند و با نخ محکم می بندند تا مرحله ی بعدی انجام شود. در این حین استادکار مشغول تعبیه کردن سوراخ های مخصوصی بر روی «نری گاو» (گلان) و نیز بریدن تسمه های باریک چرمی و پیه مالی آن می شود. سپس تسمه ی چرمی را به وسیله ی نخ پُرک به سوزن متصل می کند و ضمن عبور دادن آن از سوراخ های روی گلان گاو، به طرز مخصوصی، تسمه را از آن خارج می نماید. آنگاه مشغول عبور دادن سوزن از میان سوراخ های فتیله های یاد شده می گردد. پس از آنکه دو تخته ی فتیله را از سوزن تسمه عبور می دهد، گلان گاوی دیگری را از تسمه رد می کند. آنگاه تسمه را محکم می کشد تا غضروف ته گیوه و فتیله ها به هم بچسبند. البته برای اینکه این فشردگی و چسبندگی پایدار بماند، درفش کوچکی را از وسط تسمه در کنار انتهای فتیله ها فرو می کند، بعد از آن ضمن مرتب کردن فتیله ها، از عرض فتیله ها، به وسیله درفش سوراخ دوم را تعبیه می کند تا از تمامی آنها بگذرد و همینطور ... تا آخر. در مجموع چهار ردیف تسمه ی چرمی از عرض تمامی فتیله ها عبور داده می شود و در آخر، با استفاده از گلان گاو، این رفت و برگشت های تسمه ی چرمی را با هم گره می زنند و با یکدیگر درگیر می کنند. سپس ضمن اینکه تخت گیوه را با آب می خیسانند، با کمک «مُشته» و «گوته» فتیله ها را کوبیده، صاف و فشرده می کنند بعد به وسیله ی «پواز» (تکه چوب گوه مانند و نوک گرد) فتیله های کنار تسمه را فشرده می کنند و شیارهایی در تخت گیوه ایجاد می نمایند تا تسمه ها را در برگیرند و از حرکت کردن آنها و تغییر شکل تخت گیوه در حین حرکت پا جلوگیری کنند. آنگاه نوبت به تسمه کشیدن در کف تخت گیوه می رسد. این تسمه از نوک تخت به سوی انتهای آن کشیده می شود. لازم به توضیح است که این تسمه، ادامه ی همان تسمه ی عبور داده شده از میان تخت گیوه است که از دو سر آن گرفته می شود و در وسط تخت گیوه بیرون کف گیوه به هم تابیده می شوند. از آن پس، نوبت به استفاده از موی بُز، برای بخیه کشی در تخت گیوه می رسد. این کار با استفاده از سوزن های بخیه کشی انجام می گیرد. پس از اتمام کار، استاد کار با استفاده از «گزن» دورتادور تخت گیوه را که بد شکل و نامتناسب با شکل پا می باشد - می بُرد. در اینجا کار گیوه کشی به اتمام می رسد و نوبت گیوه چینی می شود که آن هم با استفاده از نخ و سوزن

صورت می‌گیرد و رَج رَج بافته می‌شود.

۵- هنر نمد مالی:

موقعیت جغرافیایی ایران باستان، از بدو تشکیل یک حکومت مرکزی و نیز تمرکز اقوام و نژادهایی چون مادها و پارت‌ها و ... همواره موجب گشت تا این سرزمین، به صورت یک چهار راه و مرکز تبادل سلیقه‌ها و فرهنگ‌ها مطرح باشد. عبور جاده‌ی «اقتصادی-تجاری» آن دوران، موسوم به «جاده‌ی ابریشم» از میان تمدنهای چین، هند، ایران و یونان، خود سبب گشت تا مردم این سرزمین، از یک نوع خلاقیت خاص در امر باروری فرهنگ، صنعت و تجارت مبتنی بر رقابت، برخوردار باشند.

بر پایه‌ی نظرات باستان شناسان، از اواخر قرن چهارم پیش از میلاد، برای اولین بار، «نمد» در آسیای میانه و چین، تهیه و مورد شناسایی قرار گرفت. البته نمونه‌های مشابه آن نیز به صورت جُل اسب، کف پوش و آویزه‌ی دیواری، در دره‌ی «پازیریک» به دست آمده که مربوط به عهد هخامنشی است. نوع اقتصاد و معیشت ایلات و عشایر ایران، که بر دامداری استوار بوده، همواره سبب گشته تا آنان دائماً در حال کوچ باشند. لازمه‌ی چنین زندگی پرتحرکی، داشتن چادرهایی است که به راحتی برپا و نیز برچیده شوند و این چیزیست که دقیقاً در آلاچیق‌های ترکمنی و شاهسونی مشاهده می‌گردد. سقف، دیواره و کف‌پوش تمامی این نوع چادرها، از نمد است. که ماده‌ی اصلی آن پشم گوسفند است، به دلایل ذیل، فرآورده‌ای مورد توجه عشایر و ایل‌های کوچ نشین است:

- ۱- از پشم، به صورت خام استفاده می‌شود و احتیاج به صرف نیرو و فعالیت زائد ندارد.

۲- انعطاف پذیر و قابل شستشو است.

۳- مواد اولیه‌ی آن ارزان و همیشه در دسترس است.

۴- از استحکام قابل توجهی برخوردار است و عمر آن نیز زیاد.

۵- عایق کامل و مطمئنی در برابر رطوبت، گرما و سرماست.

۶- ابزار کار برای تهیه‌ی آن، ساده، محدود و ارزان است.

۷- زیرانداز، پوشاک و سایر مایحتاجی که از نمد تهیه می‌شود، نرم است و پوست بدن را آزار نمی‌دهد.

۸- به عنوان محافظی در برابر نیش گزندگان و چنگ و دندان درندگان، از آن استفاده می‌شود. (ضربت تیغ، شمشیر و گلوله در نمد خیس اثری ندارد).
۹- یادگیری شیوه‌ی تولید آن، آسان است.

۱۰- زیبایی خاصی به عنوان تن پوش، زیرانداز و ... دارد.

در سرتاسر رشته کوه‌های زاگرس - که شامل کلیه‌ی مناطق گردنشین می‌شود - دامداری، دارای سابقه‌ی ممتدی است، لذا استفاده‌ی گسترده از مشتقات دامی و بافته‌جات پشمی، امری است ضروری که در واقع از اساسی‌ترین پایه‌های هنرهای بومی و صنایع دستی این مناطق به شمار می‌رود. کارگاههای نمدمالي عموماً از دو فضای کار تشکیل می‌شوند، یکی برای حلاجی پشم و دیگری برای نمدمالي. در بعضی از کارگاهها، این دو بخش کاملاً مجزا هستند و در بعضی دیگر، این دو کار به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود. یعنی ابتدا به حلاجی پشم می‌پردازند و سپس به کار نمدمالي مشغول می‌گردند. بدیهی است که در این صورت، هم از بازده کار کاسته شده و هم تعداد کارگر کمتری استفاده می‌شود.

۵-۱- ابزار کار:

۱-۱-۵- کوان Kawān = که همان سرکمان بلند حلاجی ست و از چوب درخت چنار ساخته می‌شود، سبک و محکم است و دسته‌ی کمان نام دارد. قسمت انتهایی کمان به صورت پهن و چهارگوش است و از آنجا که سطح آن بزرگ است و قطر کمی دارد و می‌بایست ضربه‌های زیادی را تحمل کند، از چوب گردو ساخته می‌شود و (دَف daF^3) نامیده می‌شود. سطح دف، دارای سوراخ‌های تزئینی زیادی است که در حین کار، آن را سبک و قابل کنترل می‌کند. قسمت بعدی کمان، زه کمان است و زِی = $\check{Z}$ نام دارد. زِی، از روده‌ی گوسفند تابیده می‌شود، قابل ارتعاش و از سر کمان تا دف کمان کشیده شده

است. مشته = mošta یا چک = čak، وسیله‌ای است برای به ارتعاش در آوردن زه کمان که از چوب خرّاطی شده ساخته می‌شود.

۲-۱-۵- قالب، یک تخته‌گونی یا حصیر است که پشم‌های حلاجی شده روی آن چیده و گسترده می‌شود و چیت یا چیق نام دارد.

۳-۱-۵- شن = šan، ابزاری است که از شانه‌های نازک درخت جنگلی بلالیک تهیه می‌شود و آن را به صورت پنجه - چیزی شبیه جاروی خانگی و شن‌کش - درست می‌کنند و برای پهن کردن و گستردن پشم حلاجی شده بر روی قالب، از آن استفاده می‌شود.

۴-۱-۵- گوچان = gočān، ابزاری است به صورت عصا، به طول ۱۱۵ سانتی متر که برای حالت دادن به زیر و روی بالا پوش‌های نم‌دین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۱-۵- نقش‌بُر یا قیچی، برای ناهمواری‌های دور نم‌د به کار می‌رود.

۶-۱-۵- چاقو، چخماق و چوب قالب نیز از دیگر ابزارهای کار به شمار می‌روند.

۲-۵- مواد اولیه:

پشم نم‌د باید از اولین چین برّه‌ای تهیه شود که هنوز یکسال آن تمام نشده است. این پشم به اصطلاح همیشه بهاره است و به زبان محلی، ورگن = vargan نامیده می‌شود. پشم ورگن به دلیل نازکی، لطافت و بلندی خاصّ الیافش، تحت شرایط مالش و فشار به خوبی تنیده می‌شود. این خاصیت تنها مربوط به چین اول پشم حیوان است و در چین دوم چنین خاصیتی اصلاً وجود ندارد. مصرف پشم سفید در نم‌د مالی بیشتر از رنگهای دیگر است. پشم چیده شده را ابتدا شسته و سپس به وسیله‌ی کمان، حلاجی می‌کنند. نحوه‌ی کار بدین صورت است که در اثر ضربه زدن مشته بر روی ژی‌کمان، زه کمان به ارتعاش درمی‌آید. برخورد این ارتعاشات زه با پشم، موجب گسسته شدن الیاف در هم پشم از یکدیگر می‌شود. این کار در دو نوبت مجزا صورت می‌گیرد تا پشم به طور کامل آماده شود. آنگاه یک عدد تخم مرغ را درون یک سطل کوچک آب (حدود ۲ لیتر) حل کرده و روی پشم پهن و گسترده شده بر روی قالب نم‌د می‌پاشند، تا الیاف به هنگام

مالیدن راحت‌تر در هم تنیده شوند. مالاندن نمد با این روش در مقایسه با استفاده از محلول آب و صابون، کندتر و سخت‌تر است؛ ولی کیفیت کار فوق‌العاده بهتر می‌شود. استفاده از این دو محلول، صرفاً جهت ایجاد لغزندگی و کاهش اصطکاک میان الیاف پشم و قالب نمد می‌باشد. لازم به توضیح است که استادکار نمدمالی، قبل از پهن کردن پشم حلاجی شده بر روی قالب، ابتدا نقوشی را با استفاده از پشم رنگ زده شده بر روی قالب نمد می‌چینند و آنگاه اقدام به ریختن پشم به وسیله‌ی شن، بر روی قالب می‌کند. سپس دو نفر شاگرد نمدمال، که به (بولا = būlā) مشهورند، نمد را به همراه قالبش لوله و جمع می‌کنند. آنگاه ابتدا با پا و سپس به وسیله‌ی دست همراه با آواز و صدایی گرفته و ناله‌ای خاص، شروع به مالاندن نمد می‌کنند. سمت قرار گرفتن بدن و نمد در کارگاه‌ها، معمولاً به طرف در ورودی و منبع نور است و عموماً به خاطر سرد بودن منطقه‌ی کردستان و تماس مستقیم با آب در حین کار، فصل تابستان هنگام کار نمدمالی است.

۳-۵- انواع تولیدات نمدین:

۱- ۳-۵- تولیداتی که نام کلی نمد را دارند و به عنوان کف پوش و زیرانداز، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- ۳-۵- تولیداتی که جنبه‌ی پوششی و پوشاکی دارند.

۳- ۳-۵- تولیداتی که در امر حمل و نقل، برای روی اسب و زیره‌ی زین اسب ساخته می‌شود. تولیدات نوع اول، غالب سفارشات را به خود اختصاص می‌دهد و نوو = nowū نام دارد. این تولیدات یا به صورت باریک و دراز ساخته می‌شوند که در این صورت به نولکیشی = nawūlakīšī معروفند و یا به صورت پهن که آن را نوپن = nowūpan می‌گویند. مقدار پشم مورد مصرف این نوع تولیدات، حداکثر ۵ کیلو می‌باشد. ساختن یک نمد زیرانداز به طور کلی یک روزه، به اتمام می‌رسد. البته سه الی چهار روزی بایست نمد را جهت خشک شدن به حال خود باقی گذاشت، تا قابل مصرف گردد.

تولیدات نوع دوم عبارتند از کرک = Karrak، که بالاپوش بلند و بی‌آستینی است

که جلوی آن باز، یقه‌اش گرد، بلندی‌اش تا زیر زانو است و در فصل زمستان، مورد مصرف چوپانان و گله‌داران می‌باشد.

کله بال = Kala - bāl هم از انواع نمدهات که شبیه کرک است، می‌باشد و در تابستان هم به عنوان ضدنور تند آفتاب قابل استفاده است.

کلوقور = Kelow - qūr، نیز نوع دیگری است که به عنوان کیسه‌ی خواب شبانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین فرنجی = fêrênjî نیم تنه‌ی کوتاهی است که تا بالای کمر قرار می‌گیرد، آستین ندارد و بالای شانه‌هایش دوگوش دارد و به نوع گوش آن پَسک = Pasak گفته می‌شود. فرنجی یکی از زیباترین و جاقفاده‌ترین لباس‌های کُردی است، زیرا بعد از پاتول = Pātoll، شلوار کُردی و شال کمر، فرنجی تکمیل‌کننده‌ی یک پوشاک زمستانی است. امروزه استفاده از فرنجی در شهرهای کُردستان، به نحو چشمگیری افزایش یافته و به شدت مورد استقبال قرار گرفته است. حتی طرح‌ها و تغییرات مختصری در طرز تهیه‌ی آن نیز بکار رفته است. به عنوان مثال، می‌توان به دوختن آستری در توی نیم تنه و خطوط موازی دوخت پشت و پهلوی آن اشاره کرد.

تولیدات نوع سۆم را گردله = gêrdêlê، می‌گویند.

۴-۵- رنگ و نقش‌های نم:

معمولاً سعی می‌شود که از رنگهای تیره برای نقش‌ها استفاده شود. زمینه‌ی اکثر نمدها سفید و روشن می‌باشد. از نقش‌های نم می‌توان گل ترنج = طوق، زیگزال، تبرزین، درخت و گنجشک، کله‌قوچی، پنج مرغ، بز کوهی و لولو یا کُل نیلوفر را نام برد.

پایانه:

در اینجا به دیگر جاذبه‌های استان، مروری چکیده‌وار می‌اندازیم:

آثار باستانی استان:

۱- سقز:

۱-۱- تپه‌ی قپلانتو (زیویه): این تپه در منطقه‌ی سرشیو، در ۴۲ کیلومتری سقز قرار

گرفته است. در سال‌های اخیر، چوپان‌های محلی، گنجینه‌ای از طلا و نقره و برنز در این محل پیدا کرده‌اند که موجب توجه باستان شناسان گردیده است که با کاوشها و حفاریهای آنان، ساختمانی با اتاق‌های متعدد از آجرهای قدیمی و سنگهای تراشیده کشف شد. - یکی از کاخ‌های مادی - همچنین ظروف سفالین و کاشی‌هایی به اشکال مختلف مثل پرندگان بدست آمد که مؤید نظریه‌ی استاد فقید رشید یاسمی است که نوشته بود: «در سال ۸۳۵ پیش از میلاد، پادشاهان آشور، در حوالی این مکان، استحکاماتی ساخته‌اند.» - کرد و پیوستگی نژادی تاریخی او - ص ۵۹. - بقایای یکی دیگر از ساختمان‌های عظیم این محل بر فراز تپه‌ای با ۱۵۰۰ متر ارتفاع قرار دارد. مخصوصاً در دامنه‌ی آن غاری وجود دارد که اگر چند نفر در دهانه‌ی آن قرار گیرند، می‌توانند مانع صعود و عبور عده‌ی زیادی به بالای تپه گردند. بنا به اظهارات حفاران در دهانه‌ی غار شصت و پنج قبر دیده شده است که اشیاء گرانمایی نیز در آنها وجود داشته است؛ از قبیل گردن بند، دستبند، گوشواره و سینه‌بند طلا، شمشیر و تیر و کمان و سپر و زین. از خرابه‌های زیویه همچنین یک دروازه‌ی سنگی حجاری شده و آثار یک منجیق با گلوله‌های سنگی مخصوص آن، بدست آمده است.

بیشتر آثار باستانی کشف شده در این تپه، توسط مسوولین میراث فرهنگی سابق، با همکاری رژیم صیونیستی به غارت رفت.

۲- ۱- غار کرفتو = معبد خورشید: این غار، در خاک اوباتو از توابع سقز و در ۲۶ کیلومتری تکاب (شیز) در کنار جاده‌ی سنندج - سقز واقع است. دهانه‌ی غار کرفتو که خود یک قلعه‌ی مصنوعی است، ۳۵ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و بقایای پله‌هایی - که سابقاً افراد را به غار می‌رساند - هنوز باقی است. در ابتدای ورود به غار، دالان مصنوعی طولی وجود دارد که بسیار صاف تراشیده شده است و اتاق‌هایی در این راهرو وجود دارد که دارای تاقچه‌های کوچک و بزرگ متعددی می‌باشد و در دالان اصلی، تنورهایی با درهای مشخص و مخصوص وجود دارند. راههایی این راهرو را به راهرو طویل دیگری مربوط می‌سازد که راههای وحشتناکی از آن منشعب می‌شوند. در طبقه‌ی سوم این غار، اتاق‌های زیادی کنده شده‌اند که در آنها آثاری از گذشتگان و نیز نوشته‌هایی به

خط میخی وجود دارد. در داخل غار، روخانه‌ای کوچک جریان دارد که آبشارهای متعددی را به وجود آورده است و نیز دو حوضچه، که یکی دارای آب شیرین و دیگری شامل آب شور بد طعم است.

تاکنون عده‌ای از سیاحان و مستشرقین به دیدن این غار رفته‌اند. از جمله در سال ۱۳۱۴ دانشمند و باستان شناس معروف انگلیسی «سر اویلر استبن» ضمن مسافرتی به مغرب ایران، این غار را نیز دیده و تحقیقات جالبی به عمل آورده است.

ساختمان غار مربوط به دوره‌ی اشکانی و حدود قرن سوم پیش از میلاد است. خانه‌های این غار در ۲۰۰۰ سال پیش، معبد میترایسم بوده است. بر روی دیوار یکی از این اتاق‌ها، نام «هراکلیس» نیز، خدای یونانی، با حروف یونانی منقوش است. در زیر این نام، یعنی در اتاق سوم، نقش اسب سواری دیده می‌شود که شکار آهو می‌کند. این شکل، یادگار فتوحات «گودرز اشکانی» و تسلط این پادشاه بر «مهرداد» پادشاه ارمنستان است.

مورخ معروف رومی، به نام «تاسیت» از این معبد اسم برده و می‌نویسد: «در جنگ معروف گودرز و مهرداد، پادشاه ایران به این معبد پناه برد و همین عمل باعث نجات و فتح او شد. وی بعدها به یادگار فتح، نقش مذکور را بر دیوار یکی از اتاق‌های این معبد ساخته است.» راه رفتن در این معبد قدیمی، اکنون مشکل است، زیرا مستلزم بالا رفتن از سراسیمبی تندی به طول تقریبی یک کیلومتر است. پس از ورود به غار و عبور از اتاق‌های سنگی به محوطه‌ی وسیعی می‌رسیم که توسط دالان تنگ و تاریکی به دو حوضچه‌ی سنگی مربوط می‌گردد. در این حوضچه‌ها آب صاف و سردی جاری است.

از شواهد و قرائن پیداست که غار مربوط به دوره‌ی میترایسم و مهرپرستی می‌باشد. براساس پژوهشهای نگارنده، این غار با شهر باستانی شیز (تکاب) و غار علی صدر همدان و حمام کهن اراک، از طریق تونل زیرزمینی ارتباط دارد.

۲- بیساران:

۱- ۲- دژ دارسیران: دارسیران در ۳ کیلومتری جنوب روستای دانش و علم پرور

بیساران قرار گرفته است. این دژ اکنون در زیر خروارها خاک مدفون است. اهالی روستا می‌گویند: در گذشته این دژ، شهر «راسنی‌ها» بوده است. اما چیزی از راسنی‌ها نمی‌دانند. - احتمال دارد همان داسنی‌ها یا دیوسناها باشد که به بیش از مزدیستایان - زردشتیان - می‌رسد. - باستانی بودن این دژ، در سال ۱۳۵۳ مورد تأیید اداره‌ی آثار باستانی قرار گرفته است.

۳- بانه:

۱- ۳- دژ ققو: پیش از اسلام، ایلی بر این ناحیه فرمانروایی می‌کرده که به آنان ققو می‌گفتند. اینان زردشتی بودند و این دژ باستانی، اکنون جزو آثار باستانی شهرستان بانه می‌باشد.

۲- ۳- چندین دژ باستانی دیگر نیز وجود دارد همچون: دژ نژو، دژ شوی، دژ زیویه، رشه قلات و چندین غار نیز مثل غار کهن قازاو و ...

۳- ۳- آثار شهرهای باستانی نیز به جای مانده، همچون چیچوران، نژو، بروژه کهن.

پاینده ایران

ایدون باد

موانع و محدودیت‌های جهانگردی و ایرانگردی در استان کردستان

رضا رحیم‌پور

مقدمه:

پدیده مسافرت از محلی به محل دیگر و از کشور به کشور دیگر (جهانگردی)، بدون آنکه نظر و قصد مهاجرت یا اشتغال به کار در بین باشد به نوبه خود سابقه‌ای کهن دارد. در گذشته دور مردان جسوری که سیاح خوانده می‌شدند، برای اقناع حس کنجکاوی، یا به هر دلیل مذهبی و یا شناخت آنچه که در نقاط دیگر جهان می‌گذشت و آشنایی با فرهنگ و رفتار مردمان مختلف جهان، بار سفر می‌بستند و در این راه با مشکلات و معضلات فراوان روبرو می‌شدند و سالهای متمادی در صحراها و بیابانها و راه‌های ناشناخته راه می‌پیمودند تا به شهر و دیاری غریب و ناآشنا برسند.

در قرن‌های پیش از میلاد مسیح، فنیقی‌ها که مردمی تجارت پیشه بودند از طریق دریا و زمین برای عرضه و فروش محصولات خود و خرید اجناس و محصولات دیگران اقدام به سفر می‌کردند.

در قرون وسطی نیز سفرهای دور و طولانی همچنان در انحصار بازرگانان و دریانوردان بود، تجار آسیایی و اروپایی برای رسیدن به چین و آفریقا از دریا و خشکی به مسافرت می‌پرداختند.

سفرهای زیارتی از جمله مسافرت‌هایی بود که در قرون وسطی رونق فراوانی داشت. هجوم مسیحیان به بیت المقدس، زوار مسلمانان به کعبه و قبور ائمه و یهودیان به ارض موعود از جمله این مسافرت‌ها می‌باشد.

انگیزه مسافرت هرچه باشد، تجارت، اکتشاف، تفریح، استراحت، زیارت و یا معالجه در هر حال موجب برخورد فرهنگ‌ها گردیده و عقاید و نظرات جدید بوجود می‌آورد و بر اثر این برخوردها تغییراتی (مطلوب و گاه نامطلوب) در آداب و کردار و رفتار اجتماعی ایجاد می‌شود. اشاعه علوم و فرهنگ عامه و معلومات عمومی ویژگی‌های تمدن‌های گوناگون، تا حدود زیادی مدیون رفت و آمدهای جهانگردان و سیاحان می‌باشد.

با توجه به این مطالب می‌توان ادعا کرد که جهانگردی برای بالا بردن سطح معلومات عمومی و اجتماعی و تکامل تکنولوژی و پیشرفت فرهنگ عمومی و صلح و آرامش جهانی و تفاهم بین‌المللی نقش بارز و ارزنده‌ای دارد و از همین راه بوده است که تاریخ اجتماعات مختلف به فرهنگ و ادب و روش‌های زندگی یکدیگر پی برده‌اند و آنچه که با وضع محیط و زندگانی خود قابل تطبیق می‌دانسته‌اند به سرزمین خویش به ارمغان آورده‌اند. نباید غافل بود که فرهنگ غنی یونان در حکمت، فلسفه و طب، میراث غنی و فرهنگ ایران در ادبیات و علوم و نقش مصر و امپراتوری رم در فنون و تکنولوژی ثمره‌ی مسافرت مردم بدیگر نقاط دنیا برده شده است. پس درک و دریافت شیوه‌های متنوع و مختلف زندگی و قبول و اعمال این شیوه‌ها در ترکیب با شیوه‌های ملی، ناشی از تأثیر مسافرت‌های انبوهی جهانگردان است.

نتیجه اینکه مسافرت بخصوص به کشورهای خارج یک عامل مهم برای پیشرفت و تکامل فرهنگی و اجتماعی کشورها شناخته شده است.

نکته مهم دیگر اینکه مسافرت برپایه عامل اساسی یعنی سفر و جابجایی قرار دارد. نتیجتاً دگرگونیهای آن تابع تغییرات مختلفی از قبیل دگرگونیهای ناشی از انگیزه سفر، وسیله حمل و نقل، ثبات اقتصادی و سیاسی و غیره کشور می باشد.^(۱)

استان کردستان:

استان کردستان منطقه ای است کوهستانی و سردسیر از کشور ایران که به علت داشتن ارتفاعات و پستی و بلندیها دارای بارندگی زیاد، در نتیجه رودهای فراوانی است که پس از مشروب نمودن قسمت کمی از اراضی کشاورزی استان به خارج استان می ریزد. آب و هوای دلپذیر، مناظر طبیعی و بدیع نقاط مختلف این استان، دریاچه آب شیرین زریوار که از چشمه های جوشان قعر دریاچه تأمین می گردد، دشتهای حاصلخیز و بارور اسفندآباد قروه، همراه با جنگلهای سرسبز در بانه و مریوان و همچنین مناظر بکر و توریستی در منطقه اورامان تخت، با عنایت به فرهنگ غنی و اصیل آنها در مجموع گویای دیدنیهای گوناگون و سرشار از استعدادهای طبیعی و همه جانبه و بعضاً ناشکفته در این منطقه مرزی می باشد. از سوی دیگر آثار تاریخی ارزشمند بیجار، غار کرفتو، کتیبه کم نظیر تنگیور و تپه باستانی زیویه و دیگر نقاط تاریخی استان نشانگر قدمت کردستان در دل قرون و اعصارند.

ساکنان این استان را مردم گُرد تشکیل می دهند که این قوم یکی از قدیمی ترین اقوام ایرانی است که در این مناطق ساکن شده اند. آداب و رسوم خاص و همچنین هم مرز بودن با کشور عراق این منطقه را می تواند به یکی از بزرگترین و مهمترین مراکز توریستی کشور تبدیل نماید بعلت برخی از مشکلات، این منطقه به جایگاه اصلی خود دست نیافته است که در ادامه قصد براین است که عللی چند از این موارد را که به دید نویسنده آمده عنوان شود.

دید مردم ایران به استان کردستان:

یکی از مشکلات بزرگی که امروزه این استان باید با آن دست و پنجه نرم کند و تا مدتهای طولانی این مسأله را بدنبال خود داشته باشد، مسأله دید دیگر هموطنان کشور

نسبت به این منطقه می‌باشد.

همانطور که همه به یاد داریم در اوایل انقلاب و در دوران ۸ سال دفاع مقدس منطقه کردستان یکی از مناطق درگیری بود، البته ویژگی خاصی که بر این استان حاکم بود علاوه بر تجاوز مزدوران بعثی، وجود اشرار مسلح و کومله‌ها بود که در ظاهر از همین مردم ولی در باطن دشمنان اصلی این مردم بودند، چرا که این از خدا بی‌خبران دست به جنایاتی زدند که کمتر نظیر آن را می‌توان در جای دیگر سراغ گرفت.

اگرچه چندسالی است که درگیری‌ها به پایان رسیده و صلح و آرامش در این منطقه و کشور حاکم شده است، ولی خاطرات آن مانند زخمی است که بر چهره شخصی وارد آمده و بعد از التیام آثار آن بر طرف نشود، همچنان باقی است.

درگیری گروهکهای مسلح از چند بُعد به این منطقه لطمه وارد ساخت:

۱- چون اکثر کومله‌ها افراد گرد بودند، چهره مردم عزیز و غیور گرد کشورمان را پیش دیگر هموطنانشان خدشه‌دار کرده و این باور را در افکار عمومی بوجود آورده است که کردها افرادی هستند که دست به هر جنایتی می‌زنند.

۲- همچنین کردستان امنیت ندارد و هرکس به غیر از کرد به این سرزمین وارد شود ناکام می‌گردد.

۳- وجود جنگهای طولانی باعث نابودی بسیاری از شهرها و جلوگیری در توسعه استان گردید.

خلاصه کلام اینکه جریانات و حوادث گذشته خاطره تلخی برای مردم کشورمان به یادگار گذاشته است و این موضوع هنوز هم به قوت خود باقی است، همان ترس و وحشتی که در زمان جنگ از این منطقه بر مردم حاکم بود، الان هم وجود دارد و تا زمانی که دید مردم نسبت به اینگونه مسائل عوض نشود و مردم از واقعیات مطلع نشوند، کار کردن در باب ایرانگردی در کردستان جواب مثبت نمی‌دهد.

پس باید گفت؛ ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین کار جهت جذب ایرانگردان به استان

کردستان، تغییر دید عمومی مردم کشورمان نسبت به این منطقه باستانی و فرهنگی کشورمان است و این امکان ندارد مگر با تبلیغات وسیع و کارآمد.

عدم تبلیغات مناسب:

تبلیغات جهانگردی و ایرانگردی یکی از اساسی‌ترین عوامل مؤثر در جلب و جذب جهانگرد (توریست) است و این تبلیغات باید با تحقیق و مطالعه، برنامه‌ریزی، استفاده از هنرمندان، جامعه‌شناسان و کارشناسان علوم اجتماعی و بکارگیری تکنیک‌های مختلف توأم بوده و روحیات و شخصیت اجتماعی طبقات اهالی یک کشور را دقیقاً مورد بررسی و در مدنظر قرار دهد، در غیر اینصورت چنانچه سازمانها با ملاک مربوط به جهانگردی و ایرانگردی فقط به صرف اینکه تبلیغاتی بعمل آمده باشد اقدام به نشر آگهی، بروشور و غیره بنمایند، نه تنها از تبلیغات انجام شده اثری برای جلب جهانگردی بدست نخواهد آورد بلکه هزینه‌های زیادی را بدون هیچ استفاده‌ای از بین خواهند برد.

تبلیغ در زمینه اشاعه و توسعه هرچه بیشتر مسافرت در محدوده داخل خاک یک کشور و بازدید از جاذبه‌های جهانگردی بومی و ملی یکی از مسائلی است که باید مورد تحقیق و توجه دقیق مسئولین مربوطه قرار گرفته و در این زمینه نیز اقدام به تبلیغات مؤثر بنمایند.

از دیگر هدفهای تبلیغات ایجاد یک سابقه خوب و بوجود آوردن حسن نیت می‌باشد که از طریق دعوت برای بازدید و دیدار از شهرهای تاریخی و یا جاذبه‌های موجود در منطقه بوجود می‌آید و این نوع تبلیغ، از طریق غیرمستقیم و بصورت اظهارات افرادی که با بازگو نمودن دیدنیها و تجربیات و زیباییها که در مسافرت خود مشاهده نموده‌اند است و ناشی از فراهم نمودن امکانات مناسب و ایجاد فرهنگ درست جهانگردی در یک کشور می‌باشد.

وقتی که ما از مهمان نوازی یک کشور و یا ادب و مهربانی آنان یاد می‌کنیم این صحبتها خوبخود بگوش این و آن می‌رسد و پس از مدتی این حسن شهرت خود بصورت یک عامل تبلیغاتی مؤثر در توسعه جهانگردی و ایرانگردی آن منطقه مورد

تبلیغ مؤثر واقع خواهد شد.

هدف اصلی تبلیغات بوجود آوردن انگیزه و جلب نظر افراد می باشد.

فرهنگ جهانگردی:

هر تغییر و تحولی که برای انسان پیش بیاید، ناخواسته یا با آن مخالف است و یا به آن بی توجه!

برای ایجاد تغییر باید ابتدا مقدمات را آماده نمود و سپس بسوی هدف حرکت کرد. بعنوان مثال وقتی کامپیوتر به بازار عرضه شد، توجهات کمی به آن مبذول گردید، اما با مرور زمان با پیشرفت این دستگاه و افزایش روزافزون نیازها، این وسیله در جامعه جا افتاد و مورد استفاده قرار گرفت. حال که جامعه احساس نیاز کرد، دیگر میزها و صندلیهای معمولی جوابگوی این نیاز نبود، به همین خاطر میزهایی با فرم خاص و صندلیهایی مخصوص و دیگر ملزومات ساخته شد و به سرعت در فرهنگ مردم جای گرفت.

مسأله سیر و سیاحت نیز دقیقاً همین گونه است، یکدفعه این حرکت را نمی توان در مردم ایجاد کرد که مسافرت کنید و یا میزبان مسافران باشید و انتظار هم داشته باشیم مردم سریعاً انعطاف نشان دهند، و این حرکت نو را بپذیرند. ابتدا باید آموزش را برای عموم مردم از طریق رسانه های گروهی (رادیو، تلویزیون)، مجلات، روزنامه ها، مدارس شروع کرد تا مردم آماده شوند، برای مردم جا بیفتد که مسافرت این نیست که دیگران فقط از امکانات شما استفاده کنند بلکه مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیادی را شامل می شود که همه به نفع شماست. دوستی ها، رفع کدورتها، ایجاد اقتصاد مناسب، ایجاد مشاغل جدید، کسب تجارت و... همه از فواید جهانگردی است.

وقتی این مرحله طی شد، در مردم احساس نیاز پیدا می شود و مردم خود را جهت اصلاح، تغییر و تبدیل و قرار گرفتن در این حرکت آماده می سازند وقتی این حرکت را در مردم ایجاد نمودیم کار ما اثربخش می شود و نتیجه مطلوب می دهد.

باید به مردم فهماند اگر توسعه ایرانگردی و جهانگردی در منطقه ایجاد شود چه بسا

فرهنگهای بسیاری را مردم از این منطقه بیسندند و در جامعه خودشان عمومی کنند که مثال بارز آن را می‌توان استفاده از شلووار کردی در اکثر نقاط کشورمان دانست که فرهنگی مختص به این منطقه برای تمامی مردم کشور جا افتاده است.

پس از ملزومات ابتدائی کار جهت افزایش مسافرت به استان، آشنا کردن مردم به فرهنگ جهانگردی است چرا که اینکار خود زمینه‌ساز دیگر مسائل می‌باشد.

حمل و نقل و کمبودها:

بی‌شک مسأله حمل و نقل یکی از عوامل مهم در امر توسعه جهانگردی و سیر و سیاحت می‌باشد. اقدام به سفر به مسافت‌های دور دست و دیگر کشورها زمانی توسعه و گسترش یافت که راهها، وسایل حمل و نقل و راحتی و اطمینان از یک طرف و از سوی دیگر تنوع در وسایل بوجود آمد که گسترش روزافزون شبکه خطوط راه‌آهن در این میان یکی از مهمترین علل پیدایش این موج وسیع بشمار می‌رود.

احداث راههای مناسب در مناطق زیبا و کوهستانی یکی از اولین اقداماتی است که برای جلب سیاحان به نقاط مختلف باید بعمل آید، هم اکنون در کشورهای اروپایی با ایجاد راه‌آهن برقی در این گونه اماکن زیبا و همچنین تسهیلات سفری و اقامتی بیشتر می‌کوشند تا جهانگردان بیشتری را جلب نمایند!

مسافرت افراد با وسیله نقلیه شخصی نیز جای مهمی در صنعت جهانگردی به دست آورده است و لازم است با ایجاد امکانات بیشتر بین راهها مانند تعمیرگاهها، آپاراتی، تأسیسات پذیرایی و... سعی در گسترش این گونه مسافرتها گردد.

هواپیما از جمله وسائلی است که در توسعه سیر و سیاحت در دنیای امروز نقش بسیار مهمی را برعهده دارد، بویژه زمانی که کشور یا شهری دور موردنظر باشد. خصوصاً جهت استفاده جهانگردان سیاسی و ورزشی و... نتیجتاً حمل و نقل و جاده در امر جهانگردی رابطه مستقیمی با توسعه آن دارد و هر قدر جامع و بهتر تهیه شده باشد، در جلب جهانگردان نقش مؤثری ایفا خواهد نمود.

پهناوری کشور ایران و واقع شدن استان کردستان در غربی‌ترین نقطه کشور، قرار

نگرفتن در مسیر مرزهای توریستی و مسائل اقتصادی منطقه یکی از موانع بزرگ توسعه ایرانگردی در این استان می باشد.

چراکه دوری مسافت نسبت به دیگر نقاط کشور، عدم شناخت مردم از این استان و همچنین نبودن حمل و نقل سریع، راحت، مطمئن و ارزان قیمت که مصداق بارز آن راه آهن می باشد، باعث عدم تمایل مسافرت دیگر هموطنان کشورمان به این منطقه می باشد.

انشاءالله در سیاستهای توسعه استان به این مهم توجه بیشتری مبذول گردد.

عدم رسیدگی به آثار و ابنیه تاریخی:

آثار باستانی و کهن هر کشوری معرف فرهنگ خاص همان کشور و دارای ارزشهای درخور توجه همان مملکت و ویژگیهای مردم همان مرز و بوم است. این آثار دارای ارزشهای بسیار زیاد برای آن قوم بطور اخص و جاذبه هایی برای دیگران بطور اعم می باشد که در نتیجه باعث جلب و جذب دیگران جهت بازدید و شناخت آن جاذبه ها و آثار می گردد. وقتی از اماکن تاریخی کردستان بخصوص سنندج یاد می شود، به اسامی عمارت خسروآباد، وکیل، مشیر، آصف، حمامها و بناهای دیگر برمی خوریم که در کل علاوه بر زیبایی ظاهری مشابهنی نیز با معماری مرکزی ایران دارد. در این ابنیه معماران در بکارگیری مواد بومی و شیوه بنایی و ویژگیهایی را احراز نموده اند که نهایتاً هویتی معین را دربر دارد که حتی بعضی از گچبریها، نمای خارجی و... آن بسیار بدیع و منحصر بفرد است. اما افسوس و صدافسوس که این ابنیه از اعتبار و ارزش لازم برخوردار نیستند. بطوریکه بسیاری از ابنیه تاریخی بعلت استفاده شخصی، در شرف از بین رفتن می باشند. بعنوان مثال در داخل عمارت خسروآباد، با مجموعه ای از اتاقها و دیگر مکانهای ویران شده روبرو می شوید و در این در حالی است که این عمارت تاریخی منزلگاه حداقل سه خانوار نیز می باشد. دیگر ابنیه تاریخی این استان نیز وضعی بهتر از این ندارند. در اینجا دو نکته لازم به ذکر است:

۱- گذشته از مسائل جهانگردی و مباحث مربوط به آن، گذشته کهن و آثار بجای

مانده از آن که معرف فرهنگ یک منطقه می باشد از ویژگیها و افتخارات آن دیار بوده و هستند و حفظ این آثار نه تنها وظیفه دولت بلکه بر عهده تک تک مردم و مسئولین منطقه است که از نابودی این اماکن جلوگیری نمایند.

۲- توسعه جهانگردی و مسافرت به این استان با از بین رفتن ابنیه تاریخی و فرهنگی اش منافات دارد. مسلم است که هرچه این آثار بیشتر باشد بازدید کننده و توریست بیشتری جذب می شود.

پس لازم است در راستای توسعه جهانگردی و ایرانگردی استان به ساخت، بازسازی، مرمت و تعمیر این اماکن تاریخی که خود هویت و شناسنامه فرهنگی و قدمت این منطقه می باشد پرداخته، جلوی تخریبهای غیر قابل جبران گرفته شود.

دفاتر اطلاعاتی و جهانگردی:

ایجاد دفاتر اطلاعاتی که راهنماییهای لازم را به مسافران بنماید یکی از اساسی ترین واحدهایی است که هر منطقه توریستی باید در خصوص آن اقدام نماید. این واحدها باید دارای کارمندانی باشد که اطلاعات وسیعی از نظر سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی در مورد امور مربوط به کشور یا منطقه یا استان خود داشته باشد، تا بتوانند به تمام پوششهای مراجعه کنندگان پاسخهای صحیح و مستند بدهند. این کارمندان در عین حال لازم است تمام اطلاعات مورد نیاز دیگری را که ممکن است مورد توجه مسافران باشد در اختیار داشته و این اطلاعات را بصورت نشریات از قبیل: برنامه حرکت قطارها و اتومبیلها، فهرستی از قیمتها، نشانی هتلها، آژانسهای مسافرتی، مراکز تفریحی، ورزشی و غیره را در اختیار مراجعه کنندگان قرار دهند. البته از این نظر، ارائه نشریات و مدارک مربوطه کفایت امر ننموده، بلکه همزمان با آن لازم است اطلاعات دقیق شخصی راهنمایان نیز با ارائه مدرک به جهانگردان داده شود.

دفاتر اطلاعاتی باید در مبادی ورودی و خروجی، مرزها، فرودگاهها، ترمینالهای مسافربری، ایستگاههای راه آهن تأسیس گردند. حسن برخورد، استقبال، خوش آمد گویی و رفتار این کارمندان از ضروریات این دفاتر می باشد.

عدم آموزش و نیازها:

صنعت توریسم نیز مانند انواع صنایع دیگر نیاز به به یاری و مدد افراد متخصص و تعلیم دیده دارد، در همین راستا، آموزش، علاوه بر بهبود وضعیت کیفی این صنعت عامل مهمی در بالا بردن بهره‌وری و مطابق نمودن با استانداردهای بین‌المللی می‌باشد. اهمیت آموزش در توسعه و ارتقاء کیفی و شکوفا نمودن صنعت جهانگردی که خود دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی است، نقش حیاتی و اثبات شده ای دارد.

ازاینرو تعلیم و آموزش کارکنان هتلها، آژانس‌ها، راهنمایان جهانگردی و بالاخره تمام کسانی که بنحوی منشاء خدماتی در این رشته هستند مانند: نیروی انتظامی، شهرداریها، فرمانداران، گمرک، رانندگان و... کاملاً محسوس و ضروری گردیده و لازم است که این افراد نیز تحت آموزش خاص قرار گیرند. بنابراین برنامه‌های تنظیم شده‌ای، به منظور آموزش این گونه افراد طرح‌ریزی گردد و مطابق برنامه‌های تدوینی آموزش موردنیاز به آنها داده شود.

در این بحث یکی از اساسی‌ترین بخشها، آموزش عموم مردم است تا از این راه موجب بالا رفتن فرهنگ مردم در بخشهای مختلف جهانگردی گردد. نحوه استفاده از امکانات، تجهیزات، تأسیسات پذیرایی این صنعت از قبیل واحدهای اقامتی، تفریحی، پذیرایی و وسایل حمل و نقل و غیره که خود ایجاد فرهنگ لازم را می‌طلبد، از مهمترین بخشهای آموزش مردم می‌باشد.

تهیه فیلم و برنامه‌های ویژه و آموزش از طریق رادیو و تلویزیون هر استان یکی از مؤثرترین راههای آموزش عمومی است.

از عوامل و ملاکهای مهم در پیشرفت و توسعه، تحقیق و پژوهش است. هرچند که درابتدای کار هزینه‌های بسیاری در این راه به مصرف می‌رسد ولی باید اذعان داشت که این کار خود نوعی سرمایه‌گذاری در راه رسیدن به هدف مطلوب می‌باشد و لازم است استان کردستان با توجه به شرایط مختلف اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی خود با در اختیار

گذاشتن امکانات و وسایل مورد نیاز تحقیق و مطالعه در خصوص مسائل مختلف استان، اقدام و در جهت توسعه جهانگردی استان گامهای مؤثرتری برداشته شود.

تأثیر و تأثر فرهنگی جهانگردی در استان کردستان

عبدالخالق عبادی

میل به سفر و گردش یکی از نیازهای فطری انسان است. یکی از عوامل مهم رشد عاطفی و اجتماعی انسان مطالعه زندگی مردم، شکل حکومتها، وضعیت اقتصادی و فرهنگی آنها می باشد. همچنین عوامل صنعتی و زندگی ماشینی اثرات مخرب و آزار دهنده ای بر روحیه انسان امروز نهاده که باعث کسالت و ناراحتیهای روانی می گردد. تفریح و گشت و گذار صیقلی است که تمام زنگارهای موجود بر روح و جسم انسان را پاک می کند. روی این اصل است که خداوند سیر و گردش در زمین را توصیه فرموده و علت صعود و سقوط انسانها را مایه عبرت برای انسان می داند. (قل سیر وافی الارض)

از طرف دیگر کشور عزیزمان ایران زمینه های فرهنگی و جغرافیایی پرتنوعی دارد که می تواند در غنا بخشیدن مطالعاتی انسان اثرات زیادی داشته باشد. وجود ویرانه های متعدد و اثرات برجسته تاریخی در کردستان این بخش از کشور را به لحاظ جذابیت های توریستی از خیلی نقاط ایران مجزا می کند و نقش حساس این امر ضرورت توجه مسئولین را دو چندان می نماید. ضمناً مردم زیادی در کشور ایران و حتی خارج از کشور مشتاق دیدار از این استان هستند. ایجاد توره های متعدد در کشورهای اسلامی برای دیدار از این خطه می تواند در پیشبرد صنعت توریست نقش حساسی داشته باشد.

موقعیت جغرافیایی استان از لحاظ کوهنوردی و ورزش جایگاه خاص خود را دارد. اما محور بحث (تأثیر و تأثر فرهنگی جهانگردی در استان).

۱- اصولاً در یک تقسیم‌بندی کلی جوامع را می‌توان از لحاظ اعتقادی به دو نوع تقسیم‌بندی نمود: یکی جامعه بسته، دیگری جامعه باز. جامعه بسته جامعه‌ای است متعصب و تقدیرگرا و آنچه از لحاظ اعتقادی دارد، برترین اندیشه می‌داند. از تأثیر و تأثر فرهنگی پرهیز دارد و بصورت یکطرفه اندیشه‌ها و فرهنگ دیگران را مورد نفی قرار می‌دهد و نوع روحیه قوم‌مداری بر آنها حاکم است. چنین جامعه‌ای یا نمی‌تواند توسعه پیدا کند یا اینکه مشکلات متعددی را در راه توسعه متحمل می‌گردد. اما جامعه باز جامعه‌ای است که هر لحظه احساس نیاز می‌کند و به آنچه که دارد قناعت نمی‌ورزد و پیوسته در معرض تغییرات است. مسلماً پیشرفت و توسعه بطور دینامیکی در چنین جوامعی طبیعی است. آنچه قبال تأمل است وجود عوامل تغییر در چنین جوامعی است. یکی از عوامل مهم تغییر در جهان بینی جوامع باز ارتباط فرهنگی با مردمان دیگر است که دارای یک مدل فرهنگی خاص می‌باشند. اگر ما می‌خواهیم جامعه‌ای دینامیکی و تحول‌زا داشته باشیم باید در پیچه‌های جامعه خود را بطرف اندیشه‌ها، مذاهب و جامعه‌های دیگر باز کنیم. بخصوص در دین مقدس اسلام از روی حقانیت و اصالتی که این دین جهان شمول دارد و هیچ وحشتی از فرهنگ‌های دیگر ندارد، (فَبَشِّرْ عِبَادِی الَّذِینَ یَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ...) این امر یک ضرورت است. بگواهی تاریخ آنچه باعث پیشرفت یک مکتب در طول حیاتش شده است رویارویی آن با اندیشه دیگر، بعبارت دیگر ارتباط فرهنگی بوده است. پیامبر اسلام زمانی توانست دین مقدس اسلام را رونق بدهد که مهاجرت را ایجاد کرد. چه مهاجرت داخلی و چه خارجی.

تأثیر و تأثر فرهنگی پدیده و محصولی است که در نتیجه برخورد اندیشه‌ها و فرهنگ‌های متعدد می‌تواند نمود و مصداق پیدا نماید. مسلماً در چنین زمینه‌ای با توجه به نسبی بودن فرهنگ‌ها هر کدام از جنبه‌هایی مؤثر و متأثر می‌شوند و این یک حرکت مطلوبی است در جهت رشد و تکامل فرهنگ انسانی.

۲- اصولاً ارتباط فرهنگی و مطالعه مستقیم فرهنگها عامل مهمی در ایجاد جهان بینی باز و مطلوب محسوب می‌گردد. هر جا مهاجرتی بوده، تغییری در جهان‌بینی‌ها بوجود آمده است. از تمدنهای قدیم گرفته تا امروز، عامل مشترکی که باعث پیشرفت آنها بوده، همین ارتباط فرهنگی می‌باشد. تمدن جدید اروپا که در جوامع امروز اذهان زیادی را بخود مشغول کرده است معلول مهاجرت و ارتباط فرهنگی بوده است که بوسیله دو ابزار ایجاد گردید که یکی از آنها جنگ‌های صلیبی بوده و دیگری مسافرت جغرافی‌دانان به سایر کشورها و کشف نقاط مجهول دنیا که نقطه مشترک هر دو در ارتباط فرهنگی می‌باشد. از طرف دیگر ایجاد فرقه‌های متعدد در ادیان مختلف، در یک بررسی دقیق و ریشه‌ای تاریخی بوسیله تأثیر و تأثر و برخورد فکری و فرهنگی بوجود آمده است. در تاریخ گذشته ایران آنچه مسلم است مهاجرت آریائیها باعث تمدن اولیه گردید. در این برخوردها اندیشه‌ها یا جذب می‌گردد یا هضم می‌شود و یا دفع می‌گردد. همچنین حقانیت و اصالت هر فرهنگی زمانی سندیت دارد که هم از درون و هم از بیرون از جامعه زمینه پذیرش فطری انسان را داشته باشد. ارتباط فرهنگی بستری است که زمینه‌های یاد شده را مهیا می‌نماید. برای اثبات مدعا به یک نمونه تاریخی استناد می‌کنیم. مغولها با آن سلحشوریه‌ها و توان تاکتیکهای نظامی که داشتند به تدریج در ارتباط با فرهنگ غنی ایران اسلامی هضم شدند و این هضم تنها باعث تأثیر فرهنگی ایران بوده است. در اینجا نکاتی قابل توجه است: اینکه مردمی مثل آریائیها و یا دانشمندانی که در دوران مغول رشد کردند آیا قبل از اینکه مهاجرتی بوجود می‌آمد، رشد و شکوفا می‌شدند؟ باقرار تعداد زیادی از مورخین چنین پیشرفتهای فرهنگی و مؤثر بودن و متأثر شدن ناشی از مسافرتها و مهاجرتها بوده والا دلیل خاص دیگری ندارد. مردان بزرگی چون زرتشت در ایران یا بودا در هند همگی بعد از مهاجرت و مسافرت به آن کشورها رشد کردند. آنچه می‌تواند جواب تمامی این سئوالات را بدهد ارتباط با فرهنگهای جدید بوده است.

۳- مسلماً جهانگردی یکی از مسافرتها اختیاری است که در مواردی اثرات مثبت زیاده‌تری از مهاجرت دارد. در مهاجرت خیلی از تأثیر پذیرها اجباری و مقطعی است

ولی در جهانگردی اختیاری و پایدار است. به اعتراف صاحب‌نظران علوم اجتماعی خوب است که جهانگردی را با ایرانگردی شروع کنیم. امروز ایران با آن سوابق درخشان تاریخی، مجموعه‌های فرهنگی متعددی است که هم برای مردمان خود و هم برای سایر ملل تا حدود زیادی ناشناخته مانده است و در مواردی اکثریت افراد از عناصر فرهنگی یکدیگر بیگانه‌اند و حتی در استان کردستان مردم استان با ابنیه‌های تاریخی، مراکز تفریحی و ورزشی خود نا آشنا هستند.

بحث جهانگردی و ایرانگردی یکی از زمینه‌های مناسبی است که می‌تواند تمام ابهامات فوق را برطرف نماید و از طرف دیگر مردمان دیگر استانها را به یکدیگر مرتبط کند. قضاوت‌های ناشیانه و غیر علمی درباره فرهنگهای مردم معلول عدم برخورد مستقیم با یکدیگر است که بصورت نوشتاری توانسته است اذهان بسیاری از مردم را نسبت به همدیگر بدبین نموده و در بین آنها تضاد و گسیختگی فرهنگی ایجاد کند. مصداق عینی آن حرکت‌های استعمار در کشورهای جهان سوم است که خسارتهای دامنه‌داری بدنبال خود داشته است.

قطعاً در این میان حرکت مناسب ایرانگردی و جهانگردی ابزاری ضروری است که هم فرهنگ‌ها را به یکدیگر معرفی کند و هم مانعی در راه شکاف فرهنگی خواهد بود که موجب سوء استفاده استعمارگران بوده است. یقیناً استان کردستان دارای جاذبه‌های زیادی در این موارد می‌باشد که اگر همت دولت را پشت سر داشته باشد می‌تواند تحول مناسبی را ایجاد کند.

۴ - مطالعه و بررسی در استان کردستان بطور مجزا و خارج از مجموعه فرهنگی ایران قابل استناد نیست. مسلماً تا انسان را بصورت یک پیکره کلی شناسیم نمی‌توانیم در مورد تک تک اعضاء آن مطالعه مناسبی داشته باشیم. مطالعه در آثار و گذشتگان کردستان در زمینه بزرگتری مانند ایران قابل مطالعه است که در یک مدل فرهنگی قرار می‌گیرد. برای مثال یکی از زمینه‌های موجود توجه به شخصیت (کوسه‌هه جیج) در اورامان است که برادر امام رضا علیه السلام می‌باشد. قدر مسلم اینکه این شخصیت وابسته به

خاندانی است که یکی از آنها در شرق و دیگری در غرب ایران ملجأ اعتقادی و تکیه‌گاه عرفانی عده زیادی از مردم می‌باشد و هرکدام از یکی از جلوه‌های انسانی شکوفا شدند و شخصیت پایداری ایجاد کردند که در حد خود حوزه مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای را می‌طلبند که متأسفانه نه تنها وجود این شخصیت برای اکثر مردم ایران ناشناخته است بلکه حتی در بین مردم کردستان بخصوص قشر جوان و تحصیلکرده غریب است، تأسف هم از زاویه دیگر اینکه هنوز کنگره یا کنفرانسی برای شناخت ابعاد شخصیتی ایشان صورت نگرفته است که اگر چنین می‌شد اثرات قطعی آن ایجاد نوعی ارتباط عاطفی و اعتقادی و قرب فرهنگی در ایران می‌گردید. با ایجاد تورهای مسافرتی با توجه به صعب‌العبور بودن راه در طول سال برای زوآر و زنده کردن حیات شخصیتی ایشان چقدر می‌تواند اثرات مثبت ایجاد نماید. غیر از نامبرده، دهها عارف و شاعر مسلمان در استان کردستان در طول تاریخ گذشته بوده‌اند که با تفکر سازنده خود در غنا بخشیدن به فرهنگ دینی و قرآنی چه تأثیرها که بجا گذاشتند که با کمال تأسف فقط اسم و رسم آنها در سینه افراد کهنسال آنهم به محدود معدود باقی مانده است.

امروز یکی از راههایی که می‌تواند جلوی تهاجم فرهنگی را بگیرد، زنده کردن حیات سعادتمندانه و الگوساز این شخصیتها است. ملتی که دارای ریشه تاریخی با این سابقه باشد چرا جوانان آن باید آنها را نشناسند و بجای الگوپذیری از این شخصیتها به الگوهای بیگانه روی بیاورند. استعمار یکی از تاکتیکهایش این است که ملتها را از گذشته‌اش بگیرد و او را پا در هوا بکند و بجای تمدن او را متجدد نماید آنهم در قالب مصرف کننده بی خاصیت ولی محترم!!

چرا باید امروز اگر از جوانی درباره هنرپیشگان سینما در غرب از او سؤال بکنی بجای ۱۰ نفر ۲۰ نفر را نام می‌برد، ولی اگر از دانشمندان یا عارفان محل سکونت خودش سؤال کنی هیچ اطلاعی نداشته باشد غیر از چند شاعر نامدار آن هم برای رفع تکلیف که در دروس مدرسه خوانده است نه برای رفع نیاز.

بنظر می‌آید جهانگردی و ایرانگردی در استان کردستان می‌تواند قدمهای مؤثری در

جایگاهی باورها و اعتقادات بخصوص در بین جوانان داشته باشد. سرمایه‌گذاران فرهنگی کشور باید این زنگ خطر را جدی بگیرند، احساس بی‌هویتی و سرخوردگی در جوانان ما دارد شکل می‌گیرد. تبعات و عوارض آن خواه ناخواه به چشم افراد همین جامعه می‌رود و چنین مواقعی احساس مسئولیتها سنگینی می‌کند. یکی از ابزارهای مؤثر در ایجاد هویت‌سازی و خاصیت‌دهندگی و اصالت بخشیدن به جوانان آشنایی آنها با میراث‌های فرهنگی، علاقمند کردن به مطالعه تاریخی و بهره‌برداری از ظرفیتهای بالقوه اقتصادی و فرهنگی در محیط خود می‌باشد. از جهت دیگر توجه برنامه‌ریزان فرهنگی به فرهنگ مردم و شکوفایی آن، ایجاد تسهیلات و خدمات رفاهی به نقاط دیدنی، زیارتی و جغرافیایی یک ضرورت دیگر می‌باشد. اگر ما در مجموع شاهد این حرکت‌های مردمی و دولتی باشیم تأمین و سلامتی روانی را در اذهان مردم کردستان نسبت به حکومت تضمین کرده‌ایم. مردم احساس می‌کنند که حکومت برای آنها تلاش می‌کند و به گذشتگان او با دید احترام نگاه می‌کنند و آنها را به مردم ایران و حتی مردم سایر کشورها معرفی می‌نماید.

۵- کشور ما چون حرکت بازسازی را شروع کرده و در برنامه پنجساله دوم هم به امر جهانگردی توجه خاصی شده است. در استان کردستان محدودیتهای خدماتی، زیارتی باید کم گردد و نوعی دلگرمی ایجاد کند. چگونگی اجرای آن، برنامه‌ریزی و هدایت آنها مسئولیت متولیان امور را خطیر می‌کند، قطعاً اثرات آن هم از نظر اقتصادی اشتغال‌زا است و هم بار فرهنگی خاص خود را دارد. ضمناً با توجه به خصوصیات ذاتی فرهنگ که یک حرکت تدریجی و دراز مدت دارد تأثیر و تأثر آن در آینده به بار می‌نشیند.

مرزی بودن استان حساسیت مسأله را دوچندان می‌کند. وجود افراد مشکوک و غارتگر در منطقه که در مواردی به غارتگری فرهنگی و حفاری نقاط باستانی بصورت غیررسمی و انفرادی می‌پردازند از یکطرف و بیکاری زمینه تبلیغات منفی افراد از طرف دیگر می‌تواند تأثیرات بد و منفی فرهنگی بجا بگذارد. قطعاً برای جلوگیری از چنین خسارتهای جبران‌ناپذیری تلاش دولت و توجه لازمه آنها را می‌طلبد که هم باعث غنای فرهنگی می‌گردد و هم اهداف دولت را در برنامه‌های دراز مدت تأمین می‌نماید.

با توجه به موارد یادشده می‌توان نتیجه گرفت، حرکت دولت در ایجاد و گسترش فرهنگ توریستی هم اثرات مثبت اقتصادی و هم فرهنگی دارد. قدمت تاریخی، وجود سرزمینی کوهستانی و دیدنی و جلوه‌های زیبای طبیعت بکر آن می‌تواند مواد فکری و فرهنگی اهل قلم و فرهنگ دوستان را فراهم نماید که مجموعه عوامل یاد شده تأثیرات عمیق و پایداری بر گرایشها و اعتقادات سایر مردم دارد و هم می‌تواند متأثر شود. در مجموع برخورد و تقابل فرهنگی اثرات متقابلی هم بر فرهنگ منطقه و هم بر فرهنگ سایر مناطق می‌تواند داشته باشد.

والسلام

﴿بنام آنکه سرخط نگارش است﴾

جایگاه جهانگردی در استان کردستان

پوراندهخت اعتمادیه - کارشناس جامعه شناسی

مقدمتاً باید بگویم که ما چگونه زیسته‌ایم و چگونه باید زندگی کنیم؟ چه بوده‌ایم و چه باید باشیم.

جهانگردی یا توریسم که در دنیای قدیم منحصر به موارد تجارت و رسالت و زیارت و سفرهای مکتشفین و درویشان و مسافرتهاى استثنایى ماجراجویان و عالمان کشف قاره‌های ناشناخته بوده، امروزه یکی از مسائل مهم و مؤثر اقتصادی و یکی از عوامل برجسته ارتباط اجتماعی و فرهنگی در حدّ یک مسأله مهم جهانی قابل توجه و بررسی است. در همان حال که روز به روز از پرتو امکانات و مقتضیات عصر حاضر صنعت توریسم تفریحی و فرهنگی رشد کرده و به آن توجه شده باید ما نیز این نکته را فراموش نکنیم که سرزمین باستانی ایران از دیرباز تا کنون مهد پرورش و تکامل فرهنگهای متنوعی بوده است. اگر فرهنگ را مجموعه دستاوردهای معنوی انسان در طول زمان تعریف کنیم، ایران چه به دلیل قدمت این دستاوردها و چه به دلیل اصالت آن از غنی‌ترین گستره‌های فرهنگی دنیاست و به این واقعیت دنیای خارج بیش از خود ما اعتراف دارد. ایران با بهره‌گیری از سوابق تاریخی و فرهنگی و ویژگیهای طبیعی و

معیشتی خود توان جهانگردی قابل توجهی را داراست. آثار تاریخی بازمانده از دوره‌های مختلف، استقرار در فلات ایران به موازات چشم اندازهای طبیعی متنوع ساحلی، کوهستانی، بیابانی و کویری در آمیزش و ترکیبی هماهنگ با بناهای تاریخی و میراث‌های مذهبی و فرهنگی مجموعه‌ای از انگیزه‌های گوناگون را برای دیدار از ایران فراهم می‌سازد. افزون بر اینها، ایران امروز به عنوان یک محور سیاسی فعال در جهان اسلام و یک الگو در میان کشورهای معروف به جهان سوم نظر بسیاری از جهانیان را به خود جلب کرده است. از این رو انگیزه‌های عمده دیدار از ایران را می‌توان در انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی، زیارتی، فرهنگی و آثار تاریخی و طبیعی و استراحتی خلاصه کرد. ایران دارای زمینه‌های پربار از انگیزه‌های سفر می‌باشد و با توجه به میراث‌های تاریخی و فرهنگ غنی باستانی مجموعه کاملی از فرهنگ گذشته‌های دور و نزدیک را ارائه می‌کند و هرکس می‌تواند به تناسب سلیقه و فرهنگ خود انگیزه دیدارش را در این کشور پهناور و پربار باز یابد.

ایران به دلیل قدمت تاریخی و تکاپوی مستمر اجتماعی و فرهنگی خود دیدنی‌های متنوعی را داراست که می‌توانند طیف وسیعی از توقعات و نظرات مسافران را تأمین نمایند. هر مسافری که با هر انگیزه‌ای به ایران مسافرت نماید می‌تواند مطابق اهداف، ذوق و برنامه خود در ایران دیدنی‌های موردنظر خود را باز یابد. نباید فراموش کرد که بهترین راه شناخت سرزمین و مردم هر کشوری آشنایی با فرهنگ سنتی، زبان، دین و آداب و سنن دیرپای مردم کوچه و بازار و برقراری و تماس مستقیم با آنهاست. خانواده‌های ایرانی اصولاً گشاده‌روی و میهمان نواز هستند با زمینه مختصری می‌توان به درون خانواده ایرانی راه یافت و از چگونگی زندگی، معیشت، طرز تفکر و نقش اجتماعی آنان و بسیاری از خصوصیات که در نوشته‌ها نگنجد آگاه شد. بویژه نسل جوان و میانسال ایران که عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی سنگینی هستند می‌توانند گویای واقعیتهای بسیاری از بطن جامعه ایران باشند و و حقایق اجتماعی زیادی را به علاقمندان بنمایانند.

خوشبختانه دست‌اندرکاران صنعت توریسم در کشور ما نیز به منظور تحصیل ارز و

ترویج صنایع ملی و از همه مهمتر شناخت کشور به مردم خود و سایر نقاط جهان فعالیت گسترده‌ای در زمینه جهانگردی و توسعه انجام داده‌اند. نواحی توریستی و دیدنی ایران به دلیل گستردگی کشور و تنوع محیطی آن بسیار گونه‌گون هستند. تقریباً هر گوشه از ایران به نوبه خود توان جهانگردی قابل توجهی دارد.

یکی از بارزترین آنها سرزمین کوهستانی استان کردستان به مرکزیت سنندج است که با جاهای دیدنی و بیادماندنی جایگاه آثار ذیقیمت باستانی هستند، برای هر بیننده جذابیت و تازگی خود را حفظ کرده و وجود قبایل کُرد، کلیایی، گورانی، سنجابی، جافی و کلهر با زبان و پوشش زیبای محلی خود بیانگر قدمت و سنت‌گرایی این خطه زیبای ایران است. کردستان از مراکز مهم صنایع دستی به شمار می‌آید که فراورده‌های آن قالبیافی و از همه مهمتر گلیم معروف خطه کردستان در دنیا معروفیت خاصی دارد. از دیگر محصولات دستی آن: خراطی چوب، لباسهای سوزندوزی، قلاب‌دوزی و پولک‌دوزی که در جشنهای خانوادگی زیورشان است و با تن پوش محلی جلای خاصی به زنان و دختران می‌بخشد و ما در آخرین نمایشگاه جهانگردی شاهد غرفه کردستان بودیم که لباسهای محلی با پوشش کاملاً اسلامی چقدر زیبا و پرتعداد بود. دیدار از نازک‌کاری چوب، دستبافی، خراطی، ساخت زینت‌آلات محلی، روکاری، سفال‌سازی، حصیربافی، گیوه‌دوزی، نمدمالی و ساخت محصولات چرمی، سجاده، موج، شال، جاجیم، گلیمچه و پارچه لباسی که در اکثر نقاط شهری و روستایی کردستان تهیه می‌شود برای هر بیننده افتخار آمیز و جالب است. بعلاوه زینت‌آلات محلی که در خطه کردستان ساخته می‌شود سابقه بسیار کهن دارد و صنعتگران این خطه از قدیم با استفاده از قراضه‌های برنج، ورشو و نظایر آن به ساختن انواع زیورآلات با طرح و شکل‌های محلی می‌پرداختند که شامل انواع گردن‌بند و دستبند، سینه‌ریز، الگو، سربند، انگشتر و گوشواره است. نازک‌کاری چوب در سنندج دارای رونق و سابقه طولانی و انواع محصولاتش بدین قرار است: قوطی سیگار، شیرینی‌خوری، کیف زنانه، جعبه توال، سینی، بشقاب و آجیل‌خوری، جلد آلبوم و تخته نرد که هرکدام از این هنرها برای جلب توریست داخلی و خارجی سهم بسزایی دارند. و این همه هنر و آداب و رسوم و ذوق

سرشار ملتی را گواهی می‌دهد که تسلط ظالمانه هیچیک از اقوام مهاجم نتوانست آن را به نیستی بکشاند و در واقع می‌توان گفت هر کدام از این هنرها نشانه‌ای از پایداری در مقابل ناملایمات و نشانه‌ای از سرزندگی و غرور راستین آنها در مقابل یورش‌های ضدفرهنگی بیگانگان است. زبان مردم غیور کردستان، کُردی از شاخه ایرانی فارسی می‌باشد که تمام مردم کردستان با آن سخن می‌گویند. نام کردستان که دلالت بر سرزمین ویژه کُرد دارد برای اولین بار در قرن ۱۲ میلادی در زمان فرمانروائی سلطان سنجر بکار برده شد. کُردها از اصیل‌ترین تیره‌های آریایی هستند که قرن‌هاست از کرانه‌های بین‌النهرین و کشور عراق و ترکیه تا مرزهای شوروی سابق بخصوص سرزمین ایران ساکن هستند. کُردها ظاهراً از اعقاب عناصر آریایی هستند که در ادوار مختلف به مناطق کوهستانی کردستان آمده و لهجه ساکنین بومی را که قبلاً در آنجا بوده‌اند اقتباس کرده‌اند.

کُرد یکی از شاخه‌های درخت کهن سال برومند نژاد ایرانی است که همواره در نقاط مختلف ایران با عزت و احترام زیسته و پیوندهای محکم او را با سایر شاخه‌های این درخت مربوط ساخته است. اسناد تاریخی ثابت می‌کند که وفاداری طوایف کُرد چه آنها که در کوهستان زاگروس و ماوراء آن بوده‌اند و چه آنها که در پارس و سایر بلاد ایران مسکن داشته‌اند نسبت به ایران خیلی بیشتر از سایر طوایف ایرانی نژاد بوده است و طبق تحقیق باستان‌شناسان مردم کُرد هم از حیث مکان و هم از حیث زبان و حوادث تاریخی جزء قوم ماد بوده و هیچ مدرک و سند استواری مبنی بر جدایی آنها از یکدیگر وجود ندارد.

کردستان از نظر تقسیمات کشوری شامل ۶ شهرستان، ۱۰ شهر، ۱۹ بخش، ۷۰ دهستان و ۱۹۷۴ آبادی می‌باشد و مرکز آن سنندج است و شهرهای سقز، بانه، مریوان، قروه، بیجار، کامیاران، دیواندره و سریش‌آباد جزء شهرهای مهم استان است. مردم استان کردستان اکثراً مسلمان و پیرو مذهب شافعی هستند. سنندج به موجب مرکزیتی که داشته دارای ابنیه و بازارها و مساجد فراوانی است و محلی مناسب برای داد و ستد و تولید صنایع دستی و اصولاً مرکز اقتصادی مهمی در کردستان بوده و بهمین مناسبت در

طول سالیان دراز بازار این شهر محل خرید و فروش متاع روستایی و عشایر شده است. در گذشته نه چندان دور که مناسبات اجتماعی به مقتضای تغییر و تسریع ارتباطات دگرگون نشده بود اقلام صادراتی مهمی داشته و در نتیجه نسبت به سایر نقاط استان دارای عمارات، ابنیه، بازارها، کاروانسراها و میادین آثار معماری شهر سنندج که از دوره صفویه تا دوره قاجاریه به یادگار مانده شامل بازار سرپوشیده، مسجد جامع یا دارالاحسان، عمارت خسرو آباد، وکیل، مشیر، آصف، حمام‌ها و بناهای دیگر است که در کل علاوه بر زیبایی ظاهر که مشابهتی با معماری مرکزی ایران دارد، از تجربیات معماری محلی در بکارگیری مواد بومی و شیوه بنایی، ویژگیهایی را داراست که نهایتاً هویتی معین را دربر دارد و به نه بخش اسکلت، بنای اصلی، نمای خارجی و تزئینات داخلی که (ارسی و گچ‌بریهای آن بسیار بدیع و منحصر بفرد است) تقسیم شده، دیگر موزه سنندج است که قسمتی از آن از آجر و سنگ و چوب ساخته شده و سقف زیبای سالن از چوب قاب‌سازی گردیده است. جالبترین قسمت موزه ارسی بزرگ تالار است که ۶ متر ارتفاع دارد و کار هنرمندانه استاد حبیب سنندجی است که مدت ۴ سال به همراهی ۲ پسر خود موسی و نعمت آن را ساخته، این یکی از شاهکارهای هنر نجاری است و از نظر عظمت در ایران بی‌نظیر است. در این موزه مجموعه‌ای از آثار کشف شده از روستاهای استان کردستان وجود دارد که هر کدام از آنها متعلق به دوره‌های اسلامی و یا ماقبل تاریخ می‌باشد و اشیاء دیگری نیز مربوط به هنرهای ملی، تزئینی، مردم‌شناسی و غیره در آن نگهداری می‌شود که برای هر بیننده شاهکاری به تمام معنی است. یقیناً این گونه آثار بی‌همتا می‌تواند مسافران مشتاق را برای دیدار از اینهمه زیبایی گسیل دارد. دیگر مسجد جامع یا دارالاحسان است که در نهایت ذوق و استحکام بنا گردیده که دارای ۲۴ ستون سنگی است و ظرافت معماری آن را به مشهود می‌توان دید. در کتیبه دور مسجد و ایوان و اطراف ستونها آیات شریفه قرآن به خط زیبایی نوشته شده است. تمام سنگها مرمر سفید است که از روستای قصلان از توابع قروه استخراج گردیده و دورتادور طاقهای گنبدی این بنا با خط کوفی بر روی کاشیهای رنگین نوشته شده است. یکی دیگر از عمارات زیبای سنندج خانه آصف است که دارای سبک معماری

منحصر بفرد است و به سبک معماری دوره صفویه ساخته شده است در اینجا بجرأت می‌توانم بگویم هر نقطه از این خطه سرسبز برایمان جالب و زیباست و هر مسافر با دیدن این همه چیزهای تازه در موقع برگشت خاطره‌ای خوب و توشه‌ی پربار به همراه خواهد داشت.

حال به سراغ شهر بانه می‌رویم. این شهر از نظر طبیعی یکی از غنی‌ترین شهرهای منطقه است که بین سقز و مریوان قرار دارد و در آنجا بافتن شال برای تهیه لباس کردی، انواع دست‌بافته‌ها مانند سجاده، جاجیم، گلیم، کلاش (نوعی گیوه)، جوراب و دستکش پشمی، کلاه عرقچین، نمد زیرانداز و لباده‌سازی معمول و متداول است که هرکدام از این هنرها برای تازه‌واردین و توریست‌ها بسیار دیدنی و جالب است.

دیگر شهر بیجار؛ در این منطقه تمدنهای عظیمی وجود داشته و به همین علت است که آثار باستانی و تاریخی فراوانی در این منطقه به چشم می‌خورد. انگشتهای هنرمند و چشمهای تیزبین زنان بیجاری بر نقشه‌های قالی می‌چرخد تا دستهای توانایشان گره قالیها و گلیم‌های زیبا و با دوام و مرغوب گروس را پیوند بزنند. این منطقه دارای تمدنی کهن است و کتیبه‌های که در بعضی از نقاط قریه قم‌چقا کشف شده و به خط هیراتیک نوشته شده ثابت می‌کند که قبل از پیدایش دولت آشور (حدود ۳۰۰۰ سال قبل) در این منطقه تمدنهای عظیمی وجود داشته و به همین علت آثار باستانی و تاریخی فراوانی به چشم می‌خورد که مهمترین آنها شامل قلعه قم‌چقا یا درّه پادشاهان و قلعه قزل قلعه و پل قدیمی صلوات آباد است و از اماکن متبرکه امام زاده عقیل را می‌توان نام برد.

دیگری شهر تاریخی سقز است که در طول تاریخ کهن خود پیوسته در معرض حملات آشور و روم بوده و پس از آن نیز حملات از مغول و امپراطوری عثمانی مصون نمانده است. در سالهای اخیر کاوشهای مفصلی برای شناسایی آثار تاریخی منطقه به عمل آمده است که نشان دهنده آثار باستانی و تاریخی بسیار است. غار تاریخی کرفتو در ۷۶ کیلومتری سقز که آثار دو بنا در این غار که به دوره اشکانی حدود قرن سوم پیش از میلاد نسبت داده شده، نقش سواری را که روی یکی از دیوارهای بنا حجاری شده

است، نقش فتوحات گودرز اشکانی دانسته‌اند. دیدن صنایع دستی این منطقه برای هر تازه‌وارد درخور توجه است که شامل پیپ، عصا، چوب سیگار که عموماً چوبی و بسیار مرغوب می‌باشند. همچنین قالی، گلیم، جاجیم و جانماز از دیگر صنایع دستی این شهر می‌باشد.

شهر قروه یکی دیگر از شهرهای کردستان می‌باشد که دارای فرهنگ محلی کُرد و ترک که آمیخته از همدان و کردستان است. ارتباط قروه با همدان از یک سو و تأسیسات و ادارات تابع کردستان از سوی دیگر در به هم پیوستگی هسته جمعیتی و نگهداری ثبات مداوم آن در منطقه بی‌نهایت مؤثر بوده است. سبک خانه‌ها و آداب و رسوم اجتماعی و تار و پود اصلی شهر، قدیمی و نشانگر گذشته‌ای اصیل و استوار است. در یکی از دهات قروه به نام باباگرگر تپه‌ای قرار دارد که آرامگاه امامزاده‌ای به نام سیدجمال‌الدین در بالای آن قرار دارد و اکنون زیارتگاه مردم است. در این مکان چند چشمه آب معدنی نیز وجود دارد.

شهر مریوان یا شهر پاسداران مرزی که به واسطه هم مرز بودن با کشور عراق از مناطق فوق‌العاده حساس کردستان به شمار می‌رود. در منطقه مریوان علاوه بر جنگلهای سرسبز و مناظر زیبای طبیعی، دریاچه آب شیرین (زریوار) قرار دارد. و کلمه زریوار به زبان پهلوی به معنی دریا مانند است و آب آن از چشمه‌هایی که از کف دریاچه می‌جوشد تأمین می‌شود که در زمستان آب دریاچه منجمد می‌گردد و از این نظر برای ایجاد یک پیست اسکی روی یخ مناسب است و این خود برای جلب توریست و آمد و رفت جهانگردان چیز نو و جالبی است.

دیگر منطقه اورامان است که دارای آب و هوای خوش همراه با چشمه و رودخانه و مناظر طبیعی بسیار زیبا می‌باشد، زبان و فرهنگ و آداب و رسوم مردم اورامان خود گویای یک پیشینه کهن است زیرا که مرکز تعلیم آئین زرتشت در قبل از اسلام بوده و زبانشان احتمالاً لهجه‌ای از زبان پهلوی ساسانی است. مقبره پیر شالیار آخرین موبد زرتشتی که به اسلام گرویده است در آنجا قرار دارد آیا این همه آثار درخشان و کهن

باستانی و تاریخی کافی نیست که هر مشتاق دیدن اینهمه زیبایی را از داخل و خارج بسوی خود جلب نماید.

حال چه کنیم که صنعت توریسم در اقصی نقاط کشورمان فعال شود. این را خوب می دانیم که تا قبل از انقلاب اسلامی سیاستهای برنامه ریزی عمدتاً متوجه مراکز شهری و صنعتی بود و به همین دلیل مسافران جاذبه هایی را می دیدند که عمدتاً در شهرهای بزرگ قرار داشتند. بدین ترتیب بخش های وسیعی از کشور که به دلیل نبودن راه خوب و عدم امکانات دسترسی با تمام محتوای غنی فرهنگی از نظرها دور مانده بود. بعد از انقلاب اسلامی بویژه توسعه راهها و توجه به صنعت توریسم بسیاری از نمودهای فرهنگی حتی در دورترین نقاط کشور ظاهر شدند و بدین ترتیب زمینه های پربار دیدنیهای ایران را حتی در استانهای دورافتاده غنی تر کرده و روز به روز بهبود می بخشد. امروزه جهانگردی می تواند به عنوان یکی از ابزارها و مؤلفه های مهم توسعه محرومیت زدایی به شمار آید و هیچ طرحی نیست که اثرات فرهنگی این پدیده زمان را از دید اثربخشی آن نادیده گرفت. سیر و سفر در ابعاد جهانی امروزه خود بسیاری از رشته های فرهنگی و علمی را متوجه خویش کرده و رابط میان دانش عصر حاضر است. آثار و نشانه های متنوع و مختلفی که از سیر تکوینی فرهنگ و تمدن ایران به جای مانده می توان به عنوان جاذبه های توریستی مورد استفاده قرار داد. در صورت سرمایه گذاری در این زمینه ها و تبلیغات صحیح می توان هر عاشق سفری را بسوی خود جلب نماید. این حقیقت که فعالیتهای صنعت توریسم تا حد زیادی به سایر فعالیتهای جاری و عمرانی یک کشور وابسته بوده و همچنین متکی به ایجاد تأسیسات زیربنایی گوناگون و سایر عوامل حمایت کننده از آن می باشد. بنابراین به منظور ایجاد هماهنگی و تنظیم پروژه های مربوطه بر توسعه منابع توریسم باید بین وزارتخانه ها و سازمانها و ادارات مانند وزارتخانه ارشاد، دارایی و اقتصاد کشور و برنامه و بودجه هماهنگی لازم صورت گیرد. در شهرهای حاشیه و دورافتاده ایران مسأله توریسم تاکنون جایگاه واقعی خود را نیافته و برغم موقعیت مناسب جغرافیایی بین دنیای شرق و غرب و وجود بسیاری از مواهب طبیعی و فرهنگی و انواع جاذبه های قابل عرضه به بازارهای جهانگردی

بین‌المللی، درآمد ارزی ایران از این بابت بسیار ناچیز بوده است، البته مشکلات و تنگناهای متعددی در راه رشد و توسعه صنعت توریسم وجود دارد که نباید از نظرها دور بماند.

در اینجا به مهمترین آنها باختصار اشاره می‌کنیم:

۱- مشخص نبودن هدفها و سیاستهای جهانگردی و ایرانگردی به نحوی که راهگشای ادامه فعالیتها در این زمینه باشد.

۲- هجوم تبلیغاتی استکبار جهانی برای مخدوش کردن چهره واقعی انقلاب اسلامی و ایجاد مشکلات سیاسی و اجتماعی در سطح بین‌المللی به منظور به انزوا کشیدن جمهوری اسلامی ایران.

۳- عدم تطبیق و هماهنگی فرهنگ جهانگردان برخی از کشورهای خارجی با فرهنگ اسلامی در روابط و برخوردهای اجتماعی.

۴- کمبود امکانات مالی برای توسعه و تجهیزات مورد نیاز صنعت جهانگردی در کشور.

۵- کمبود نیروی انسانی کارآموزده و متخصص در امر سیاحت در دفاتر ایرانگردی و جهانگردی و بی‌اطلاعی کادر شاغل در مؤسسات جهانگردی از قبیل خدمتگزاران هتل و کارکنان آژانسها و راهنمایان جهانگردی، نبود هتل و مهمانسراهای کافی در بیشتر استانهای کشور که با آمدن همزمان چند تور از کشورهای مختلف با کمبود و نبود جا روبرو هستیم.

حال برای مقابله با این نواقص و کمبودها چه باید بکنیم:

۱- ساخت و محتوی برنامه‌ریزی توریستی.

۲- شرایط ایجاد سازمانهای جهانگردی و آشنا شدن به وظایف و هدف آن.

۳- مسأله راهنمایان خبره جهانگردی و امکان ادامه تحصیل آنها تا حد لیسانس.

۴- آموزش کارمندان سازمانهای جهانگردی و ایجاد آموزشگاهها و مدارس عالی برای آنها.

۵- آموزش کارمندان هتلها و حداقل دانستن یک زبان بین‌المللی برای عده‌ای از آنها.

۶- تبلیغات در صنعت توریسم.

۷- ایجاد هتل‌های مدرن و قابل استفاده خوب برای جهانگردان داخلی و خارجی.

۸- پایین آوردن هزینه‌های توریستی برای مدت کوتاهی و ایجاد تسهیلات محلی در اکثر هتلها.

۹- ساختن مجتمع‌های توریستی و هتل و مهمانسرا و میهمان پذیر و از آن هم توقع را پایین‌تر آوریم برای کسانی که دوست دارند سفر کنند ولی از نظر مادی آنچنان نیستند. ایجاد کمپ و چادر توسط بخش خصوصی که این کار قدم بزرگی است برای پیشرفت و ترقی صنعت جهانگردی ما و در کنار آن ایجاد کار برای نیروهای جوان.

۱۰- تأسیس پارک، شهر بازی، باغ وحش و تله‌کابین، استانه‌ای ما را از حالت رکود بیرون می‌آورد چه استان با صفای کردستان و چه دیگر استانها، زیرا هر جای ایران برای ایرانی‌گرمی است.

۱۱- استقرار راهنمایان ورزیده و مسلط به زبانهای زنده دنیا در موزه‌ها و اماکن دیدنی و تاریخی کشور توسط سازمان میراث فرهنگی کشور از اقدامات ضروری و لازم است.

۱۲- ایجاد هماهنگی کامل بین سازمانها و نهادهای مختلف برای برگزاری سمینار، اجلاس، نمایشگاه و مسابقات و تورنتمنهای ورزشی بین‌المللی در داخل کشور به منظور شناساندن بیشتر قدمت ایران و جذب هرچه بیشتر توریست.

۱۳- ایجاد فروشگاههای صنایع دستی با عرضه و قیمت مناسب و حتی گاهی با هدیه دادن به جهانگرد و یا مسافر تازه وارد در بین خرید، رضایت آنها را جلب نمایند. پیش‌بینی میزان جهانگردان خارجی و توریستهای داخل در برنامه پنجساله دولت و تجزیه و تحلیل آنچه در بالا آمد موارد لازم را در جهت برنامه‌ریزی‌های توریستی بدست می‌دهد و سرمایه‌گذاری مطمئن را ممکن می‌سازد.

امیدوارم با توجه مسئولین امر صنعت توریسم ما به درجه‌ای نایل آید که شایسته آن است و آرزو می‌کنم روزی صنعت توریسم ما در جای جای مملکت عزیز و پهناورمان جای والای خود را پیدا کند.

﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

بررسی جاذبه‌های سیاحتی مریوان

عبدالقادر سجادی

الحمد لله الرب العالمین و به نستعین. یاد و یادوارهٔ امام راحل در یادها جاودانه و یاد و خاطره شهداء، جانبازان و معلولین انقلاب اسلامی بالاخص هشت سال ایثار، از خودگذشتگی دفاع مقدس در خاطره‌ها ماندنی باد. بدواً مقدم عزیزان، بزرگواران، اساتید و کارشناسان و صاحب‌نظران شناخت جاذبه‌های جهانگردی را به خطهٔ کردستان گرامی می‌داریم و از مدیریت محترم کل فرهنگ و ارشاد اسلامی که این امکان را فراهم نمودند که حقیر با توجه به جایگاه خاص و استثنایی مریوان از نظر جذابیت‌های توریستی چند نکته را به استحضار برسانم کمال تشکر را دارم.

مریوان شهری است زیبا در مغرب کشورمان که فاصلهٔ آن با مرکز استان یکصد و سی و پنج کیلومتر، جاده سرسبز و خرم آن خصوصاً در فصل بهار می‌طلبد هر ایرانی، هر سیاح علاقمند به بازدید طبیعت دیداری از این دیار داشته باشد. مناظر خوش منظر و کوه‌های سربه فلک کشیده مستور از جنگلهای انبوه و چشمه‌های جاری آبراهه‌ها جلوه‌ای بر منطقه بخشیده و طبیعت اورامانات چنان حیرت‌انگیز است که گوئی حق

تعالی تمامی طراوت و شادابی را به این منطقه از کشورمان ارزانی کرده و دیار را مصفی و دیدنی نموده است. زریوار این گوهر گرانبها و موهبت و نعمت الهی که نگینی بر انگشتر مرصع کشور عزیزمان ایران است با مشخصات و ویژگیهای خاص خود که در سراسر گیتی نظیر آن یافت نمی شود مزین بخش زیباییهای طبیعت مریوان است. با عنایات دولت محترم و محبوب جمهوری اسلامی و به طلیعه داری استاندار معظم کردستان، شهرداری مریوان در فصل کاری ۷۴ اقدامات عمرانی وسیعی در جهت ایجاد تفریحگاه و تسهیلات لازم مسافرین و دیدار کنندگان دریاچه به عمل آورده، پلاژهای استراحت موقت به تعداد کافی و آنچه که لازمه دیدار و استراحت باشد فراهم نموده است. خوشبختانه مریوان با داشتن مهمانسرائی مناسب مشرف بر دریاچه مشکل نگهداری سیاحان را ندارد و به همین خاطر در سال جاری در مریوان سرمایه گذاری متناسبی در رابطه با احداث هتل با ۴۵ سویت صورت گرفته و در حال احداث است. بحث در ارتباط با جاذبه های توریستی مریوان بسیار است، وقت اکتفا نمی کند به مختصری از شرح دریاچه زریوار بسنده می نمایم.

دریاچه زریوار یا زریبار مریوان:

۱- حدود و موقعیت:

در ۲ کیلومتری شهر مریوان در استان کردستان، در گودترین نقاط جلگه آن دریاچه زریوار یا زریبار وجود دارد که اهالی محلی مریوان به آن دریاچه زریبار می گویند ولی در اغلب مناطق دیگر کردستان به دریاچه زریوار معروف است.

این دریاچه که دارای آب شیرین می باشد در مساحتی حدود ۹ کیلومتری مربع، با طول ۴/۵ کیلومتر و عرض ۲ کیلومتر و عمق متوسط ۵ متر که در بعضی جاها عمق آن به ۱۸ متر می رسد ولی در اغلب نقاط عمق دریاچه بین ۲ تا ۳ متر در نوسان است. طول محیط دریاچه، ۲۵ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۸۵ متر است. حجم ذخیره ای دریاچه به حدود ۳۲ تا ۴۷ میلیون مترمکعب تخمین زده می شود. دریاچه در گذشته

مساحت آبی زیادی داشته ولی به مرور زمان به علت عدم توجه و لایروبی ننمودن آن و هجوم ریشه نی‌های اطراف، از مساحت آن کاسته شده چنانکه از ۲۰۰۰ هکتار مساحت آبی در گذشته نه چندان دور به ۱۷۰۰ هکتار در حال حاضر رسیده است که اگر ۳۵ متر حریم پوشیده از نی آنرا به حساب بیاوریم، فعلاً به ۱۹۷۰ هکتار محدود می‌شود.

۲- وجه تسمیه دریاچه:

نام زربار یا زربواریادگاری است از زبان پهلوی که قبل از اسلام در منطقه متداول بوده و مردم به آن تکلم می‌نمودند. از لحاظ لغوی زره (با یای غیر ملفوظ) یا زری به معنای دریا و بارها به معنای کنار آمده و در مجموع زربار به معنای دریا کنار می‌باشد.

۳- منابع تأمین کننده آب دریاچه:

منابع تأمین کننده آب دریاچه، سفره‌های زیرزمینی آب است که در نتیجه بارش و باران، بعلت نفوذپذیری کوهها و دشتهای اطراف به وجود می‌آید که بصورت چشمه‌های خودجوش در کف دریاچه که پست‌ترین نقطه منطقه می‌باشد ظاهر می‌شود که البته محل جوشیدن چشمه‌های کف دریاچه را در زمستانهایی که سطح دریاچه یخ می‌بندد مشخص نموده. چه جاهائیکه چشمه‌ها در آن قرار گرفته‌اند یخ نمی‌زند و به صورت حفره‌های متعدد، در سطح یخ‌زده دریاچه دیده می‌شوند. در تابستانها هم اغلب کسانی که در دریاچه شنا می‌کنند به نقاط سردی در آب دریاچه که دمای آن از دمای آب دریاچه سردتر است برخورد می‌کنند. این مناطق سرد چشمه‌هایی است که از دل زمین در کف دریاچه می‌جوشد، که مقدار بسیار عظیمی از منبع آب دریاچه را تأمین می‌کند. مقدار بسیار ناچیزی هم از منبع تأمین کننده آب دریاچه در فصول بارندگی، از نزولات جوئی است که از دامنه‌های ارتفاعات پوشیده از جنگل اطراف دریاچه سرازیر می‌شود، تأمین می‌گردد. اگر چه هیچ رودخانه‌ای به دریاچه نمی‌ریزد، با این وصف از همین منابع جوشان کف دریاچه، رودخانه‌ای در قسمت جنوب شرقی دریاچه جاری می‌شود و پس از طی مسافت چندین کیلومتر در حوزه ورستاهای نژمار، وشکین و ذکریان تا پشت قریه بهرام آباد امتداد یافته و با رودخانه دزلی یکی شده آنگاه به رودخانه گاران یا (گردلان)

می‌پیوندند و نهایتاً پس از پیوستن به چندین رودخانه منطقه یکی از شعبات مهم رودخانه سیروان را تشکیل می‌دهد. متأسفانه با وجود اینکه دریاچه مشرف به اراضی وسیعی از دشت مریوان و دشت خاومیرآباد می‌باشد به واسطه عدم انجام اقدامات و کارهای اجرایی از قبیل بستن بند و سد به منظور مهار کردن آب دریاچه کلیه آبهای آن جز مقدار بسیار کمی در کنار رودخانه پژاد که به مصرف آبیاری مزارع می‌رسد، بقیه هرز و هدر می‌رفت. خوشبختانه با اقداماتی که اخیراً بعمل آمده انتظار می‌رود تا از تمام آب دریاچه به طرق مختلف استفاده شود. بدون شک زیبایی اطراف دریاچه با کوههای جنگلی و نیزارها با اقدامات اخیر می‌تواند دریاچه را در زمره مراکز مهم توریستی استان کردستان و غرب کشور درآورد.

۴- افسانه پیدایش دریاچه:

در میان داستانهایی که در منطقه روایت می‌شود، افسانه‌ای است که طی قرن‌ها دهان به دهان نقل شده و از نسل‌های گذشته به ما رسیده است، که از چگونگی پیدایش دریاچه سخن به میان می‌آورد.

می‌گویند، در جای فعلی دریاچه در زمانهای بسیار قدیم شهری بوده، بسیار آباد، با برج‌های رفیع و باروهای محکم و متعدد. این شهر حاکمی داشته به نام فیلقوس که حاکمی جبار و ظالم بوده است و به هر نحو ممکن مالیاتهای سنگین را به مردم تحمیل نموده و از مصادره اموال و به بیگاری کشیدن مردم دریغ ننموده، در آن زمان درویشی به همراه زنش و یک رأس الاغ که تمام مایملک زندگیشان را بر دوش آن گذارده، گذارشان به این شهر می‌افتد که به علت نداشتن وجهی به منظور پرداخت باج برای ورود به شهر، خود و زن و الاغش به بیگاری گرفته می‌شوند. در اثر فشار زیاد کاری و سنگین بودن بار زحماتشان، هم زن و هم الاغ که آستن بوده‌اند سقط جنین می‌کنند. درویش هم به عنوان دادخواهی نزد حاکم شهر می‌رود و پس از بیان ماجرا، حاکم در جواب با ریشخند به درویش می‌گوید: اینکه کاری ندارد، به سربازانم دستور می‌دهم که برایت بچه درست کنند و الاغت هم پس از جفتگیری مجدداً آستن می‌شود. درویش با شنیدن این سخنان

سراسیمه از شهر خارج می‌شود و در کنار شهر در محلی که هم اکنون به قبر درویش مشهور است، سر بر آستان زمین می‌نهد و از خداوند بزرگ می‌خواهد که شهر را به دریاچه‌ای تبدیل نماید تا تمام زورمداران در آن غرق شوند پس از مدت زمانی طولانی که درویش با خدای خود در راز و نیاز بوده و بخواب رفته و با صدای غرش آب و بهم خوردن امواج بیدار می‌شود، دعایش مستجاب و شهر را غرق در آب می‌بیند.

این داستان که سینه سینه نقل شده و از گذشتگان به ما رسیده و از آن یاد می‌شود افسانه‌ای بیش نیست ولی آنچه مسلم است، یادآور ظلم و ستمهایی است که در گذشته‌های دور به مردم شده است. بدون تردید، دریاچه زریبار (زریوار) پدیده‌ای است که در اثر فعل و انفعالات زمین و عوامل جغرافیایی در اواخر دوران سوم زمین‌شناسی بوجود آمده است. با این وصف احتمال دارد که در گذشته در نزدیکیهای دریاچه شهری بوده باشد، که در اثر عوامل طبیعی و یا جنگ از بین رفته ولی تبعات ظلم و ستم حاکمان شهر پس از مدتهای طولانی از نسلهای گذشته به ما رسیده است.

تعدادی از متقدمین بر این عقیده‌اند که زریبار بازمانده شهری است بنام سدوم که در گذشته‌های دور به زیر آب رفته و بصورت فعلی درآمده است.

عده‌ای هم زریبار را شهر فیلقوس و حاکم آن را ثمن صفری دانسته که به علت ظلم و جور زیاده از حدی که به مردم روا داشته در اثر دعای درویشی بصورت دریاچه درآمده است.

در ادبیات فولکلوریک منطقه نیز اشعار و ترانه‌های زیادی درباره زریبار گفته شده که هر کدام از آنها به نحوی از وجود شهر سخن به میان می‌آورد. یکی از این اشعار که به عارف نامی منطقه ملا ابوبکر مصنف چوری که در سالهای ۹۰۹ تا ۱۰۱۴ هجری قمری می‌زیسته است و مقبره‌اش در روستای چور در ۲۰ کیلومتری شهر مریوان قرار دارد و مطاف خاص و عام منطقه است نسبت می‌دهند چنین است:

سالی به وئه یام زریبار شار بوو سی‌سه‌د، ده‌روازه و چوار سه دمنار بوو

۵- جانوران دریاچه:

دریاچه با داشتن ماهی فراوان در گونه‌های مختلف هر ساله تعداد زیادی از آنها توسط ماهیگیران صید و به مصرف خوراک اهالی می‌رسد که مقدار زیادی از پروتئین گوشتی منطقه را تأمین می‌نماید و مقداری از آن هم به دیگر شهرهای استان خصوصاً سنندج صادر می‌شود. انواع ماهیهای دریاچه عبارتند از: ماهی سیاه، عروس یا ماهی سفید، ماهی کپور، سیاه ماهی، مار ماهی، ماهی آلبرنوئید، ماهی آلبرنوس، ماهی کامیوزیا (آمور سفید) لازم به توضیح است که تا چند سال اخیر برای صید ماهی در دریاچه از ابتکارات سنتی و تجارب محلی استفاده می‌شد.

غیر ماهی پرندگان زیادی از جمله: مرغابی، غاز، اردک، پلیکان، فلامینگو، آنقوت، ماهیگیر، اردک سبز، اردک درّه‌ای، اردک سیاه کامل، مرگوس بزرگ، فیلوش، کشیم بزرگ و کوچک، گیلار، چنگر، خوتکای کاکلی، خوتکای سفید، حواصیل خاکستری، لک لک سفید، ماهی خوراک کوچک و غیره در اطراف دریاچه زندگی می‌کنند و شکارچیان به شکار تعدادی از گونه‌های مختلف آنها می‌پردازند. همچنین سالیانه مردابهای اطراف دریاچه پذیرای تعداد زیادی از مرغان مهاجر دریایی نیز می‌باشد که پس از استراحت کوتاه مجدداً به سفر دور و دراز خود ادامه می‌دهند.

از جانوران دیگر دریاچه سگ آبی است که متأسفانه به علت عدم توجه و شکار بی‌رویه آنها توسط شکارچیان نسل آنها روبه انقراض است از این گونه جانور که در میان ریشه‌های نی‌های دریاچه لانه‌های خود را می‌سازند و با کانالهای متعدد و به هم متصل می‌نمایند، تعداد کمی باقی مانده است جا دارد برای بقای نسل آن، مورد حفاظت قرار گیرند.

مار آبی هم در اطراف و میان مردابهای دریاچه به حد وفور دیده می‌شود در حال حاضر از جمعیت آنها کاسته شده و به ندرت دیده می‌شوند در صورتیکه که در سالهای گذشته در کنار دریاچه مانند رشته روی هم انباشته می‌شدند. ضمناً نیزارهای اطراف دریاچه تا چند سال اخیر جایگاه گرازهای وحشی بوده که بخاطر ضرر و زیانیکه به کشاورزان منطقه وارد می‌کردند همه ساله در فصل پائیز نیزارهای اطراف دریاچه توسط

کشاورزان به آتش کشیده می‌شد، با شعله‌ور شدن آتش از سوختن نی‌ها گرازها، از نیزار خارج و به کوههای اطراف پناه می‌بردند. آنگاه مردم محل برای رهایی از زیانهای متعددی که توسط این گرازها متحمل می‌شدند به همراه سگهای خود که برای شکار گراز تعلیم داده بودند به تعقیب گراز پرداخته و آنها را شکار می‌کردند.

۶- زیباییهای طبیعی زیربار:

اطراف دریاچه را کوههای بلند از جمله سیرآجی (سیرحاجی) و بیسران و... احاطه نموده است. وجود جنگل در کوههای اطراف دریاچه منظره‌ای بس بدیع را بوجود آورده است که هر بیننده تازه وارد را به تحسین و ا می‌دارد. نیزارهای اطراف دریاچه نیز خصوصاً به هنگام غروب آفتاب زیبایی دلپذیری به دریاچه می‌دهند. زیباییهای دریاچه نه تنها در فصل بهار و تابستان بلکه در فصول پاییز و زمستان نیز تماشایی است خصوصاً فصل زمستان هنگامیکه کوههای اطراف از برف پوشیده شده و سطح دریاچه یخ می‌بندد می‌توان تعداد زیادی از توریستها را به خود جذب نماید، در گذشته به هنگام یخ بستن سطح دریاچه به علت عدم وسائط نقلیه از هر جایی که روباه از روی یخ عبور کرده و رد پای آن به روی یخ دیده می‌شد مردم روستاها اطراف و شکارچیان دو طرف دریاچه را بدون دغدغه خاطر و احساس خطر طی می‌کردند. اکنون هم به هنگام یخ زدن سطح دریاچه مردم شهر خصوصاً جوان‌ها برای تفریح و سرسره بازی و شکار به روی یخها هجوم می‌آورند.

دیدن دریاچه در شبهای مهتابی و شبهای تاریک که نور چراغهای روشن روستاهای اطراف دریاچه در آب منعکس می‌گردد و از انعکاس آن منظره بسیار جالب و دیدنی بوجود می‌آید، تماشایی است بی‌تردید همین زیبایی‌ها است که اغلب شاعران منطقه در وصف زیبایی زیربار شعرها سروده‌اند.

استعدادها و مشکلات جلب سیاحان در کردستان

علی اشرفی

پیشرفت و یا عدم ترقی یک ناحیه و منطقه، به ذخائر، امکانات مناسب و عوامل مساعد یا نامساعد طبیعی بستگی تام دارد، حتی رشد یا توسعه هر یک از بخشهای اقتصادی، بحرانها و اغتشاشات منطقه‌ای و تغذیه و سلامت افراد یک جامعه، نوع بهره‌برداری و تکنیکهای مورد استفاده نواحی، ارتباط تامی به محیط طبیعی دارد. در این راستا اگر سطح تکنولوژی و غنای فرهنگی برای مقابله با جبر محیط طبیعی قوی باشد محیط ناسازگار خود را در برابر دانش بشری که تکیه بر امکانات صنعتی دارد تسلیم شده می‌یابد و برعکس اگر مجموعه این عوامل بطور سنتی در منطقه بکار گرفته شوند زمینه‌ساز رفع محرومیت‌های محیطی خواهد گشت. کردستان ایران با توجه به جبر محیط طبیعی، برخوردار از کوههایی است که خصوصیات ساختمانی آنها رشته رشته ایست که خود باعث ایجاد درّه‌های تنگ و باریک بیشماری گردیده که گاهی عمق زیادی دارند و یکی از مهمترین موانع ارتباطی را تشکیل می‌دهند و همین ضعف ارتباطی زمینه‌ساز محرومیت یک منطقه خواهد شد کردستان با عدم برخوردار از شبکه ارتباطات

مناسب بطور نسبی در انزوای جغرافیایی قرار گرفته و از یک خفگی ارتباطی رنج می‌برد، زیرا امروزه محور توسعه یافتگی یک منطقه در گرو شبکه حمل و نقل راه می‌باشد، با توجه به چهره غالب محیط طبیعی کردستان و حدوث یک بن‌بست محیطی و کندی ارتباط، وجود راه باعث تسریع در رساندن بموقع کالای تولیدی زارعین به بازار و نیز تسریع در خدمات‌رسانی می‌شود، از طرفی معامله کالای قاچاق توسط تردکندگان طوریکه همان تجار غیررسمی با کمال آسانی توسط سکنه ساده لوح و بی‌بضاعت نوار مرزی بکار خود ادامه می‌دهند که این امر خسارات بزرگی به تجارت منطقه وارد نموده و تجار واقعی از رقابت مالی عاجز مانده و بتدریج از هستی ساقط می‌شوند و زیان آن مستقیماً بر اقتصاد کردستان تأثیر می‌نهد. بعد از استان سیستان بلوچستان از لحاظ فقر و محرومیت، کردستان جای دارد، مطابق آمار رسمی سال ۱۳۶۵ در مقایسه با درآمد سرانه سالانه، ساکنین منطقه کمتر از نصف درآمد سرانه ملی را دارند و در همان سال درآمد سرانه روستائیان حدود نصف شهری‌ها بوده است.

نبود بازارهای مرزی برای مقابله با بیکاری و نیل به رقابت سالم در منطقه محسوس است.

محاسن ایجاد بازارهای مرزی:

- ۱- راه قاچاق بطور نسبی بسته خواهد شد.
- ۲- زمینه اشتغال‌زایی ایجاد می‌گردد.
- ۳- سطح درآمد مردم بالا رفته و بیکاری بطور چشمگیری کم می‌شود.
- ۴- امنیت عمومی در منطقه حاکم می‌گردد.
- ۵- رونق اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در منطقه بروز می‌نماید.

چون استان به لحاظ پتانسیل‌های طبیعی، نیروی انسانی، امکانات تجاری و بازرگانی در وضع نسبتاً خوبی بسر می‌برد، و عمده‌ترین مشکل کردستان را باید یکی در ضعف مدیریت‌ها و دیگری در فقدان برنامه‌ای منسجم برای زدودن فقر و محرومیت‌زدایی دانست، تقریباً کردستان فاقد مازاد تولید ملی است زیرا علاوه بر تأمین مایحتاج روزانه و

سالانه خانوار، مابقی در همان بازارهای محلی بفروش می‌رسند ولی صادرکننده چند طیف از کالاهای اقتصادی در سطح ملی است که در جای خود بسیار کم و محدود است مانند پشم، پوست و مواد پروتئینی، گیاهان کتیرا، سقز، گیاهان طبی، صنایع دستی، قالی، سجاده، گلیم و گیوه و سنگهای ساختمانی و تزئینی، تقریباً تمامی مواد مصرفی کردستان از سایر مناطق کشور تأمین می‌شود حتی در این چند طیف کالای اقتصادی، قدرت مانور، مؤلّدان برای ارتباط منطقی متقابل با داخل کشور نیز محدود بواسطه شده پس ایجاد بانک توسعه غرب برای جذب اعتبارات و سرمایه‌های این منطقه بمنظور سرمایه‌گذاریهای زیربنایی ضروریست، و ایجاد قطبهای صنعتی متراکم (حداقل سنندج بعنوان قطب رشد) با توجه به منابع نسبتاً غنی معدنی، رشد بالای جمعیت و قطب کشاورزی و دامپروری، مهم است. احداث و تکمیل راههای بین استانی بمنظور خروج کردستان از بن‌بست و نیز اتصال بخشهای شمال جنوبی بطریق احداث راه‌آهن تهران - خسروی، جهت اتصال ایران به نجف و کربلا، اهمیت همه جانبه‌ای دارد که در صورت احداث راه‌آهن تهران - خسروی، شمال و جنوب کشور در ناحیه میانی کردستان بهم وصل می‌شوند. احداث راههای آسفالتی بین مراکز روستایی و خطوط شوسه بین روستایی نیز مهم‌اند. اسکان اکراد کوچ رونده اطراف بانه و مریوان، اشنویه، سردشت و نوسود هم می‌تواند استراتژیک باشد. کنترل مهاجرتهاى درون استانی و احداث و توسعه کارگاههای صنایع دستی در جهت حدوث جاذبه‌های جمعیتی برای مناطق کم تراکم، بر اقتصاد منطقه مؤثر می‌افتد. دومین استان کشور از نظر اهمیت بخش فعالیتهای ساختمانی در بافت اقتصادی مناطق شهریست ولی از نظر اهمیت نسبی زیر بخش خدمات مالی و تجاری در رده ۲۳ است مقررات دست و پاگیر در ارائه زمین به متقاضیان و معلوم نبودن وضع طرح جامع و تفصیلی شهرها بخصوص سنندج - مشکلاتی را در نحوه سرمایه‌گذاری ساختمان‌سازی پدید آورده، متأسفانه سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی عمدتاً پیرامون خرید و فروش غیرمجاز ساختمان و زمین و مصالح ساختمانی است که با وصف این از جانب بانکها، وام‌هایی به موجدین عمارات داده شده، از طرفی سرمایه‌گذاری در امر مسکن بمنظور درآمد و بهره‌برداری بعمل نمی‌آید مگر در

مواقعیکه مازاد بر نیاز مسکن خانوارها باشد. بنابراین با در نظر گرفتن نکات مذکور برای گسترش امر توریسم در منطقه تمهیدات ذیل بر مبنای اوضاع اقتصادی و اجتماعی و طبیعی منطقه ارشاره می‌شود:

احداث وسایل رفاهی در اطراف دریاچه زریوار و تبدیل آن به ناحیه سیاحتی و ایجاد پارکهای جنگلی در اطراف بانه و مریوان. با توجه به شرایط زیستی حوالی بیجار می‌توان با دادن امکانات و حفاظت‌های مناسب، جاذبه توریستی شکار را آنجا پدید آورد. و توسعه امکانات سد قشلاق برای گذراندن اوقات فراغت و جذب توریست در جهت امکانات شنا و اسکی روی آب و ماهیگیری با قلاب و ... غار و قلعه کرفتو بین دیواندره و سقز و جاده آسفالته سنندج به سقز عبوری از نزدیک آنها، چشم انداز جلب سیاح می‌تواند باشد، ضمن اینکه جاده قدیمی رابط عراق و سوریه به ایران از نیم فرسنگی این غار می‌گذرد. و اینکه یکی از سرسبزترین و پرمرتفع‌ترین مناطق کشور، کردستان است و رودهای عظیم قزل‌اوزن، سیمینه رود، زرينه‌رود و سیروان، می‌طلبد که با احداث تأسیسات تله‌کابین یا تله‌سی‌یژ بر روی آنها، یکی از اقدامات جذب جهانگرد مهیا می‌شود، رسیدن توریست به اماکن باستانی مانند زیویه در گرو تسهیل خطوط ارتباطی است هنگامیکه زیربنای اقتصادی - معیشتی استان با در نظر گرفتن نکات برشمرده فوق، مانند خطوط ارتباطی و درآمد سرانه مورد بازنگری قرار گرفت و از طرفی استعداد فراوان منطقه در بخش ساختمان‌سازی را در جهت ایجاد تسهیلات برای جلب سیاح بکار ببریم همانند ساختن اقامتگاه و وسایل تفریحی و مرمت آثار باستانی و شناساندن آنها، همه و همه در مصاف با طرز برخورد افراد بومی و نگرش فرهنگی آنان به سیاحان متأثر از وضعیت اقتصادی و معیشتی آنها خواهد بود تا باشد که استعداد افراد منطقه بکمک استعداد طبیعی استان باشد.

توریسم، تبادل، تعامل یا تقابل فرهنگی

محمد علی موظف رستمی

این روزها بحث‌ها و اظهار نظرهای فراوانی در رابطه با گسترش و توسعه صنعت توریسم در ایران در میان است که هرکس با اظهاراتش سعی در موجه و مفید دانستن ورود توریست به کشور دارد. بعضی‌ها گام را از این نیز جلوتر نهاده و سعی دارند وانمود سازند که توسعه توریسم باعث توسعه اقتصادی می‌شود.

مسئله توریسم و جهانگردی را می‌توان از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و با یک تقسیم‌بندی و تفکیک اصولی همه کسانی را که وارد کشور می‌شوند می‌توان برای آنان در جهت اهداف مقدس نظام اسلامی برنامه‌ریزی نمود.

در وهله اول ما باید این نکته را دقیقاً مورد توجه قرار دهیم که هدف از توسعه توریسم، چیست؟ آیا صرفاً جنبه اقتصادی مورد نظر است یا جنبه‌های دیگری شامل تعامل، تبادل و تأثیر مثبت فرهنگی؟ - نخست باید هدف را مشخص کرد و در راستای آن هدف یک طرح اصولی و برنامه‌ای هدفدار و مدون تنظیم کرد.

مسئله صنعت توریسم را هر چه بیشتر و بهتر شناساندن فرهنگ اسلامی و ملی و

مظاهر آن نظیر ابنیه‌های تاریخی و در نهایت تاریخ درخشان گذشتگان می‌دانند. نکته قابل تأمل در ارتباط با این نظریه این است که اگر هدف شناساندن آثار تاریخی کشور است پس چه بهتر که این شناسایی در مرحله اول برای خود ملت ایران و پس از شناخت کامل ایرانیان در کنار آن برای بیگانگان نیز صورت گیرد. با کمال تأسف باید گفت که صنعت ایرانگردی و تورهای داخلی در ایران از گسترش چندانی برخوردار نیست و درصد بالایی از هموطنان آگاهی چندانی نسبت به آثار ملی و تاریخی کشور ندارند. خوشبختانه کشور ایران یک کشور بزرگ با پیشینه‌ای بسیار قدیمی و باصطلاح یک کشوری است که دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و فرهنگی است و بسیاری از این آثار به علت عدم شناساندن صحیح از دیدها و ذهنها پنهان مانده است.

علل مهم این نقص را می‌توان در کم توجهی و بی‌رغبتی و سستی نسبت به شناسایی فرهنگ چند هزار ساله ما دانست. ما می‌توانیم از طریق تهیه بروشورها، تراکتها و نیز تهیه فیلمهای آموزشی از طریق جراید و صدا و سیما به معرفی آثار بپردازیم. با انجام و جدی گرفتن این موارد، حداقل برای قشر عظیمی از محصلین و دانش‌آموزان که آینده‌سازان و حافظان آینده فرهنگ این مرز و بوم هستند و درصد بالایی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند قدمی مثبت در جهت شناسایی و احیای فرهنگ غنی ملی برداریم. حال با ملحوظ داشتن این نکته که شناسایی دقیق تمام و کمال برای هر ایرانی زمینه و مقدمه‌ای است جهت شناسایی ایران برای غیر ایرانی، تا این مقدمه باصطلاح مرحله اول صورت نگیرد. هیچگاه نباید انتظار داشت که موخر و مراحل بعدی با موفقیت عملی شود. حال فرض بر آنکه مرحله اول به خوبی صورت گرفته و ایران به نحو احسن برای ایرانی شناسانده شد و اهداف ما نیز برای ورود توریست‌ها و جهانگردان مشخص شد لازم است که ابتدا برنامه‌ای دقیق و جهت‌دار طرح کنیم تا حداکثر استفاده و بهره‌برداری را در راستای اهداف تعیین شده در مدت زمان محدود حضور آنان در ایران بنماییم. همانطوریکه قبلاً ذکر شد در وهله نخست ما باید جهانگرد توریست و محققین را از یکدیگر تفکیک کنیم و برای هر گروه یک برنامه مشخص و جداگانه آماده سازیم. در یک دید کلی می‌توانیم تمامی این افراد را در ۳ گروه مجزا که دارای اهدافی مشخص

هستند تقسیم‌بندی کنیم که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

گروه اول:

محققین چه به صورت انفرادی و چه بصورت گروهی و اکیپ برای تفحص و تحقیق راجع به ایران در کشور حضور پیدا می‌کنند، ما نه تنها باید تمهیدات ورود آنان را آماده سازیم بلکه باید خود نیز امکانات در اختیار آنان قرار دهیم تا با هیچ مشکلی مواجه نشوند و نیز اشتیاق و علاقه آنان برای ورود به کشور بیشتر شود چون همین گروهها و افراد هستند که به محض ورود به کشورشان اکثراً دست به قلم شده و مطالبی درباره ایران خواهند نوشت و در مکتوبات آنان نیز نوع برخورد، نوع امکانات و نوع پذیرایی ما از آنان درج خواهد شد. این همان چیزی است که ما دنبال آن هستیم. یعنی شناساندن ایران برای خارجیان و محققان. اگر ما با آمادگی به استقبال آنان برویم مسلماً پیامدها و تأثیرات مثبت فرهنگی فراوانی خواهد داشت چون درصد قابل توجهی مقالات و سخنرانی‌ها و تدریس آنان را می‌شنوند و یا می‌خوانند.

گروه دوم:

گروههایی هستند که اکثراً به صورت تور مسافرت می‌کنند و اکثر آنان از لحاظ سن میانسال و سالخورده هستند، این گروه کمتر برای خوشگذرانی و تفریح می‌آیند، بلکه بیشتر اهداف آنان دیدن و جهانگردی است. فرق آنان با گروه اول این است که این افراد محقق نیستند و آثار و نوشته‌ای از خود بجای نخواهند گذاشت که برای ما پیامد سوء یا مثبت داشته باشد. البته قبل از ورود باید آگاهی کامل از فرهنگ و سنت‌ها و ارزشهای حاکم بر نظام اسلامی ما داشته باشند و در صورت توافق و سازش و پذیرفتن هنجارها و ارزشهای اسلامی اجازه ورود به کشور بیاوند. به محض ورود این افراد، ما باید یکسری برنامه‌های مدون و جهت‌دار و یکسری القاءات و تأثیرات مثبت را بر روی آنان داشته باشیم تا بتوانیم تا اندازه‌ای به اهداف خود برسیم.

گروه سوم:

توریست‌هایی هستند که اکثریت آنان را جوانان تشکیل می‌دهند و هدف این افراد و

گروهها بیشتر خوشگذرانی و تفریح و یا انجام اعمال فساد انگیز و ضد ارزش است و اکثراً در مراکز فساد کشورهای مختلف حضور دارند. با ملاحظه اینکه چنین اعمال و رفتار و ناهنجاریهایی را که این افراد انجام می‌دهند، هیچگونه سنخیتی با اهداف نظام اسلامی ما ندارد و متعاقب آن نظام اسلامی ما خود با این گونه اعمال برخورد می‌کند. نهایتاً ورود این افراد نیز غیرممکن خواهد بود چون در این صورت سازگاری فرهنگی صورت نخواهد گرفت.

در تجزیه و تحلیل مبحث و عنوان تعامل و تقابل فرهنگی، ما برای گروه اول که همان محققین هستند می‌توانیم تبادل و تعامل فرهنگی داشته باشیم و برای گروه دوم با برنامه‌ریزی دقیق‌تر تا اندازه‌ای تبادل و تعامل فرهنگی داشته باشیم ولی برای گروه سوم (ضد ارزشها) اصلاً تبادل و تعامل فرهنگی نخواهیم داشت بلکه با مسأله تقابل فرهنگی مواجه خواهیم بود. مسأله قابل تأمل در این ارتباط این نکته است که در راستای اهداف نظام که خواستار تأثیرگذاری مثبت فرهنگی بر روی توریست‌هاست باید افرادی را که به عنوان راهنما یا سرپرست گروههای تور انتخاب می‌کنیم و این افراد شبانه روز همراه آنان هستند باید خودشان نمونه و الگوی فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی باشند چون در این مدت که به عنوان راهنما یا سرپرست همراه این تورها هستند نگاه تمامی افراد تور به رفتار اعمال و منش آنان دوخته شده است که لازم است این افراد با کمال دقت‌گزینش شوند و افرادی که انتخاب می‌شوند حتماً آموزشهای لازم را ببینند و خودشان آئینه حرکت و منش اسلامی باشند.

زمینه‌های جذب جهانگردی در استان کردستان و پارامترهای مؤثر در تأثیر و تأثر فرهنگی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد.

۱- با عنایت به وجود مراکز مذهبی چون قرآن روستای نگل و هاجر خاتون و در صورت تبلیغ و خوب شناساندن این مراکز، استان کردستان می‌تواند مرکز جذب توریسم بخصوص از کشورهای اسلامی باشد و به محض ورود آنان می‌توان با کارهای فرهنگی و نیز در اختیار گذاشتن بروشورها، پوسترها و کتابهایی در خصوص فرهنگ

مذهبی بومی منطقه ذهن آنان را از تلقی‌ها و باورهای غلط پاک کرد و یکسری القائات و تأثیرات مثبت فرهنگی در آنان ایجاد کرد. حضور جهانگردان بخصوص جهانگردان مسلمان ولو به تعداد کم و انگشت شمار می‌تواند زمینه‌ای باشد برای حذف ذهنیت‌های منفی ایجاد شده و نیز بهترین فاکتور جهت گسترده‌تر کردن دامنه و شعاع تبلیغات برای جذب جهانگردان و ما با حذف این تلقی‌های منفی پیامدهای مثبت فرهنگی را در پی خواهیم داشت. مسافرت، معاشرت و برقراری ارتباط تنگاتنگ و نزدیک و دیدن واقعیت‌های موجود یکی از راه‌های ایجاد تقارب و تعامل و تبادل فرهنگی خواهد بود در صورتی که برای این ارتباطات طرحی مدون و برنامه‌ریزی شده اجراء گردد.

۲- زمینه دیگر جذب جهانگردان وجود آثار و ابنیه تاریخی بجای مانده از نیاکان و تمدن‌های قدیمی این منطقه نظیر خسروآباد، قلعه زیویه، کتیبه تنگیور و... می‌باشد. وجود این آثار باعث جذب محققین خارجی می‌شود. اگر شرایط و امکانات تحقیق برای محققان فراهم گردد بهترین شیوه تبلیغ فرهنگی خودی است از زبان بیگانگان که آنها می‌توانند آثار ما را با بهترین شکلی توصیف نمایند و در اختیار دیگر خوانندگان و علاقمندان به فرهنگ و آداب و سنن اجتماعی در کشور خودشان قرار دهند. ولی با کمال تأسف باید گفت وضع موجود بناها و آثار تاریخی استان بگونه‌ای است که یا در حال مخروبه شدن است، یا احتیاج به مرمت و بازسازی دارند با این احوال اگر برای آنان چاره‌ای نیاندیشیم این مراکز تبدیل به مراکز ضدفرهنگی شده و نوعی بی‌توجهی به فرهنگ ملی را از سوی دولت در ذهن جهانگردان تداعی می‌کند و باعث تأثیرگذاری منفی خواهد شد. با ملحوظ داشتن این نکته که کشور ما آماج حملات و تبلیغات سوء دشمنان در ارتباط با بی‌توجهی نسبت به فرهنگ ملی و بومی قرار دارد این قضیه سوژه‌ای می‌شود برای بهره‌برداری سوء آنان و این نکته را نیز باید مورد عنایت قرار دهیم که تعدادی از افرادی که در قالب جهانگرد یا محقق وارد کشور می‌شوند با برنامه‌ریزیهای قبلی و هدفهای از پیش تعیین شده از سوی قدرتهای استکباری هدف ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در سر می‌پروراند و همیشه دنبال نقاط ضعف و نقاط منفی هستند و با تهیه عکس و فیلم از این مراکز در اذهان عمومی

جامعه خویش ذهنیات منفی را القاء می‌کنند.

۳- زمینه دیگر جذب جهانگردان وجود مراکز تفریحی و دیدنی استان نظیر دریاچه زریوار مریوان، غار کرفتو، منطقه اورامانات و... می‌باشد. ما در این مراکز می‌توانیم با ایجاد نمایشگاههای مختلف فرهنگی، هنری و کارهای جنبی هدفدار تا اندازه‌ای فرهنگ اصیل اسلامی و محلی منطقه را به نحو احسن بشناسانیم.

۴- معمولاً هر جهانگرد پس از ورود به استان به رسم یادگاری از صنایع دستی منطقه حتماً خریداری خواهد کرد. ما می‌توانیم با یکسری کارهای حساب شده از طریق این صنایع از قبیل حک کردن شعارها، نثرها یا متنهای ادبی فرهنگی، تبلیغات جهت‌دار و مثبتی را داشته باشیم تا زمانی که این آثار در منازل یا مراکز فرهنگی آنان پابرجاست تبلیغ ما نیز برقرار است بدین طریق جهانگردان حاملان و عاملان تبلیغات هدفمند ما خواهند بود.

۵- خاتمه یکی دیگر از مراکزی است که توجه جهانگردان را به سوی خود جلب می‌کند. ما باید در این مورد بعد زیبای تصوف و عرفان را برای آنان به تصویر بکشانیم نه تنها حرکات و بعد ظاهری را.

در پایان لازم است اشاره شود که استان کردستان با توجه به شاخصهای فرهنگی و مذهبی خاص خود ضرورت برنامه‌ریزی براساس فرهنگ و عقائد مذهبی حاکم را می‌طلبد و کسانی که به هر عنوان در زمینه جهانگردی در استان فعالیت دارند باید اطلاعات کافی و وافی از فرهنگ و مذهب و ارزشها و هنجارهای حاکم بر منطقه و همچنین توان پاسخگویی به یکسری ایهامات را داشته باشند.

والسلام



